



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



■ روحانیون در دفاع مقدس

امام واقعاً دنیا را عوض کرد. روی آوردن روحانیون به آموزش نظامی، هنر امام بود. این قدرت خدا بود که به دست آن بزرگوار این کارها انجام گرفت.

عیدیه
۱۳۷۰/۰۹/۱۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی

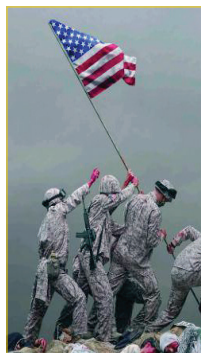
■ رئیس شورای سیاست‌گذاری و مدیرمسئول: علی اصغر جعفری
 ■ جانشین مدیرمسئول: علیرضا عسگری
 ■ سردبیر: محمود اکرامی
 ■ مدیر تحریریه: مصطفی عثمانیان
 ■ مدیر اجرایی: مجتبی آذرشب
 ■ مدیر هنری: حمید خانمحمدی

■ صاحب امتیاز:



ماهنامه تخصصی حوزه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مقاومت

گفت‌وگو



۵۶ | آمریکا؛ بن بست یا بحران؟!
 ۵۹ | ستیز با غرب زدگی
 ۶۲ | وحدت جوامع در اسلام
 ۶۵ | اختلاف

دیدگاه‌ها



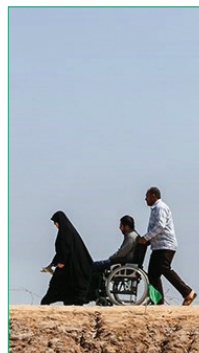
۶۲ | دفاع مقدس هنوز قصه‌های جذابی دارد
 ۶۶ | واقعیت مهدی در موقعیت سینما
 ۶۹ | جنگ روایت‌ها
 ۷۳ | آنچه باید بماند

روایان



۷۰ | تلخ و ننگین
 ۷۵ | شگفتی‌های جنگ خیبر
 ۷۰ | چشم‌هایی که می‌خندید
 ۷۵ | هور در آتش

یادمان



۶ | همه وسایل امام (ره)
 روی یک میز جامی شود
 ۹۰ | آغاز دوباره راهیان نور
 ۹۶ | طراحی‌های نوآورانه و مفاهیم موزه‌ای

۱۲۹ اسفند ۱۳۲۹

روز ملی شدن صنعت نفت

پس از تظاهرات عظیم مردم در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹
 مجلس قانون ملی شدن نفت را تصویب کرد.



■ شورای تحریریه:

محمود اکرامی، سعید بکناش، علی اصغر جعفری، فتح‌اله جعفری، مجید رضاییان یعقوب زهدی، رسول شادمانی، ابراهیم گلغام بیژن مقدم، محمد جعفر محمدزاده، حسین ولی‌وند، محمد رضا سونقدی، ابراهیم محمدی

■ باهمراهی:

جواد چهاردولی، غزاله افتخاری، مجتبی عبادی فتح، محمود ملکی، فرشته صائمی، ابوالفضل طاووسی نرگس سوری، علی بدرخانی، مریم بیات تبار، محسن محمدی، محمد نصیری، فرزانه میرآخورلو مهران کریمی، زهرا صلواتی، شهرزاد محمدی، احمد حسینی، بابک اسماعیلی، مجید کاشانی مهدی جمشیدی، مهدی سلطانی، ابوالفضل صالحی، محمد حسن جعفری، سمانه پرهام کبری سنگوری‌زاده، ناصر سعادت، سبحان محقق، مقصوده نوحی، مهدی رجبی و مجتبی آذرشب

پرسیمان



۷۰ | قرارگاه خاتم
۷۶ | ایده آقای هاشمی برای
پایان جنگ کسب یک
پیروزی بود
۸۱ | فراز و فرودهای قرارگاه
۸۲ | از ستادی در تهران تا
قرارگاهی در جنوب

راهمیان



۹۰ | فعالیت‌ها باید معطوف
به جامعه جوان نوجوان و
کودک باشد
۹۶ | بنیاد برچمدار روایت
صحیح دفاع مقدس
۹۸ | اقدامات بنیاد
در جامعه اثربخش است
۱۰۰ | شجاعت رزمندگان
بدون اغراق روایت شود
۱۰۱ | ضرورت همکاری برای
گردشگری دفاع مقدس
۱۰۲ | کار برای دفاع مقدس
باید جهادی باشد

ترجمان



۱۰۵ | جنایت زیر سایه
دموکراسی
۱۱۱ | لبخند خدا حافظی
۱۱۵ | بهانه‌ای برای جنگ

چهره‌ها

۶

حبیب
اسماعیلی



۲۲

حمید
زرگرزاد



۷۶

محمد
درودیان



۸۱

عبدالحسین
مفید



۱۰۲

عزت‌اله
ضرغامی



۱۱

زانا احمد



■ نشانی:

تهران، میدان ونک، بزرگراه
شهید حقانی، جنب مترو شهید
حقانی، موزه ملی انقلاب
اسلامی و دفاع مقدس
تلفن: ۸۸۶۵۷۰۲۶ داخلی ۸۵۰

■ همراه شوید:

سرواز همراهی پژوهشگران، هنرمندان
واهایی قلم استقبال می‌کند.
مطالب ارسالی می‌بایست بین ۵۰۰
تا ۲۰۰۰ کلمه بوده و در فایل word به
آدرس الکترونیکی art@iranhdm.ir
ارسال شوند.

جایگاه ما در تراز انقلاب اسلامی



رسول شادمانی
عضو شورای تحریریه

پایان؛ چنانچه با منطق و معرفت همراه باشد، آغازی در مسیری روشن، برای پیدایش فرصت‌ها خواهد بود. قدری تأمل لازم است که در پایان، بیان‌دیشیم چه کرده‌ایم و در ادامه چه باید بکنیم. پایان هر سال مجالی برای ارزیابی است. ارزیابی جایگاه خودمان در «تراز انقلاب اسلامی» در پی ایجاد فرصت برای خدمتی سرشار.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران مبتنی بر فلسفه ارج نهادن به جایگاه رفیع انسان متعالی و در پی ایجاد جامعه نبوی و علوی ظهور و بروز پیدا کرد. انقلابی ایدئولوژیک که مَبْلَغ فصل نوینی از حاکمیت دینی در گستره سیاسی جهان بود. انقلابی که آرمان آن در چشم اندازی جهان شمول، تجلی «تمدن نوین اسلامی» با اهداف احیاء جایگاه رفیع انسان آشفته‌ی معاصر و اشاعه هویت و اندیشه عالی آدمی بوده است.

با این تفاسیر، انقلابی معناگرا بر خوردار از مانیفستی دینی که با وقوع آن، جریان و روند تاریخ تغییر پیدا کرد لاجرم از «معیار» برخوردار است که سنجش‌ها بر محور آن صورت می‌گیرد و بدون تردید مترومیزان در حاکمیت دینی موقعیت و جایگاه «امت اسلامی» است.

اهمیت این موضوع به حدی است که بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) خطاب به مسئولان فرمودند: «همه چیز به دست آوردن رضای خداست و آن به این است که رضای مخلوق خدا را به دست بیاورید.» رضای خداوند و در پی آن، رضایت مخلوق در جامعه نبوی «تراز انقلاب اسلامی» است که میزان سنجش حکمرانی و مسئولان در هر مقام و جایگاهی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که همواره خدمت به امت اسلامی را از مسئولان و دست‌اندرکاران نظام اسلامی مطالبه دارند در این خصوص فرموده‌اند: «اینکه گاهی تعبیر می‌شود که "مسئولین نوکر مردم هستند"، بعضی ایراد می‌کنند که این کلمه‌ی "نوکر" را نگویند. این کلمه‌ی

پیغمبر است، خادم یعنی نوکر. این کلام علاوه بر اینکه اهمیت و ارزش خدمت به مردم را نشان می‌دهد که از نظر شارع مقدس اسلام و پیامبر مکرم، چقدر «خدمت به مردم»، «برای مردم کار کردن»، «برای مردم زحمت کشیدن»، «به مردم سود رساندن» اهمیت دارد، چقدر اهمیت دارد. روایت می‌گوید: شما اگر چنانچه به هر دلیلی ریاست این جمعیت، ریاست این قوم، ریاست این ملت را در هر حدی بر عهده گرفتید، فوراً وظیفه‌ای به گردن شما می‌آید و آن خدمت به اینهاست.»^۱

به بیان دیگر، در جامعه دینی، توجه به حاکمیت ملت، نه تنها شرط حقانیت دین، بلکه شرط مشروعیت حکومت دینی است. فلذا مراعات حقوق مردم، نه فقط دموکراتیک بودن یک حکومت دینی را ثابت می‌کند، بلکه دینی بودن آن را نیز تضمین خواهد کرد.

در قدامت اهمیت مسئله، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران در پانزدهمین سفر استانی خود در دولت سیزدهم به استان گیلان، قرار نگرفتن و همخوان نبودن عملکرد برخی مسئولان و دستگاه‌ها در تراز انقلاب اسلامی را دلیل اعتراض و گلابه‌ی بحق مردم دانست و گفت: «امروز در شرایطی هستیم که باید از فرصت‌های موجود برای توسعه پایدار، پیشرفت آبادانی کشور و رفع مشکلات مردم استفاده شود و در این راستا هر حرکت و اقدامی در جهت پیشرفت به معنای مقابله با خواست دشمنان است.»^۲

حال در این آوردگاه و مجال بر ماست که چنانچه مسئولیتی ولو اندک برگردد خود احساس می‌کنیم، در پی ادای تکلیف به نظام دینی و خدمت به امت اسلامی، عملکرد خود در سالی که گذشت را در تراز انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار دهیم تا مبادا از جاماندگان باشیم و دچار خسران شویم.

پی‌نوشت:

- (۱) صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۹
- (۲) شرح حدیث اخلاق/ ۳ بهمن ۱۳۹۲
- (۳) ۸ بهمن ۱۴۰۰

یادمان



۱۰
آغاز دوباره راهیان نور



۶
همه وسایل امام (ره)
روی یک میز جا می شود



۱۶
طراحی های نوآورانه و مفاهیم موزه ای



مدیر عامل موزه امام خمینی (ره) در گفت و گو با سرو:

همه وسایل امام (ره) روی یک میز جامی شود

موزه‌ها از جمله مجموعه‌هایی هستند که از گزند شیوع کرونا به دور نماندند و بعضاً زرمه‌هایی در مورد کاهش بازدیدکنندگان از آنها به دلیل شیوع این ویروس به وضوح دیده می‌شود. استقبال کم‌رنگ از موزه‌ها به دلیل شیوع پاندمی مسئولین امر را به سمت ترویج بازدید مجازی سوق داد، امری که بنا به گفته مدیر عامل موزه امام خمینی (ره)، کیفیت آن با بازدید حضوری قابل قیاس نیست و آن تأثیری که لازم است در مخاطب صورت نمی‌گیرد. هرچند حبیب اسماعیلی از کم و کاستی‌های بازدید مجازی می‌گوید، اما معتقد است که تنها راه حل جبران این کاستی‌ها پایان کرونا است و تا آن زمان موزه‌ها بهتر است بخش روایت‌گری خود را از طریق مطالعات تخصصی و حفظ امانت تقویت کنند. او بر همین اساس به این نکته تأکید می‌کند که موزه امام خمینی (ره) نیز با همین حساسیت در مسیر راه‌اندازی قرار گرفته و تلاش شده در موزه مذکور آثار به صورت چند رسانه‌ای در معرض دید عموم قرار بگیرند. متن گفتگوی تفصیلی حبیب اسماعیلی، مدیر عامل موزه امام خمینی (ره) با ماهنامه سرو به شرح زیر است:



فرشته صائمی



آماده‌سازی موزه امام خمینی (ره) واقع در حرم مطهر ایشان

برای واقعی‌تر شدن روایت‌ها چه راهکاری وجود دارد؟

از جمله راهکارهایی که برای واقعی‌تر کردن روایت‌ها وجود دارد عبارتند از بهره‌گیری از دانش موزه‌داری به معنای عام کلمه، استفاده از هنرهای تخصصی مرتبط با این زمینه و از همه مهم‌تر اینکه موزه‌ها در کار مطالعاتی بسیار باید تلاش کنند، به عنوان مثال ما که در موزه امام خمینی (ره) در مرحله بهره‌برداری قرار گرفتیم، مدت طولانی را به موضوع مطالعه موزه اختصاص دادیم که بر همین اساس می‌توان گفت که تلاش دقیقی صورت گرفت و معتقدیم هنوز هم تا نهایی شدن آن زمان می‌برد. آن مطالعات علمی که با کمک روش‌های تاریخ نگارانه، مردم شناسی و جامعه شناسی و در مرحله بعد روش‌های موزه‌داری که از ابزارهای هنری استفاده می‌شود، همه این موارد می‌توانند کار موزه را تقویت کنند. در مجموع در امر موزه‌داری مانند سایر امور باید از دانش تخصصی بهره گرفت.

به نظر شما موزه‌های مطرح در حوزه انقلاب اسلامی به سطح مطلوب پیشرفت در موزه‌داری دست پیدا کرده‌اند؟

تجربه موزه‌داری انقلاب اسلامی و مقاومت از جمله تجاربی است که در دهه اخیر بیش از همیشه خودنمایی کرده و شکوفا شده است، البته در گذشته هم موزه‌هایی نظیر موزه شهدا وجود داشتند اما ظرافتی که مسئولان ارشد نظام و به ویژه مقام معظم رهبری مدنظر قرار دارند و در همان راستا دستور دادند، منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای شد که نمونه آن را می‌توان در مواردی نظیر برپایی یادمان‌های شهدا در سراسر کشور، از جمله مناطق عملیاتی و شهر خرمشهر مشاهده کرد، البته در خرمشهر بازسازی خوبی صورت گرفت و برخی از میراث دفاع مقدس احیا شد.

در واقع باید در مورد روایت‌ها مراقبت‌های بیشتری به خرج داد.

بله. علاوه بر موارد مذکور یکی از پدیده‌های خوب عرصه موزه‌داری، موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع است. در مجموع دانش موزه‌داری رو به گسترش است و شرایط مناسبی را هم دارد. البته بنده بر این باور هستم که باید در مورد روایت‌ها مراقبت‌های بیشتری صورت بگیرد چرا که در مورد آنها خطر دست بردن در داخل آن وجود دارد بنابراین تا جایی که ممکن است و شرایط اقتضا می‌کند، می‌توان برای افرادی که دلیل گذر زمان درکی از آن دوران‌ها ندارند، از طریق موزه‌داری و به ویژه روایت‌ها فضای گذشته را به امروز منتقل کرد.

از نظر شما روایت‌های کنونی دارای نقاط ضعف هستند؟

در حال حاضر روایت‌ها دقیق و نزدیک به واقعیت هستند اما باید تلاش کرد که همین روایت‌ها هم واقعی‌تر بشوند. در هر حقیقت روایت‌ها فرآیند جاری موزه‌ها است و به این ترتیب نیست که بگوییم امروز این کار را انجام دادیم و تمام شد. منظور این است موزه‌ها تا جایی که می‌توانند روایت‌ها را عینی‌تر و واقعی‌تر به ما منتقل کنند.

تنها از طریق بازدید حضوری می‌توان موزه‌داری را رونق داد؟

بازدید حضوری از موزه‌ها بسیار اهمیت دارد. در هر صورت وقتی بازدیدکننده در فضا قرار می‌گیرد مخصوصاً فضایی که با توجه به پیشرفت موزه‌داری تنها حس بینایی بازدیدکننده درگیر نمی‌شود، بلکه همه حواس پنجگانه او درگیر می‌شود، بسیار موثرتر از فضای مجازی است. کما اینکه بازسازی جزیره مجنون در موزه انقلاب اسلامی و دفاع حتی برای بنده که در آن دوران رزمنده بودم، بسیار جذاب است. در حقیقت کیفیت بازدید مجازی از موزه‌ها با بازدید حضوری از آن بسیار متفاوت است و مواردی نظیر بازسازی صحنه، روایت‌گری صحیح، صدا، نور و مواردی از این قبیل بسیار در این امر دخیل هستند. در بسیاری از کشورهای جهان موزه‌داری به سمتی رفته که با قرارگرفتن در آن موزه فضای مربوط به آن جهان به یکباره پیش چشم مخاطب تغییر می‌کند و فضای مورد نظر بازسازی می‌شود، کلیه این موارد بیانگر این است که این بازدید مجازی از کیفیت بازدید حضوری برخوردار نیست. برای نمونه در یکی از موزه‌ها اتاق انفجار طراحی شده که فقط از طریق حضور فیزیکی در آن اتاق می‌توان شرایط را درک کرد و تأثیر آن را احساس کرد اما با فضای مجازی چگونه این اتفاق و تأثیرگذاری بر مخاطب اتفاق می‌افتد و شکل می‌گیرد؟ البته منظور این نیست که بازدید مجازی هیچ اثرگذاری ندارد، بلکه کیفیت بازدید مجازی و حضوری با هم قابل مقایسه نیست.

موزه‌های انقلاب اسلامی توانایی جذب گردشگران بین‌المللی را دارند؟

اگر همه ابزار و لوازم شخصی حضرت امام را جمع کنیم، همگی تنها بر روی یک میز جامی شوند، کما اینکه ساده‌زیستی ایشان شهره عام و خاص است، اما امام خمینی (ره) به عنوان یک شخصیت دوران ساز، در مقاطع مختلف تاریخی حضور داشته و کلام، پیام، تدبیر و فرماندهی ایشان مسیر تاریخی را تعیین کرده است. برای همین وقتی وارد این قسمت از زندگی امام خمینی (ره) وارد می‌شویم بی‌نهایت سند، عکس و آثار کتبی وجود دارد که انتخاب تعدادی از این آثار در میان انبوه از آنها

ارزیابی شما از وضعیت بازدید از موزه‌ها به چه صورت است؟

در شرایط فعلی کرونا به همه حوزه‌ها از جمله گردشگری موزه‌ها آسیب وارد کرده است. لذا تا زمانی که این بلای جهانی ریشه‌کن نشود، فضای موزه‌ها در خصوص بازدیدکنندگان نسبت به گذشته دچار اختلال است. البته درست است که ابزارهایی نظیر اینترنت و فضای مجازی به کمک ما آمده و تا حدودی سعی شده که از ابزارهای مذکور این آسیب ناشی از کرونا برطرف شود اما در امر موزه‌داری دو مورد همواره مورد توجه و تأثیرگذار است. اول مشاهده آثار و دوم فهم آن است که هر دو مورد در فضا صورت می‌گیرد. اگر در آینده استفاده از فضای مجازی در موزه‌داری بیشتر شود، نهایتاً تعبیری می‌تواند باشد برای افزایش بازدیدکنندگان حضوری.

۶۶

**موزه ملی انقلاب اسلامی
و دفاع مقدس در نوع خود
و مخصوصاً در استفاده از
ابزارهای جدید صاحب‌نواوری
بود و تا قبل از آن مجموعه‌ای
نبود که تا این اندازه از فناوری
استفاده کند البته در حال
حاضر موزه‌های دیگر هم از
فناوری استفاده می‌کنند.**

۹۹



به نظر شما موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس براساس چشم اندازی که برای آن در نظر گرفته شده، حرکت کرده است؟ باید از دو جهت به موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نظر کرد. اولین مورد سوژه و عنصر قابل بر موزه است که به اندازه ای پدیده بزرگی است که هر قدر برای آن کار شود، کم است، لذا از این منظر دارای ویژگی برجسته ای است که هیچ کدام از موزه ها این ویژگی را ندارند. نکته دیگر این است که موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نوع خود و مخصوصاً در استفاده از ابزارهای جدید صاحب نوآوری بود و تا قبل از آن مجموعه ای نبود که تا این اندازه از فناوری استفاده کند البته در حال حاضر غیر از موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، موزه های دیگر هم از فناوری استفاده می کنند اما شروع کار در استفاده از فناوری برای موزه داری مربوط به موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که در آن زمان پدیده خاصی بود و حتی افرادی که دیدگاه سنتی نسبت به موزه داری داشتند، در واکنش به استفاده از فناوری در این حوزه، شروع به انتقاد کردند.

بسیار کار سختی است و به این سادگی نیست. اما در هر صورت محوریت موزه امام خمینی (ره) مربوط به دوره ای است که به طور طبیعی ایشان زندگی می کردند و ارتباط با قلم و تصویر به نمایش گذاشته می شود. البته تلاش برای این است که آن قسمت زندگی امام که مربوط به انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است را هم در موزه مذکور به نمایش بگذاریم اما بیشترین بخش کار مربوط به سند، عکس و فیلم و آثار چند رسانه ای خواهد بود.

موزه امام خمینی (ره) از طرف کدام نهاد حمایت می شود؟

این موزه زیرمجموعه آستان مقدس ایشان است که مجموعه ای کلان در ذیل مدیریت آقایان سید حسن خمینی و انصاری قرار دارد.

موزه در کجا قرار دارد؟

در ضلع جنوب غربی حرم قرار دارد و انشالله در موعد مناسب افتتاح خواهد شد.



آغاز دوباره راهیان نور

در یکی دودهمه اخیر سفرهای راهیان نور رونق بسیاری یافت و به یکی از بزرگترین و موثرترین رویدادهای فرهنگی کشور تبدیل شد؛ به گونه‌ای که بهترین ابزار برای ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت و انتقال ارزش‌ها و تجربیات دوران دفاع مقدس به حساب آمد. راهیان نور نقش مهمی در ارتقای فرهنگ جامعه، تقویت روحیه ملی، ایجاد نشاط اجتماعی و آشنایی نسل جوان با رشادتهای رزمندگان و معارف دوران دفاع مقدس دارد. حتی برخی معتقدند که استقبال مردم ایران از مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی ریشه در حرکتی دارد که در راهیان نور پی ریزی و فرهنگ سازی شد. از این رو صاحب نظران حوزه فرهنگ و تربیت اجتماعی تاکید دارند که این کنش اجتماعی، فرهنگی، جهادی و مردمی به هیچ وجه نباید کمرنگ شود.



سید ناصر سعادت

نورامسال بارعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و با حضور نماینده‌ای از وزارت بهداشت برگزار می‌شود.

بنابراین دستورالعمل‌های مرتبط با حوزه سلامت در راهیان نور در چند بخش اعضا، اسکان و یادمان‌ها انجام و ابلاغ شد و برنامه‌ریزی شد تا براساس دستورالعمل‌های بهداشتی، اعزام کاروان‌های دانش‌آموزی، دانشجویی و سپس عمومی آغاز شود. البته ابتدا از استان‌های همجوار با مناطق عملیاتی دفاع مقدس آغاز شد و قرار است سپس از سایر استان‌ها در مناطق عملیاتی دفاع مقدس حضور پیدا کنند.

از این رو در مهرماه سال جاری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام بارعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در قالب اردوی راهیان نور به مناطق عملیاتی استان ایلام اعزام شدند. چند هفته پیش نیز کارکنان دادگستری‌های خوزستان به همراه خانواده‌هایشان در یادمان شهدای شلمچه حضور یافتند.

۱۰ میلیون بازدیدکننده در آفاق ۱۴۰۴

پیش از شیوع ویروس کرونا و در سال ۹۷، هفت میلیون نفر از ۵۸ یادمان دفاع مقدس در هفت استان کشور شامل خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و بوشهر بازدید کردند که چهار میلیون نفر از آن‌ها به استان خوزستان و سه میلیون نفر دیگر به سایر مناطق جنگی سفر کردند.

در سال ۱۳۸۴، ۴۰۰ هزار نفر با کاروان‌های راهیان نور سفر کردند که هر سال حدود ۱۰ درصد افزایش یافت تا اینکه در سال ۹۲ به رقم ۴ میلیون نفر و در سال ۹۷ به رقم هفت میلیون نفر رسید. پیش‌بینی شده بود تا سال ۱۴۰۴، تعداد بازدیدکنندگان به ۱۰ میلیون نفر برسد، اما شیوع کرونا موجب توقف این سفرها شد. علاوه بر ایرانی‌ها در سال‌های گذشته مسافرانی از کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی نیز در مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس حضور پیدا کردند. در سال ۹۷، ۸۰ درصد از بازدیدکنندگان راهیان نور، جوانان بین ۱۵ تا ۳۰ ساله بودند. ۷۰ درصد نیز برای اولین بار از یادمان‌های شهدا و مناطق عملیاتی هشت سال دوران دفاع مقدس بازدید کردند. در این حرکت بزرگ فرهنگی، ۴۷ هزار نفر به عنوان خادم، بیش از ۲۵ هزار نفر به عنوان راوی، بیش از ۲۶ هزار نفر به عنوان مبلغ و ۷۶ هزار نفر

مناطق راهیان نور در سال‌های گذشته میزبان خیل کثیری از مسافران داخلی و خارجی بوده و میلیون‌ها زائر به رونق اقتصادی در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و سایر استان‌ها کمک کردند. مناطق و استان‌های جنگی، امروز نیز جزو مناطق محروم کشور هستند و ورود مسافران به این استان‌ها جریان تبادل فرهنگی و رونق اقتصادی را به صورت همگرا پیش می‌برد. از این رو لازم است تا ضمن جلوگیری از توقف و تعطیلی سفرهای راهیان نور با ارائه راهکارهای جدید و رعایت دقیق دستورالعمل‌های بهداشتی، رونق گذشته راهیان نور را احیا کرد.

از توقف تا آغاز مجدد سفرها

از دو سال پیش و با شیوع ویروس کرونا، سفرهای کاروانی متوقف شد و دیگر مانند گذشته رونق ندارد. البته در این مدت بسیاری از مردم با وسایل نقلیه شخصی در مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس و یادمان‌ها حضور پیدا کردند و از نیمه سال جاری نیز به تدریج سفرهای کاروانی برقرار شد. اکنون که موج ششم کرونا اوج گرفته و خبری از پایان کرونا نیست، برگزاری سفرهای راهیان نور متناسب با شرایط کرونایی و با هماهنگی مسئولان حوزه بهداشت و سلامت طراحی و برنامه‌ریزی شده است. پیش‌بینی می‌شود تا فروردین سال ۱۴۰۱ و با توجه به وضعیت کرونایی کشور، سفرها به صورت محدود برگزار شود. در نیمه نخست سال جاری ابلاغیه‌ای از سوی سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح مبنی بر اینکه سفرهای راهیان نور در مناطقی که قرمز نباشد از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ از سر گرفته شود، صادر شد. از این رو سردار کارگر رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور اعلام کرد که از سرگیری سفرهای راهیان نور با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و با حضور نمایندگان وزارت بهداشت انجام می‌شود. زائرنانی که ۲ دُز واکسن کرونا زده باشند، می‌توانند در مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس حضور یابند. وی در ادامه تأکید کرد: واکسینه شدن زائران ۲ دُز واکسن، پیش از عزیمت به سفرهای راهیان نور چه به صورت کاروانی و چه به صورت شخصی، کنترل خواهد شد. سردار ادیبی دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور نیز اعلام کرد: اردوهای راهیان



یادمان شهدای بازی دراز و گرامیداشت شهدای عملیات نصر در یادمان شهدای هویزه نیز موجب می شود تا حضور مردم در راهیان نور در طول سال تداوم داشته باشد.

شیوه دیگری که در ایام شیوع کرونا می توان مورد توجه قرار داد، توسعه سفرهای خودروی است، کما اینکه از زمان شیوع ویروس کرونا در کشورهای خودرویی تعطیل نشد و هر فرد یا خانواده می توانست با رعایت مقررات رفت و آمد در ایام کرونا در یادمان های دوران دفاع مقدس حضور پیدا کند. بدین منظور سامانه ای برای اعزام خودروهای شخصی در نظر گرفته شده است که جزئیات آن از سوی ستاد مرکزی راهیان نور کشور اعلام می شود. این سامانه در گذشته نیز وجود داشت و تلاش شده است تا ارتقا یابد.

ستاد مرکزی راهیان نور حتی از سفر با خودرو شخصی به یادمان ها استقبال نیز کرده و دبیر این ستاد گفته است: کسانی که می خواهند با خودروهای شخصی به مناطق عملیاتی سفر کنند، درب های مجموعه اسکان راهیان نور به روی همه علاقه مندان باز است و می توانند از این امکانات استفاده کنند؛ برای مثال در هویزه علاوه بر یادمان شهدا، محل اسکان نیز تعبیه شده که مردم می توانند ضمن بازدید، اسکان نیز داشته باشند.

به عنوان مدیریت کاروان ها مشارکت داشتند که این افراد در ایام شیوع ویروس کرونا در خانه، محل کار، در بین دوستان و آشنایان، مسجد محله و فضای مجازی به ترویج ارزش های دوران دفاع مقدس و بازگویی خاطرات دوران دفاع مقدس پرداختند.

توسعه راهیان نور با خودروهای شخصی

مردم و جوانان در سال های گذشته مایل بودند تا در روزهای منتهی به تحویل سال و عید نوروز در یادمان های دفاع مقدس حضور پیدا کنند و آن بازه زمانی به عنوان دوره اوج سفرهای راهیان نور شناخته می شود. اکنون که کرونا شیوع پیدا کرده، به نظر می رسد بهتر است تا حجم سفرها در طول سال و در یادمان های مختلف تقسیم شود. تحقق این موضوع نیازمند همکاری نهادها و دستگاه ها به خصوص وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و... است. البته در سال های گذشته نیز اردوهای راهیان نور در طول سال برگزار می شد و مردم می توانستند در همه فصول سال در یادمان ها حضور پیدا کنند، اما دوره اوج، روزهای پایانی سال و عید نوروز بود. تداوم برگزاری مناسبت ها در یادمان های مختلف مانند گرامیداشت عملیات بازی دراز در

موضوع راهیان نور نیز در اردوگاه میثاق آبادان برگزار و ظرفیت‌های موجود برای کمک‌رسانی به راهیان نور و ارتقای سلامت این سفرها مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت از سوی ستاد مرکزی راهیان نور کشور اعلام شد که براساس پروتکل‌های سختگیرانه‌ای که پیش‌بینی کردیم، مراقبت از مردم را قبل، حین و پس از اعزام را مدنظر قرار دادیم. افسران بهداشتی برای تمامی مراکز اعزام، کاروان‌ها و اسکان قرار خواهیم داد. کمیته تخصصی بهداشت و درمان راهیان نور نیز بر آمادگی مراکز درمانی و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور برای خدمات‌رسانی به زائرین شهدا و کاروان‌های راهیان نور تاکید کرد.

۶۶

**در شرایط کرونایی نیز می‌توان
با استفاده از ظرفیت‌های
پشتیبانی نهادها به تداوم
سفرهای راهیان نور در طول
سال کمک کرد. هر کدام از آن
دستگاه‌هایی می‌توانند با نظارت
ستاد مرکزی مجری سفرهای
راهیان نور باشند.**

۹۹

ارتقای وضعیت خدماتی و بهداشتی سفرها

اقدام مهم و موثری که در یک دهه گذشته در رابطه با سفرهای راهیان نور صورت گرفت، پای کار آوردن دستگاه‌ها و نهادهای مختلف بود. ستاد راهیان نور در سال ۱۳۷۸ شکل گرفت و این بنیانگذاری به این دلیل بود که حرکت‌های خودجوش مردمی برای سفر به مناطق جنگی که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود، هماهنگ و از سوی نهادها پشتیبانی شود.

بنابراین با تأسیس ستاد مرکزی راهیان نور تلاش شد تا سفرهای مردمی به مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس ساماندهی و رفاه و امنیت مسافران و گردشگران تأمین شود و در عین حال با تعیین مسیرها و معرفی مناطق و موقعیت‌ها بار معنوی، زیارتی و سیاحتی سفر تقویت شود.

اکنون و در شرایط کرونایی نیز می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های پشتیبانی نهادها به تداوم سفرهای راهیان نور در طول سال کمک کرد. هر کدام از آن دستگاه‌هایی می‌توانند با نظارت ستاد مرکزی مجری سفرهای راهیان نور باشند و برای کارکنان و خانواده‌هایشان به صورت محدود و گروهی در طول سال اردوهای برگزار کنند. کما اینکه اکنون نیز برخی از دستگاه‌ها و مراکز آموزشی بخشی از بودجه فرهنگی خود را به این موضوع اختصاص می‌دهند.

شاید برای تحقق این امر در شرایط کرونایی نیازمند فراهم آوردن زیرساخت‌های گردشگری در مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس باشد که ستاد مرکزی راهیان نور در ماه‌های گذشته گفتگوهایی با نهادهای مختلف برای احداث مجتمع‌های خدماتی و بهداشتی بین‌راهی در یادمان‌های شهدا و مسیرهای دسترسی به مناطق عملیاتی دفاع مقدس انجام داده است. همچنین گفتگوهایی صورت گرفته تا از مجتمع‌های خدماتی و بهداشتی نهادهای دیگر استفاده شود. ضمن اینکه دولت سیزدهم که یک دولت انقلابی است، اعلام کرده که ظرفیت‌های موجود اعم از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر مجموعه‌ها و دستگاه‌های اجرایی را برای توسعه و ارتقا در اختیار راهیان نور قرار خواهد گرفت. در این راستا چندی پیش اجلاس روسای اورژانس کل کشور با

توسعه راهیان نور مجازی

سردار کارگر رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور می‌گوید: حضور در راهیان نور و مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس حتی اگر آروی هم وجود نداشته باشد، به دلیل اینکه آنجا خون بهترین بندگان خدا ریخته شده است، می‌تواند در مردم اثر وضعی داشته باشد و از طرفی دیگر نیز مردم باید بروند و ببینند که رزمندگان دوران دفاع مقدس در چه شرایطی جنگیدند.

بنابراین اگرچه آن حس و حالی که در یادمان‌های شهدای می‌توان از راهیان نور دریافت کرد، قابل دریافت در فضاهای دیگر نیست، اما توسعه راهیان نور در فضای مجازی کمک می‌کند تا به حدی اهداف سفر به مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس را کسب کرد. در واقع فضای مجازی به تنهایی برای لمس حال و هوای مناطق عملیاتی و یادمان‌های هشت سال دفاع مقدس کافی نیست و ماهیت اصلی راهیان نور یعنی تأثیرات و وضعی این حضور در سرزمین‌های شهیدان و دفاع مقدس است.

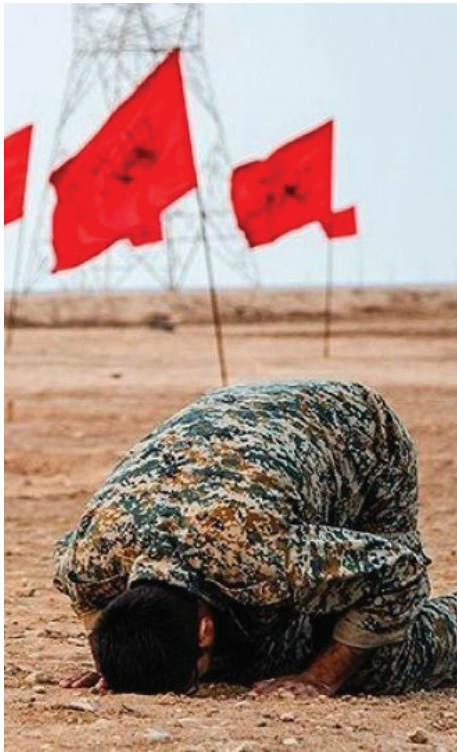
به هر ترتیب شورای سیاستگذاری راهیان نور در این رابطه اقدام به تدوین و تصویب آیین‌نامه فضای مجازی راهیان نور کرد. فضای مجازی هم می‌تواند مردم و جوانان را به حضور در راهیان نور ترغیب کند و هم می‌تواند حضور مجازی در یادمان‌های شهدا را فراهم سازد. از سال‌های گذشته امکان بازدید مجازی برخی از یادمان‌ها و موزه‌ها فراهم شد که باید آن سامانه‌ها بروزرسانی و مخاطب‌پسندتر و در فضای مجازی به صورت گسترده منتشر شود. در سال ۹۹ سامانه‌های زیارت مجازی یادمان‌های دفاع مقدس ایجاد شد و افراد توانستند از یادمان‌ها به صورت مجازی بازدید و زیارت کنند. وزارت آموزش و پرورش نیز اقدام به برگزاری راهیان نور مجازی کرد.

مجموعه راهیان نور در خدمت مقابله با کرونا

در سال ۹۸، راهیان نور اولین مجموعه‌ای بود که برای قطع زنجیره شیوع ویروس کرونا اقدام به توقف سفرهای کاروانی به یادمان‌های دفاع مقدس کرد و ظرفیت‌های خود را در راستای مقابله با کرونا به کار گرفت. بیش از ۱۰۰ هزار نفر در حوزه راهیان نور فعال بودند و راهیان نور بیش از ۸۰۰ گروه

جهادی داشت که در ایام مواجهه با ویروس کرونا به صورت همه‌جانبه در کنار مدافعان سلامت بودند. ضمن اینکه بخشی از مراکز راهیان نور نیز در ایام مبارزه با کرونا برای مراکز قرنطینه و بیمارستان‌های موقت در اختیار حوزه سلامت قرار گرفت. به طور مثال اردوگاه میثاق راهیان نور در آبادان برای استفاده بیماران کرونایی، در اختیار ستاد کرونا قرار گرفت. همچنین خادمان و گروه‌های جهادی در فروردین ماه سال ۱۴۰۰ که استان کهگیلویه و بویراحمد دچار خسارات ناشی از زلزله شد، به یاری زلزله‌زدگان شتافتند.

راهیان نور در ایام شیوع ویروس کرونا در کشور تعطیل نبود و یادمان‌های دفاع مقدس نیز باز بودند. مردم می‌توانستند از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس بازدید کنند؛ هرچند کاروان‌ها تعطیل بودند. زمانی که کاروان‌ها حضور نداشتند، ستاد مرکزی و قرارگاه‌های راهیان نور فرصت را مغتنم شمردند تا هم در آیین‌نامه‌ها و هم در تقویت کاروان‌ها و زیرساخت‌ها، اقدامات مناسبی انجام دهند. اکنون عمده‌ای از مشکلات زیرساختی یادمان‌های دفاع مقدس و محل اسکان کاروان‌های راهیان نور برطرف شده و آماده حضور زائران در سرزمین‌های نور است.





رعایت امانت و پرهیز از مبالغه در روایت آنچه اتفاق افتاده و امدادهای غیبی دوران دفاع مقدس



تقویت و عمق بخشیدن به ابعاد فرهنگی و اجتماعی این حرکت عظیم مردمی



درج حوادث برجسته دوران دفاع مقدس در کتابهای درسی



توجه به رعایت ایمنی عزیزان مسافر توسط مسئولین امر



کمک دستگاههای کشور به راهیان نور



سفارش درباره

راهیان نور

مطرح شده توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت کننده در کاروانهای راهیان نور



www.kinamenet.ir



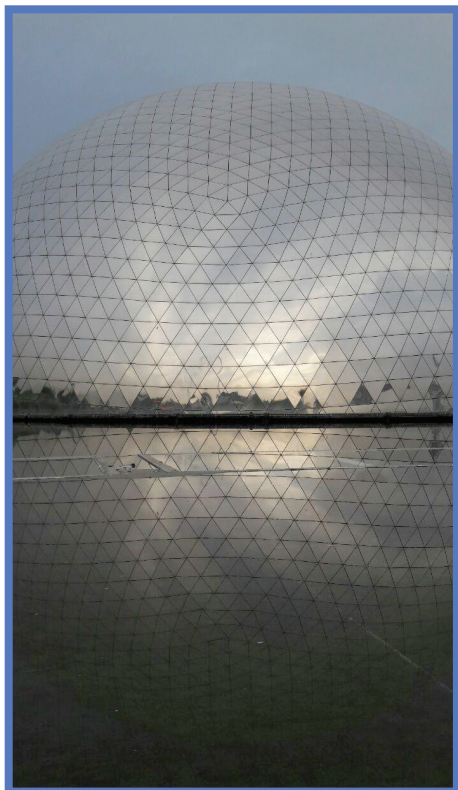
طراح‌های نوآورانه ومفاهیم موزه‌ای

موزه‌شناسی حاصل سال‌ها تحقیق، پرسش، تحلیل، بازنگری و مناظره در کمیته بین‌المللی موزه به ویژه ایکوم می‌باشد و توسعه استانداردهای حرفه‌ای یکی از موارد و اهداف اصلی ایکوم، با توجه به پیشرفت دانش و ارتباطات است. از سال ۱۹۷۵، زمانی که رقابت در بازار هنر به اوج خود رسید، مجموعه‌های چشمگیری از ساخت و سازها، توسعه‌ها و نوسازی‌ها در کلان‌شهرها بر دنیای موزه‌ها تأثیر گذاشت و مشهورترین معماران را برای ارتقاء هنر طراحی موزه‌ای بسیج کرد تا دنیای موزه‌ها با یک موج بی‌سابقه از تغییرات به ویژه در هنر معماری خود روبه‌رو شود و تمرکز خود را بر روی بازدیدکنندگان قرار دهند. این تغییرات بر محبوبیت آنها افزود و فضاهای نمایشی را در پروژه‌های جدید توسعه بخشید. پروژه‌های ساختاری و ساختمانی جدید موزه‌های بزرگ از شانگهای تا ابوظبی به خوبی می‌داند این ادعاست. پروژه‌های در حال اجرا در کشورهای حاشیه خلیج فارس مثل امارات متحده عربی و یاقطر به خوبی نشان می‌دهد که در آینده نه چندان دور، این منطقه به یکی مراکز فرهنگی و هنری در سطح آسیا و حتی جهان بدل خواهد گشت؛ همچنان که موزه ملی شیخ زاید در ابوظبی با طراحی نورمن فاستر و موزه گوگنهایم و لوور ابوظبی با طراحی به ترتیب فرانک گهری و ژان نوول، در آغاز قرن بیستم یکم، تجربه‌های نوینی را به دانش فرهنگی بشر افزودند.



علی بدرخانی

معماری های نوین و موزه

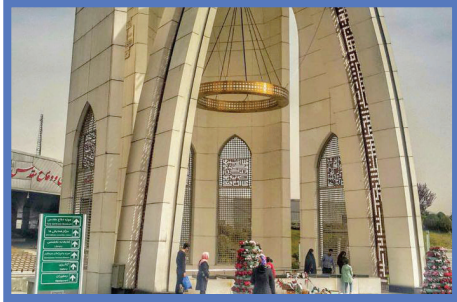


طراحی داخلی موزه ها

در معماری موزه ها طراحی بخش های داخلی، یکی از تخصصی ترین و پیچیده ترین موضوعات به حساب می آید. این مبحث از یک سو در ارتباط مستقیم با پیشرفت فناوری و نوآوری های علمی در زمینه تکنیک های نمایشگاهی می باشد و از سوی دیگر به مباحث تئوری در حوزه فرهنگ مربوط می شود. موضوعاتی مثل مصالح به کار رفته در کف و سقف ساختمان، رنگ دیوارها، وسایل جانبی، نیمکت ها و قفسه ها و حتی ویتترین های طراحی شده، معمولاً بیانگر رویکرد کلی مدیران موزه در ارائه هر چه بهتر مفاهیم بوده و طراحی آنها با همکاری متخصصین آشنا به مسائل موزه و موزه داری صورت می پذیرد.

در معماری امروزی موزه ها هدف این است که همیشه بازدیدکنندگان بیشتری جذب شوند. بنابراین، موزه ها اکنون میزبان فعالیت های متعدد هستند؛ می توانند نشریه و یا کتاب منتشر کنند، فیلم تولید کنند یا کنسرت ها و یا کنفرانس هایی را همسو با اهداف خود، سازمان دهی نمایند. در واقع، این مجموعه های فرهنگی کوچک و بزرگ به مراکز فعالیت های چند وجهی تبدیل شده اند و در قلب شهرهای سراسر دنیا لنگر انداخته اند. معماری می تواند در سازماندهی مجموعه های فرهنگی، نقش محوری داشته باشد. از این رو حتی پروژه های بزرگی چون موزه لوور پاریس در فرانسه، سعی کرده اند تا دیدگاه «کلاسیک» خود را با دادن شکلی «مدرن»، بزرگ تر و با افتتاح ساختمان های جدید و افزایش ظرفیت پذیرش، تغییر دهند. این تغییر دیدگاه را در سایر موزه های فرانسه در شهرهای بوردو، لیون، سنت آتین، نیم و غیره را می توان به وضوح مشاهده کرد. امروزه اگر معرفی بخشی از تاریخ، موضوع ارائه شده در موزه ای باشد؛ توجه معماران به پیاده سازی، سلسله مراتب در پلان های موزه است چرا که طراحی هوشمندانه تاثیر مستقیم در کیفیت بازدید و رضایت مخاطبین دارد. حال اگر محتوای ارائه شده، موضوعی هنری باشد، معماران با طراحی محیطی منطبق و خاص نمایش هنری، سعی دارند تا از دنیای بیرونی فاصله بگیرند و هرگونه تزئینات اضافی و اشیاء غیر مرتبط را از فضای داخلی حذف نمایند.





طراحی ورودی

اما باید توجه داشت که فعال ترین و معمولاً جذاب ترین فضا در موزه سالن های ورودی و محیط های تجمعی می باشد. بازدیدکننده ها در بدو ورود و از همان ثانیه های اول فضای حاکم را احساس می کند به گونه ای که برخی از جزئیات ممکن است فاجعه آمیز به نظر برسند یا برعکس، باعث ایجاد روحیه خوب در مخاطبین شوند. این فضاها گاه فعالیت های وسیعی را پوشش می دهند و از فروش محصولات فرهنگی گرفته تا کافه و رستوران در این بخش ها طراحی می شود. در واقع ورودی ها تجارب اولیه بازدیدکنندگان را سازماندهی می کنند. این فضاها در هنگام اجرای برنامه های خاص مانند افتتاحیه نمایشگاه ها، چهره ای متفاوت به خود می گیرند که از لحاظ بصری، تصویری چشم گیر دارد و یکی از پتانسیل های ساختمان موزه برای جذب مخاطب به شمار می رود. گاه نیز این فضاها تجمیع با طرح و شکلی ویژه و مرتفع تر ساخته می شوند تا منظره خاصی را به نمایش بگذارند. بازدیدکننده از راهرو ورودی باید از توالی های احتمالی بازدید آگاه شود و تصویر واضحی از نمایشگاه ها و مکان های هدف داشته باشد مانند موزه ماکسی در رم ایتالیا که معماری ورودی آن توجه مخاطبین و حتی رهگذران را به خود جلب می کند.

تنوع نورپردازی در موزه ها

اهمیت نورپردازی در معماری موزه ها تا حدی است که گاه حتی به شاخصه موزه بدل می شود. در واقع مدیریت نورپردازی اکنون امری نوآورانه به شمار می آید؛ می تواند تضادها را محو کند و به فضای مورد نظر کمی جلوه دهد. موزه های بسیاری هستند که با آوردن نامشان، اولین تصویری که به ذهن می آید کیفیت نور در آنهاست. نورپردازی در عینی که می تواند شانی به آثار ارائه شده دهد؛ در انتقال مفاهیم و داده های مورد نظر به مخاطبین نیز بسیار تاثیرگذار است. همچنین نحوه ترکیب نورپردازی با رنگ، مصالح، چیدمان و طراحی داخلی، می تواند مرتبط با موضوع به نمایش درآمده باشد و یا دوره تاریخی مربوط به آثار را القا نماید. بدین ترتیب ایده های جذاب نور، حواس ناظر را تحریک می کند و احساسات وی را برمی انگیزد. از طرف دیگر وقتی استفاده از رسانه های تصویری در موزه مطرح می شود، نور مسئله بسیار مهمی قلمداد می شود و توجه ویژه ای را می طلبد. استفاده هوشمندانه از نور روز در معماری، کیفیت ارائه هر شیئی را در موزه افزایش می دهد. نور روز، ضمن ایجاد احساسات خوش آیند، باعث صرفه جویی در انرژی و به حداقل رساندن میزان استفاده از نور مصنوعی می شود که در این میان سیستم های کنترل هوشمند روشنایی ضروری به نظر می رسند؛ همچون موزه هنرهای زیبا با طراحی آقای فاستر در بوستون ایالات متحده که در آن با استفاده از جداره های شیشه ای به صورت کاملاً هدفمند ضمن استفاده از نور طبیعی و اتصال موزه به زندگی شهری، مانند ویتروینی چندین مجسمه به خصوص را برای رهگذران به نمایش می گذارد.

منابع:

<https://www.icom-musees.fr>
<https://www.museedelhistoire.ca>
<https://www.musees.qc.ca>

راویان



۲۵
شگفتی‌های جنگ خیبر



۲۰
تلخ و ننگین



۳۵
هور در آتش



۳۰
چشم‌هایی که می‌خندید



مرثیه جدایی

عهدنامه ترکمانچای چرا و چگونه بسته شد؟

اطلاق صفت ننگین به دو معاهده گلستان و ترکمانچای، نه از سرسوء ظن است و نه برخاسته از افراط و درشت نمایی، که در قالب این دو بدعهدنامه، مناطق و سرزمین‌های وسیعی برای همیشه از ایران جدا شد، کشور زیر بار پرداخت غرامتی سنگین رفت و نوعی حس حقارت و تحمیل بروح یک ملت مستولی شد که زخم ناسور آن حتی پس از گذشت نزدیک به دو قرن همچنان التیام نیافته است. دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه تزاری ۱۳ سال پس از انعقاد پیمان‌نامه گلستان و از برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده و احیای غرور ملی و مذهبی آغاز شد. جنگ‌هایی که با وجود نتایج درخشان اولیه‌اش، در نهایت به یک شکست تمام عیار تبدیل شد و معاهده یک طرفه و ناعادلانه دیگری را به نام ترکمانچای بر کشور و ملت تحمیل کرد.



محسن محمدی

جدید با روس‌ها شوند. در این میان، روحانیون نقش برجسته‌ای داشتند که در ادامه به شکل مفصل به آن پرداخته خواهد شد. از سوی دیگر، عباس میرزا و ولایتعهد که توانسته بود در این مدت قوای نظامی ایران را تا حدی احیا، بازسازی و تقویت کند احساس می‌کرد که توانایی رویارویی با ارتش مجهز و پیشرفته روسیه را دارد. به این ترتیب، با اعلام جهاد عمومی توسط علما و سرازیر شدن مردم از سراسر کشور به سوی آذربایجان و قفقاز، دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد.

ابرقدرتی به نام روسیه

پیش از بیان و شرح مواقع جنگ دوم ایرانی‌ها و روس‌ها ذکر یک نکته مهم و ضروری به نظر می‌رسد که شاید در تاریخ مغفول مانده و به آن کم‌تر پرداخته شده است. روسیه تزاری در آن زمان کشوری پهناور، بزرگ و بسیار قدرتمند بود و جزو سه ابرقدرت اول دنیا به شمار می‌رفت. توان نظامی ایران چه از نظر نیروی انسانی و چه به لحاظ تجهیزات و ادوات جنگی قابل مقایسه با روسیه نبود. درست است که بسیاری از بی‌تدبیری‌ها و خیانت‌ها، فرجام دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه را به ناکجا آباد پیمان نامه ترکمانچای رساند اما نباید از این واقعیت تاریخی غافل شد که روسیه یک ابرقدرت بود و در نبرد نظامی، از همه نظر بر ایران رجحان داشت. روس‌ها که از زمان پتر کبیر رویای دست‌یابی به آب‌های گرم خلیج فارس را داشتند، تسلط کامل بر منطقه قفقاز را قدم اول برای نیل به این رویا می‌دانستند و از سوی دیگر، رویکرد استعماری و امپریالیستی روسیه تزاری باعث شده بود تا این کشور چشم طمع به منابع انرژی و ذخایر طبیعی کشورهای همسایه خود و به طور مشخص، همسایه جنوبی‌اش ایران داشته باشد. مخلص کلام این‌که، بی‌کفایتی شاهان قاجار و بدعهدی شاهزادگان و خیانت حاکمان قجری به جای خود اما، قدرت روسیه تزاری را نیز نباید دست‌کم گرفت و فراموش کرد.

دلایل شکست سپاه ایران

دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه با یورش سپاهیان عباس میرزا به قفقاز آغاز شد. روس‌ها که آماده جنگ نبودند و نمی‌پنداشتند ایرانیان چنین صاعقه‌وار بر آنان بتازند، غافلگیر شدند. در عرض

عهدنامه ترکمانچای به تاریخ اول اسفند ۱۲۰۶ هجری خورشیدی میان نمایندگان دولت‌های ایران و روسیه به امضا رسید تا دور دوم جنگ‌های میان دو کشور که از آبان سال ۱۲۰۴ هجری خورشیدی آغاز شده بود با یک فاجعه به معنای واقعی کلمه پایان پذیرد. در نتیجه پیمان ترکمانچای سه ایالت دیگر قفقاز یعنی ایروان، نخجوان و بخش‌های جدیدی از تالش به روسیه واگذار و دولت ایران مکلف شد ۱۰ کرور معادل ۵ میلیون تومان غرامت پرداخت کند. همچنین اجازه کشتیرانی در دریای خزر از ایران سلب و حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) به اتباع روسیه اعطا شد. درازای این همه امتیاز، دولت روسیه تزاری متعهد شد که از عباس میرزا در رسیدن بر تخت سلطنت پس از مرگ فتحعلی شاه حمایت کند. این تعهد روس‌ها هم نه از سرلطف که برای بازماندن دست‌شان در اعمال نفوذ و دخالت در امور داخلی ایران بود. اما دلایل شکست ایرانیان از روس‌ها در دور دوم جنگ میان دو کشور چه بود و چرا علی‌رغم ظفرهای چشم‌گیر و فوق‌العاده اولیه ارتش ایران و بازپس‌گیری تمام نقاط غصب شده در معاهده گلستان، در نهایت جنگ، مغلوبه شد و شد آن‌چه که نباید می‌شد؟!

چرایی جنگ دوباره

در ابتدا باید این پرسش را مطرح کرد که اصولاً چرا آتش جنگ میان ایران و روسیه تزاری دوباره بالا گرفت و دو کشور برای مدت دو سال در برابر هم صف‌آرایی کردند؟ در معاهده گلستان تکلیف برخی از سرحدات به طور روشن و صریح مشخص نشده بود و همین موضوع، دست قوای نظامی روسیه را برای حمله‌های گاه و بی‌گاه به مناطق مرزی متعلق به ایران و تپاول به جان و مال و ناموس مردم باعث می‌گذاشت. از سوی دیگر، ساکنان سرزمین‌های اشغال شده که از سیطره روس‌ها خشمگین و از تعدی متعدد آن‌ها به ستوه آمده بودند و احساس حقارت می‌کردند، فریاد تظلم‌خواهی برآورده و از دولت ایران و به خصوص روحانیون یاری خواستند. ایرانیان نیز که پس از عهدنامه گلستان یک حس تحقیر تاریخی را بر دوش خود احساس می‌کردند و غرور ملی‌شان را جریحه‌دار می‌دیدند، هم برای مساعدت به هموطنان خویش و هم از برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده و البته احیای غرور و عزت نفس از دست‌رفته‌شان عزم جزم کردند تا وارد کارزاری

کمتر از دو ماه نه تنها تمام سرزمین‌های واگذار شده به روسیه در عهدنامه گلستان بازپس گرفته شد که ایرانیان تا تفلیس نیز پیشروی کردند. روس‌ها اما خیلی زود به خود آمدند. ایوان پاسکویچ ژنرال روسی پس از فراغت از نبرد با عثمانی‌ها به منطقه قفقاز بازگشت. پاسکویچ در پی رحمی و توحش زبانزد خاص و عام بود. این مرتبه روس‌ها یورش آوردند و ایرانیان را نه فقط تا ارس عقب راندند که از رودخانه هم گذشتند و حتی تبریز را هم اشغال کردند. پاسکویچ ضرب الاجل تعیین و تهدید کرد که به سوی تهران روانه خواهد شد. انگلیس برای صلح فشار آورد و فتح‌علی شاه نگران و ترسان، نمایندگان خود را روانه تبریز کرد و به این ترتیب، نبردی که می‌توانست بهانه احیای غرور ملی و اعاده سرزمین‌های جدا شده از وطن باشد به فاجعه‌ای ختم شد که عصاره‌اش، عهدنامه ننگین ترکمانچای، در خاطر

دوم، خساست شاه و کارشکنی شاهزادگان قجری که به برادر ولیعهدشان عباس میرزا رشک می‌بردند مانع از رسیدن آذوقه، تجهیزات و مواجب به ارتش ایران و پشتیبانی از قوای نظامی بود. از سوی دیگر، ارتش ایران از استاد فرماندهی به معنی کلاسیک برخوردار نبود و بیشتر شکل و شمایل چریکی داشت. سوم، خیانت برخی از حاکمان محلی و فرماندهان نظامی ایران نه تنها شکست‌های پی در پی را بر قوای نظامی تحمیل کرد که حتی باعث سقوط شهرهای مهمی همچون تبریز و اردبیل شد. چهارم، برخی از مردم به خصوص در مناطق قفقاز و آذربایجان از ۱۴ سال جنگ خسته شده بودند و هزینه‌های این نبردهای طولانی که عمده‌اش بر عهده‌شان بود، به لحاظ اقتصادی و روانی فشار زیادی را بر آنها وارد می‌کرد. این حس با مشاهده خیانت‌ها و کارشکنی‌های متعدد شاهزادگان، کارگزاران حکومت و امرای ارتش پررنگ‌تر هم می‌شد و حالت مضاعف به خود می‌گرفت. پنجم، ستم و بیداد حاکمان قاجاری بسیاری از مردم ایران در سراسر کشور و مناطق مرزی را به فغان آورده بود و حکومت قاجار مشروعیت و محبوبیت لازم را در جلب توجه و حمایت مردم نداشت. این سرخوردگی از قاجار تا به آنجا بود که حتی حضور و نقش آفرینی روحانیون هم نمی‌توانست ابعاد و غلظت آن را کاهش دهد. در هر صورت، عوامل متعددی در شکست ایران از روسیه نقش داشت که هر چه بود، بدعهدانه ترکمانچای را به کشور و مردم تحمیل کرد و البته جان بسیاری از ایرانیان را گرفت.

۶۶

روس‌ها که از زمان پتر کبیر
رویای دست‌یابی به آب‌های
گرم خلیج فارس را در سر
داشتند تسلط کامل بر منطقه
قفقاز را قدم اول برای رسیدن
به این رویای دانستند و از
سوی دیگر رویکرد استعماری
و امپریالیستی روسیه تزاری
باعث شده بود تا این کشور
چشم طمع به منابع انرژی
و ذخایر طبیعی کشورهای
همسایه خود
داشته باشد.

۹۹



نقش مرموز انگلیس

و کنار ایران از جمله قتنه اسماعیلیه در یزد و حمله امیر خوارزم به خراسان رخ داد که نه تنها از تمرکز حکومت مرکزی بر جنگ با روسیه می‌کاست که بخشی از قشون و توان نظامی هم صرف سرکوب و خاموش کردن این ناآرامی‌ها می‌شد. در پشت اکثریت قریب به اتفاق این شورش‌ها انگلستان و اعمالش حضور داشتند و سرخ ماجرا به آن‌ها می‌رسید. در واقع، انگلستان با کارشکنی‌ها و توطئه‌های متعدد، نه تنها در شکست ایران نقش داشت که دو عهدنامه ننگین را هم بر کشور تحمیل کرد. شوربختانه دخالت این استعمارگر پیر و مکار در ناکامی ایرانیان و تحمیل دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای فقط به همین محدود نشد و بعدها و هم‌زمان با انقلاب اکتبر روسیه و تلاش دولت وقت ایران برای لغو این دو قرارداد ننگین، صراحت با این درخواست مخالفت کرد.

نقش برجسته روحانیون

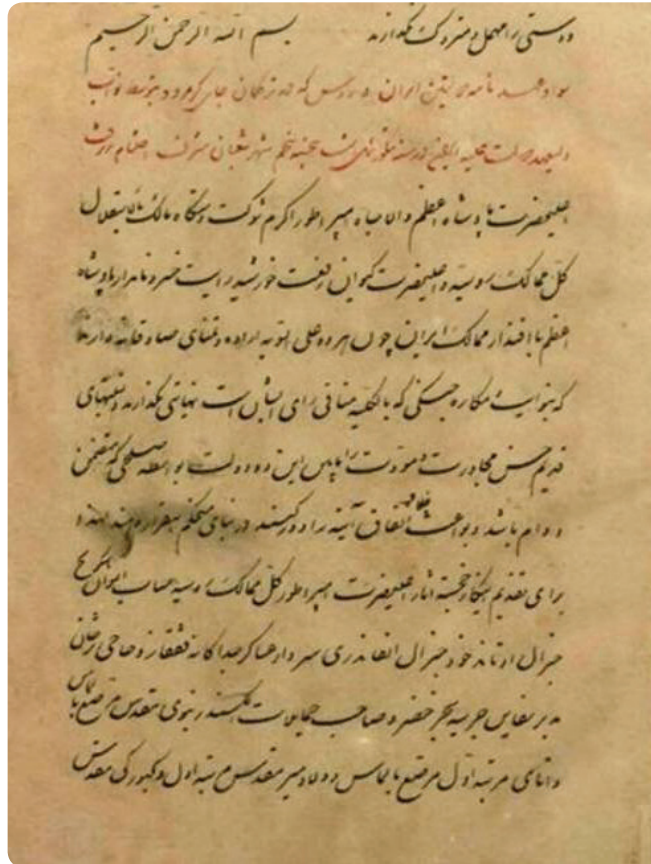
بی‌گمان نقش روحانیون در دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه نه فقط تأثیرگذار که ممتاز بود. قشر روحانیت هر چه قدر در جنگ‌های ابتدایی میان دو کشور به دلایلی حضور پررنگی نداشت، در دور دوم نبردها نقشش محوری بود. اصولاً مردم مناطق اشغال شده در ابتدا به علما نامه نوشتند و تظلم‌خواهی کردند. آن‌ها حتی نماینده‌ای به عتبات عالیات فرستادند و به آیت‌الله سید محمد اصفهانی معروف به مجاهد و دیگر علما از تعدی روس‌ها شکایت بردند. علما در ابتدا و در حرکتی سنجیده و معقول، دولت ایران را در جریان تظلم‌خواهی و درخواست مردم قرار دادند و سپس با

بازانکات بی‌شک مغفول مانده در تاریخ می‌توان به نقش دولت انگلیس در انعقاد معاهده‌های گلستان و ترکمانچای اشاره کرد. انگلستان بازی پیچیده و چندلایه‌ای را در مناقشه میان ایران و روسیه ایفا می‌نمود که همچنان و پس از گذشت ۲۰۰ سال از آن روزگار جای تامل و بحث دارد. دولت انگلیس در عین حال که دوست داشت جنگ میان ایران و روسیه تزاری برقرار باشد، اما غلبه کامل یکی بر دیگری را نمی‌خواست و برنمی‌تابید. روباه پیر که درگیری روسیه با ایران را محمل و پوشش خوبی برای انحراف خیال تزارها از دستیابی به آب‌های گرم و به خصوص هندوستان می‌دانست بر آتش جنگ می‌دمید اما از سویی دیگر، اصلاً خوش نمی‌داشت که روسیه با پیشروی در ایران به پشت دروازه‌های هند برسد یا به خلیج فارس دسترسی پیدا کند. به همین دلیل هم، چه در زمان عهدنامه گلستان و چه در موسم ترکمانچای به شاه ایران برای پذیرش آتش‌بس و تن دادن به صلح فشار آورد. از طرفی، برقرار بودن جنگ، حکومت مرکزی ایران را تضعیف و هرچه بیشتر به انگلستان وابسته و منافع این استعمارگر پیر و کهنه‌کار را تأمین می‌کرد. دولت انگلیس برای محقق شدن اهدافش یک بازی دو سربرد اما به شدت پیچیده را در قبال ایران و روسیه در پیش گرفت. یکی از دلایل شکست ایران در دور دوم جنگ با روسیه علی‌رغم پیروزی‌های اولیه، کارشکنی‌ها و خیانت‌های مستشاران انگلیسی حاضر و فعال در قشون کشور بود. از سوی دیگر، هم‌زمان با جنگ در قفقاز، شورش‌های داخلی در گوشه

مالی و امکانات مورد نیاز جنگ بسیار موثر و حیاتی می دانست از این حکم استقبال کرد. از سوی دیگر، محدود دولتمردان با کفایت و خیراندیش همچون عباس میرزا نیز که در صدد بازپس گیری سرزمین های اشغالی ایران و اعاده حیثیت بودند، فتوای علما را به مثابه یک فرصت دیدند و عزم جنگ کردند. نکته جالب توجه و تامل آن که، حمایت روحانیون از جنگ با روسیه فقط به دادن حکم جهاد و حمایت معنوی از مردم و مبارزان محدود نماند، بلکه بسیاری از علما از جمله سید محمد مجاهد به تبریز مهاجرت کردند و در این شهر ساکن شدند و حتی فراتر از این، بسیاری از روحانیون چه آن ها که در عتبات مشغول تحصیل بودند و چه آن هایی که در ایران سکونت داشتند، در نقش سرباز به مناطق مرزی اعزام شدند و دوشادوش رزمندگان ایرانی با قشون روسیه جنگیدند و بسیاری از آن ها به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

تلاشی دیر و نافرجام

۹۰ سال پس از ترکمانچای، انقلاب بلشویکی روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۲۹۶ خورشیدی) به پیروزی رسید و طومار حکومت تزارها بر سرزمین برف و یخ پیچیده شد. حکومت جدید که اتحاد جماهیر شوروی خوانده می شد در ابتدا اعلام کرد که تمامی معاهده ها و قرارداد های استعماری و استعماری روسیه تزاری را لغو خواهد کرد. دولت وقت ایران متأثر از این ژست ظاهرالصلاح حکومت نوپای بلشویک ها تلاش کرد تا دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای را لغو و مفاد آن را باطل کند. کوششی که البته آن طور که از همان ابتدا هم پیش بینی می شد ایترو ناکام ماند. اتحاد جماهیر شوروی برخلاف ژست های اولیه اش و با بهانه تراسی و طرح یک موضوع مضحک، مدعی شد که مردمان ایالت ها و شهرهای اشغالی در طی دو جنگ با روسیه، به خواست خودشان و در کمال میل و اختیار از ایران جدا شده اند و جبر و الزامی در کار نبوده است. در این میان، دولت انگلستان هم با حمایت از شوروی و مخالفت با درخواست ایران، تیر خلاص را به آخرین امیدها برای بازگرداندن مناطق و شهرهای اشغال و جدا شده به کشور زد و به این ترتیب، عهدنامه های گلستان و ترکمانچای ابدی شدند و به مانند داغی همیشگی بر دل یک ملت ماندند تا سند و نشانه ای باشند بر بی کفایتی و بی لیاقتی خاندان قاجار و پادشاهانش.



اعلام حکم جهاد، اتحاد جامعه را به جنگ با روسیه فراخواندند. به این ترتیب، رویارویی ایران و روسیه از یک نزاع کشوری فاصله گرفت و وجهی وسیع تر و عمیق تر پیدا کرد و تبدیل به جنگ میان اسلام و کافر شد. ابتدا آیت الله ملا رضا خویی فتوای جهاد در برابر نیروهای روسی را صادر کرد و در ادامه، سایر علما از جمله ملاکبر اصفهانی و محمد حسین سلطان العلماء هم حکم های مشابهی را دادند. خبر صدور حکم جهاد خیلی زود در سراسر ایران پخش و مردم برای جنگ آماده شدند. حالا نبرد با روس ها حکم جهاد فی سبیل الله را پیدا کرده بود. حکومت قاجاریه که فتوای علما را در تهییج عموم مردم و بسیج نیروهای انسانی و فراهم آوردن منابع



شگفته‌های جنگ خیر

سخنرانی منتشرنشده شهید مهدی باکری بعد از عملیات خیر در جمع امت حزب الله

«بسم الله الرحمن الرحيم»

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

مسائلی که در رابطه با عملیات خیبر و تلاش رزمندگان پاک باخته اسلام، سربازان واقعی امام زمان، لبیک‌گویان حقیقی امام امت، شیعیان پاک باخته علی (ع) و رهروان جان باخته حسین بن علی (ع) لازم است که خانواده‌های محترم و امت حزب الله - آنهايي که جوانان خود را عازم جبهه جنگ می‌کنند - بدانند، این است که چه تلاش‌هایی و چه زحمت‌هایی می‌کشند و چه عملیات‌هایی این انسان‌ها به خاطر اسلام انجام می‌دهند. گرچه دید ما فقط یک قسمتی از این صحنه‌ها را، آن هم خیلی ناقص در بردارد، ولی به عظمت این کارها نگاه کنید که در پیشگاه خداوند متعال ثبت می‌شود. مسائلی که در قلب‌ها می‌گذرد و در صحنه‌ها و شب‌ها کارهای بزرگی صورت می‌گیرد. عملیات خیبر به خاطر نوع عملیات، می‌توانیم بگوییم از بی‌سابقه‌ترین و برای اولین بار در جنگ ایران و عراق و کلاً می‌توانیم بگوییم در جنگ‌ها از عملیات‌های بی‌سابقه است. چرا که صحنه‌هایی که خواهید دید و توضیحاتی که داده خواهد شد، کاملاً برایتان مشخص می‌شود که چه انسان‌هایی چه زحمت‌هایی را کشیده‌اند و چه کارهای سترگی انجام داده‌اند و چه تلاش‌هایی صورت گرفته و چه انسان‌هایی به وجود آورنده این صحنه‌ها بودند.

در جنگ معمولاً مسئله پشتیبانی و تدارک و تخلیه مجروحین، انتقال نیروهای پشتیبان و تدارکات، از مسئله اساسی است و هر کسی که بخواهد در مورد یک عملیات یک طرحی بدهد، مسئله تدارکات کاملاً مسئله بزرگی است. ارتش‌های بسیاری از کشورها حتی قادر نیستند که بعضی از عملیات را انجام بدهند، چرا که در مسئله پشتیبانی، اگر کوچک‌ترین جای خطر احساس کنند، از انجام آن خودداری می‌کنند، ولی در این جا هر موقعی که صلاح باشد و مصلحت اسلام ایجاب کند، این پاک باخته‌ها و این مؤمنان واقعی، عملیاتی انجام می‌دهند که تمام دنیا شگفت‌زده می‌شوند. عملیات خیبر یک عملیاتی بود که نیروهای اسلام با ابتدایی‌ترین امکانات و با کم‌ترین ابزار و وسایل توانستند این کار را انجام بدهند.

ویژگی‌های رزمندگان اسلام در عملیات خیبر

من برای این که مسائل را باز بکنم و برخی از آنها را بشکافم، نمونه‌هایی از صحنه‌های عملیات را می‌گویم. اولاً همه بدانند - پدران، مادران، خواهران و برادران - همه بدانید که این رزمندگان به این صحنه‌ها که قدم می‌گذارند و عازم عملیات می‌شوند، همه‌شان توجیه می‌شوند. به این که به کجا می‌روند و چه کار باید بکنند، و قوف پیدا می‌کنند، همانگونه که آگاهانه عازم جبهه‌ها شده‌اند. اگر وصیتنامه‌هایشان را هم بخوانید، نوشته‌اند که ما آگاهانه و عاشقانه این راه را انتخاب کرده‌ایم. به این ترتیب به صحنه‌های عملیات هم که وارد می‌شوند، با بصیرت و با توجه و علم و آگاهی کافی، می‌دانند که به کجا می‌روند، و یا آنجا که می‌روند، خط‌آتش چیست، مشکلات و سختی‌هایش چیست؟ با علم و آگاهی تمام تصمیم می‌گیرند و عازم می‌شوند.

مقدمات عملیات خیبر این طوری بود که ده روز قبل تعدادی از برادران عزیز و رزمندگان، با «بلیم» که نوع کوچکی از قایق است، به طور مخفیانه و درست یک روز قبل از آغاز حمله، عازم می‌شدند و بالغ بر پنجاه کیلومتر در منطقه هورالعظیم که صحنه‌هایش را دیدید [قبل از سخنرانی، صحنه‌هایی از فیلم نمایش داده شد]، طی کردند و آمدند، دشمن را دور زده یک نقطه حساس را که پل شهادت نام داشت - بعد از شهادت برادر حمید، به نام پل حمید نام‌گذاری شد - تصرف کردند. یعنی پلی که ۳۰ کیلومتر پشت سر دشمن بود. پس از دور زدن بیش از ۳۰ کیلومتر از مواضع دشمن را گرفتند و در آن جا مستقر شدند. تصرف این پل اهمیت استراتژیک داشت، هم برای دشمن و هم برای ما. با تصرف این پل، راه فرار دشمن که نیروهایش به محاصره افتاده بود، بسته می‌شد، ارسال تدارکات و پشتیبانی نیرو برایش غیرممکن می‌گشت. قسمتی از نیروها به این ترتیب حرکت کردند در داخل قایق‌های کوچک، قایق‌ها در ظاهر کوچک، ولی حامل انسان‌هایی دریادل با یک دنیا ارزش و اقتدار انسانی - رزمی؛ با اسلحه‌های سبک کلاشینکف، آرپیجی و با مهمات محدود. ولی انسان‌های عاشق که توگوشان به خداست و به خاطر ایمان و عشق به امام حسین (ع) به این گونه عملیات دست می‌زنند.

گروه دوم نیروها، دوازده ساعت قبل از عملیات که صحنه‌هایش

این کارها را انجام دهند. خلبانان شجاع ما هلیکوپترهایشان را که حامل رزمندگان عاشق حسینی (ع) و خودروها و سلاح‌های نیمه سنگین بود، آوردند به جزیره و یکی پس از دیگری در محل فرودی که پیشبینی شده بود، نشستند و با تخلیه نیروها موجب شادی و شغف بیشتری در رزمنده‌هایی که از قبل با قایق آمده بودند، شدند و همه‌شان مصمم‌تر و پرتوان‌تر عازم هدف‌های پیش‌بینی شده گشتند.

در بعضی نقاط، جنگ سختی بین رزمندگان اسلام و نیروهای بعثی روی داد و درگیری‌های پراکنده در این دو جزیره وسیع و گسترده به شدت ادامه داشت. تا این که صبح، و اوایل روز بعد، تمام بعثی‌هایی که فکرمی کردند قادر هستند مقاومت کنند، در مقابل رزمندگان اسلام منهدم و منهزم و فراری شدند. البته، شب با اولین هلیکوپترهایی که وارد جزیره شد، ما هم آمدیم که در بین برادران باشیم. حدود ساعت ۱۰ صبح بود که از محل فرود هلیکوپتر تا پل شهید حمید که بالغ بر ۳۰ کیلومتر راه بود، تماماً

را مشاهده می‌کنید، با شور و شوق و شغف و شادی وصف‌ناپذیر، حتماً و حقیقتاً با اشتیاق دیدار به طرف امام حسین‌شان عازم شدند. اینها هم با قایق‌های کوچک ولی حامل انسان‌های بزرگوار، مسلح به سلاح‌های محدود و سبک؛ شب بعد، عملیات بارمزیار رسول الله (ص) شروع شد. قرار بود برادران ما که در هورالعظیم و داخل آب باید ده تا پنجاه کیلومتری مسافت می‌کردند، اول عصر بر دشمن بعثی حمله کنند و با تصرف پل حمید، دشمن در دو جزیره مجنون در محاصره کامل افتاده و قطع ارتباط شوند و همه منهدم شوند. سپس این جزایر تصرف و پاکسازی شوند.

این نیروها ۱۲ ساعت تا ۲۴ ساعت قبل از عملیات که عازم شده بودند، اقدام محوله را از اول عصر با جدّیت و تلاش هر چه تمام‌تر شروع کردند و در خاک خودمان هم نیروهای عمد همان باز تعدادی در قایق و تعدادی در هلیکوپترها آماده بودند که با نیروهایی که برای فرود هلیکوپتر تعیین شده بود، این باندها را - نیروهای پیشرو - تصرف و پاکسازی کنند تا بقیه نیروها هم حرکت کرده و به طرف جزیره رفته و در آن جا پیاده شوند. عمده انتکایی که در این عملیات تصوّر می‌شد، قایق و هلیکوپتر بود، برای این که جزیره مجنون از خشکی - اگر مستقیم می‌رفتیم - ۱۵ کیلومتر فاصله داشت و این فاصله قطعاً باید از طریق هوا یا از روی آب طی می‌شد. حتماً نیروها باید از این دو طریق در این جزایر پیاده می‌شدند. این نیروهای توانمند اسلام، این پیشروان شهادت طلب از اول شب تلاش خود را روی این جزایری که ۵۰ تا ۶۰ کیلومتری روی آب طی شده بود تا دشمن را دور بزنند، شروع کردند و ساعت ۱۱ شب بود که همه‌شان اعلام آمادگی کردند برای فرود هلیکوپترها که: «ما منطقه را پاکسازی کرده ایم و هلیکوپترها عازم شوند».

در این شکل، آن قهرمانان هوانیروز، این دلاوران شجاع اسلام را که شبانه با انواع هلیکوپترها، خودروها و نفرات و مهمات و وسایل مورد نیاز و سلاح‌های نیمه سنگین به جزیره حمل کردند، بی سابقه‌ترین و کم نظیرترین کارها بود که انجام دادند و بی تردید این کارها به خاطر اسلام و پیروزی اسلام بود که با شهامت و شجاعت انجام گرفت. کم پیدا می‌شود خلبانانی که قادر شوند

۶۶

همه بدانید که این رزمندگان
به این صحنه‌ها که قدم
می‌گذارند و عازم عملیات
می‌شوند، همه‌شان توجیه
می‌شوند. به این که به کجا
می‌روند و چه کار باید بکنند
و قوف پیدا می‌کنند، همان‌گونه
که آگاهانه عازم جبهه‌ها
شده‌اند.

۹۹

باکسازی شد و نیروها از این طرف رفتند و رسیدند به آن برادران که ۲۴ ساعت قبل از عملیات با «بلم» رفته بودند. نیروهای دشمن و بعضی از مزدورانی که در این دو جزیره برای رژیم بعثی کارهای اکتشافی و جاده سازی انجام می دادند، بعد از این که ضربه های محکمی از طرف رزمندگان اسلام برایشان وارد شد، همه شان در حالی که فرار می کردند و قصد داشتند که از پل شهید حمید رد شوند و جانیشان را نجات دهند، ولی غافل از این که یک نیرویی با تعداد محدود- ولی قوی از نظر ایمان، چرا که قدرت الهی در بازوی آنها بود- در پل شهید حمید، منتظر بودند که آنها برسند و صحنه های عجیبی بود که نیروهای بعثی دسته دسته راه گریزی نمی یافتند و چاره ای نداشتند غیر از این که در مقابل رزمندگان اسلام تسلیم شوند. بالغ بر هزار نفر از نیروهای فراری که از صحنه های درگیری نجات یافته بودند همراه با خود روها و با سلاح ها و چند دستگاه نفربر و امثال اینها، در آنجا چاره ای ندیدند غیر از این که هزار نفر تسلیم نیروهای رزمده پنجاه نفری اسلام شوند. همه نیروهای بعثی تسلیم شدند و نیروهای رزمده اسلام هم از پشت رسیدند و این اسرای وحشت زده از قدرت الهی را که خوف خداوند در دل اینها نشسته بود، تخلیه شدند.

دلآوری و مساعدت رزمندگان به یکدیگر

بعد از این پیروزی و پاکسازی دشمن از جزایر، باز انتقال برادران مسئول تخلیه مجروحان و همچنین انتقال نیرو، توسط هلیکوپترها و قایق ها انجام می گرفت. دشمن غافلگیر شده بود و ضربه ای کاری از این ناحیه خورده بود و ضربه ای دیگر در کناره دجله از طرف تعدادی دیگر از نیروهای رزمده اسلام که در آن جا هم عملیات انجام داده بودند، بر دشمن وارد شده بود.

آنها هم مثل ما با قایق ها عازم شده بودند و خودشان را به کنار دجله رسانده و اتوبان بصره به عماره و بغداد را قطع کرده بودند. وظیفه آنها پشتیبانی از عملیات ما، یعنی تصرف جزایر بود. وحشت عجیبی دشمن را فرا گرفته بود و مدام در تلاش بودند که نیروهایشان را از همه جا جمع کنند و بیایند تا با رزمندگان اسلام مقابله کنند. دشمن فعالیت زیادش را توسط هواپیماهایش شروع کرد و تلاش داشت که با تعداد زیادی هواپیما که وارد صحنه کرد، رعب بیاورند و در رزمندگان اسلام

وحشت ایجاد کند. غافل از این که این پاک باختگان بدون این که کوچکترین اهمیتی به هواپیماهای بعثی بدهند، با استفاده از ضد هوایی ها و سلاح هایی که در خود جزیره، نیروهای بعثی جا گذاشته و فرار کرده بودند، با آنها مقابله می کردند. محبت و اخوت عجیبی دیده می شد در بین تمام رزمندگان؛ به خاطر این که همه می دانستند به جایی آمده اند که راه، خشکی که به عقب برگردد، نیست. احساس محبت و اخوتی که واقعاً در آن روزها بین رزمندگان می دیدم، محبت و وفاق عین صدر اسلام بود. آب که می خواستند بخورند، چقدر به یکدیگر تعارف می کردند؛ غذا که می خواستند بخورند، چقدر به یکدیگر تعارف می کردند، (البته نه تعارف صرف، بلکه نشانی از فداکاری) چقدر همدرد یکدیگر بودند، چقدر در مشکلات به یکدیگر کمک می کردند!

دشمن شروع کرد کم کم به فشار آوردن. خوب! از یک طرف دشمنی که امکاناتی از قبیل تانک، توپ، هواپیماهای فراوان و طرف دیگر رزمندگانی در جزیره که مسلح به کلاشینکف و آرمیجی و چند قبضه خمپاره جنگی بودند. روزهای اول واقعه در جزیره، حقیقتاً از صحنه های تاریخی و عجیب جنگ بود. مقاومت و ایستادگی که رزمندگان اسلام در مقابل آنها از خود نشان دادند، زبان قادر به بازگویی آنها نیست. چقدر خداوند متعال در دل این بندگان مؤمن، قدرت ایمان و توکل آفریده بود که بدون واهمه با سیل تانک های دشمن و رگبار توپ های آنها با آرمیجی و سلاح های سبک و در بعضی جاها که حتی خاکریز و سنگری هم نبود، روزها مقابله می کردند و می ایستادند و آن اندازه ایستادگی و مقاومت داشتند که دشمن فقط می توانست بیاید و از روی جنازه اینها بگذرد و الا قادر نبود که این رزمندگان زنده باشند و آنها بتوانند یک قدم جلو بیایند. از آن لحظه ها که رزمندگان اسلام پیام شادی آفرین امام را شنیدند که: «سربازان من باید جزایر را حفظ کنند»، از خوشحالی و شادی نمی دانستند که چه کار بکنند. از یکدیگر سبقت می گرفتند در حمله به دشمن؛ حملاتی که انسان هایی با گوشت و استخوان و با سلاح های سبک و با تعدادی اندک حمله و رمی شدند به نیروهای فراوانی از رزهی و پیاده دشمن، و گویی این که دریائی از ایمان حمله می کرد به طرف کفر و جبهه باطل! چقدر خداوند در دل اینها



قوت می‌آفرید که بدون هیچ‌گونه واهمه‌ای و هیچ گونه تزلزلی، غرورآفرین حمله‌ور می‌شدند و تیپ‌ها و گردان‌های دشمن در عرض چند لحظه که وارد صحنه می‌شد، با یورش‌های برق‌آسای پاک‌باختگان و جان‌برکفان در هم می‌شکست و دشمن مجبور می‌شد که عقب‌نشینی کند و نیروهای جدیدی وارد صحنه بکند!

دلیل اصلی پیروزی رزمندگان

آیا این سؤال برای ما و به طور کلی برای دنیا مطرح نمی‌شود و جای تعجب نیست که چطور این تعداد انسان که فقط امکانات مادی اولیه و سلاح‌های سبک و جزئی داشتند، و بدون این که راه زمینی داشته باشند، بدون این که نیروی تویی، تانکی داشته باشند بدون این که مستمر برایشان مهمات برسد، نیرو بیاید، چطور توانستند که روزهای زیاد و دشواری را در مقابل انبوهی از دشمن مجهز، تانک‌داران مسلح به زره، توپ، هواپیما و هلیکوپتر مقاومت بکنند؟ بیان این صحنه‌ها کار ساده‌ای نیست. و انسان قادر نیست این معنا را در چند جمله یا چند سخنرانی بیان نماید. اگر انسان بتواند میزان ایمان اینها را از

قلب‌هایشان بیرون بیاورد صحنه‌ها را می‌بینند ترس برشان می‌دارد! روزهای سختی در این جزایر گذشت، ولی این روزها سراسر افتخار بود برای اسلام، گرچه ماعیزانی تقدیم اسلام کردیم، ولی همه آنها افتخار اسلام بودند. پدران، مادران، خواهران و برادران بداند فرزندان، برادر، و شوهری که روانه جبهه‌ها کرده بودند، در این عملیات شرکت کردند و خونشان در جزایر مجنون ریخته شد. تا وصل بشود به صحرای خونین کربلا؛ بدانید که چه صحنه‌هایی اینها آفریدند، چه کارهایی انجام دادند که دنیا حیران است. از بزرگترین امتیازات این عملیات و نتیجه این عملیات، حماسه‌ای بود که این انسان‌ها آفریدند. معمولاً در هر عملیات کارشناسان نظامی ابرقدرت‌ها تحلیل و بررسی می‌کنند و نتیجه هم می‌گیرند. نتیجه‌ای که از این عملیات گرفتند، کاملاً در عکس‌العمل‌هایشان دیده شد. خوفی که اینها را برداشت، نتیجه حماسه‌سازی‌های رزمندگان بود. تعجب می‌کردند، متعجب بودند که چطور یک تعدادی انسان دست خالی، در حالی که می‌دانند می‌رود به طرف اژدها مصمم، قاطع و قدرتمند، روانه می‌شود. و این يك مطلبی است که چه بسا بیانش دشوار است.



چشم‌هایی که می‌خندید

سردار شهید حمید احدی فرمانده پاکباز گردان خط شکن حضرت امام سجاد (ع) لشکر ۳۱ عاشور بود. شهریور سال ۱۳۴۱ در یکی از محله‌های قدیمی شهرستان زنجان دیده به جهان گشود و اسفند ماه ۱۳۶۳ در عملیات عاشورائی (بدر) منطقه شرق دجله عراق در سن ۲۲ سالگی به درجه والای شهادت رسید.

با پیروزی شکومند انقلاب اسلامی و آغاز درگیری‌های گروهک‌های ضد انقلاب، شهید حمید احدی شغل کارمندی را رها کرده و عاشقانه به بسیج پیوسته و پس از گذراندن دوره آموزش نظامی به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در اندک زمان کوتاهی با لیاقت و شجاعتی که از خود نشان داد به فرماندهی گردان منصوب شد. آنچه می‌خوانید خاطراتی است از این شهید عزیز از زبان هم‌زمان و دوستانش.



مریم بیات تبار

اصلاً شبیه خودت نیستی!

نیمه شب بود که به روستای «خریبه» عراق رسیدیم. دیگر پاهای مان یاری نمی‌کرد قدم از قدم برداریم. با آن همه سلاح و تجهیزات سنگین، چندین کیلومتر خاکی و باتلاق را با پای پیاده طی کرده بودیم. شب اول عملیات بدر بود و موفق شده بودیم وارد شرق دجله شویم (توی راه درگیری‌هایی هم با دشمن داشتیم. تعدادی از بچه‌ها شهید و مجروح شدند).

شب قبل هم نخوابیده بودیم و چشم‌های مان خودبه‌خود بسته می‌شد. بعضی از بچه‌ها از شدت خستگی ناله می‌کردند و راه نمی‌آمدند. به حمید گفتم: «به جایی گیر بیاوریم و حداقل تا صبح دو ساعت چشم رو هم بذاریم. فردا کلی کار داریم و با این وضعیت کم می‌آریم.» با حرفم موافقت کرد. خریبه خالی از سکنه بود و قبل از ما نیروهای عراقی آن جا استقرار داشتند. مدرسه‌ای پیدا کردیم که جای مناسبی برای خواب بود. کورمال کورمال رفتم طرف زیرزمین مدرسه. آن قدر خسته بودم که حتی حوصله نداشتم چراغ قوه‌ام را روشن کنم. چیز نر می به دستم خورد. سرم را روی آن گذاشتم و خوابیدم. نور آفتاب از پنجره به چشمم افتاد و بیدار شدم. احساس کردم چیزی بد بو قطره قطره روی صورتم می‌ریزد. دست زدم، مایع لزجی بود. سریع از جا بلند شدم و بالای سرم را نگاه کردم. یک لحظه وحشت کردم و بعدش حالم بهم خورد. دوتا عراقی سیلوی شکم گنده آن جا بودند. یکی شان بالای قفسه خوابیده بود و یکی شان پایین. سرم را روی شکم پایینی گذاشته بودم و از دهان بالایی خون و کثافت ریخته بود روی صورتم.

قلبم داشت از جا کنده می‌شد. چشم‌های شان باز بود و صورت شان متورم. معلوم بود که مرده‌اند. شکم یکی شان هم پاره شده بود. برای احتیاط، بلند شدم و چند لگد بهشان زدم. تکان نخوردند. دست‌هایم خونی بود و پوست صورتم کشیده می‌شد. معلوم بود که توی خواب آن را به سرو رویم مالیده‌ام. چندشم شد. نگاه کردم. حمید و چند تا از بچه‌ها، کمی آن طرف‌تر خوابیده بودند. عراقی‌ها زیرزمین مدرسه را فروشگاه کرده و دور تا دورش را قفسه چیده بودند. حمید را بیدار کردم و گفتم: «برادر! بین کجا خوابیدیم.»

چشمش که به صورت من افتاد، بلند شد و نشست. تعجب کرده بود. جسدها را نشاننش دادم. خندید و گفت: «اصلاً شبیه

خودت نیستی رضا!»

خمیازه‌ای کشید.

- شب خیلی خسته بودی و خروپف می‌کردی، آن قدر که دلم نیومد برای نماز بیدارت کنم.

تصور این که چه شکلی شده‌ام، حالم را بهم می‌زد. رفتم بیرون که آبی پیدا کنم و به صورتم بزنم. دیدم که عراقی‌ها جهنمی درست کرده‌اند. / رضا کاظمی‌راد

دل‌تنگی برای روضه‌ی حضرت زهرا(س)

غروب جمعه‌ای، عجیب دلم تنگ بود. جلوی چادر نشستم و به تمیز کردن اسلحه و پوتین‌هایم سرگرم شدم. در منطقه‌ای که به سایت «چهار پنج» معروف بود، ده روزی مستقر بودیم و رزمایش انجام می‌دادیم. داشتیم برای عملیات خیبر آماده می‌شدیم. زیر لب شعری را با همان ریتمی که در راه پیمایی‌های صبح‌گاه می‌خواندیم، با خودم واگویی می‌کردم که صدای آقا کلامی را شنیدم. همان رباعی را می‌خواند و بقیه تکرار می‌کردند: «آلاه ایمامی ساخلا! عصرین ایامی گل‌سین... پیغمبرین یگانه، قائم مقامی گل‌سین.» (خداوند امام را نگهدار تا امام عصر بیایند. یگانه قائم مقام پیامبر تشریف بیاورند)

صدا داشت نزدیک‌تر می‌شد. بچه‌های گردان، یکی یکی دور دسته‌ی خودجوشی که سینه‌زنان به طرف نمازخانه حرکت می‌کرد، جمع می‌شدند. من هم نزدیک‌تر رفتم و دست حاج اصغر را گرفتم که کنار او حرکت می‌کرد. حمید با بلندگو دستی گردان از راه رسید. آن را به من داد و گفت: «تو و حاج اصغر هم همراهی کنید.»

بلندگورا جلوی دهن حاج اصغر نگه داشتم و هر سه نفر با هم دم گرفتیم. مداحی و سینه‌زنی تا شروع نماز ادامه داشت.

بعد از نماز، حمید طبق روال همیشگی‌اش به چادرها سری زد و از بچه‌های پرسید: «بهتون شام رسید؟ چیزی کم و کسر ندارید؟» آن شب، من هم با او همراهی می‌کردم. وقتی خیالش از بابت بچه‌ها راحت شد، از من خواست که با هم به چادر فرماندهی برویم. برای شام عدس پلو داشتیم. من شام خورده بودم. برای چند نفر از بچه‌ها مقدار کمی برنج مانده بود. حمید فقط دو قاشق برداشت. کنسرو لوبیایی باز کرد و همراه نان خشک خورد. بعد از شام، پیک گردان را فرستاد تا حاج اصغر و حاج آقا کلامی

وده- دوازده نفر دیگر از بچه‌ها را به چادرشان دعوت کند. وقتی دورهم جمع شدیم، حمید رو به حاج اصغر گفت: «حاج آقا! روضه‌ی حضرت زهرا(س) بخون که دلم خیلی تنگه.»

دل من هم تنگ بود. از صبح منتظر چنین لحظه‌ای بودم. به نوبت روضه اهل بیت خواندیم و مداحی کردیم. آن شب، حال و هوای دیگری داشت. به قول یکی از بچه‌ها: «دویونجاخ اوخشادیخ آغلادیخ.» (دل سیرنوحه خواندیم و گریستیم) / **جهان بخش کرمی**

از خودم خجالت کشیدم

با چند نفری از بچه‌های گردان بی دعوت و سرزده رفتیم کانکس فرماندهی. حمید تنها بود و داشت روی نقشه‌ی زیر دستش، با مداد علامت می‌گذاشت. با دیدن ما از جایش بلند شد و نقشه‌ها را جمع کرد. تعارف کرد بنشینیم روی پتویی که کنار یخدان انداخته بود.

آن وقت فقط در چادر فرماندهی از این یخدان‌ها پیدا می‌شد. یکی از بچه‌ها گوشه‌ی در آن را باز کرد و چشم‌هایش گرد شد.

- وای! یک عالمه میوه این جاست.
حمید هندوانه و خیارها را از توی آن برداشت و جلوی ما گذاشت. بدون تعارف به خیارها حمله کردیم. یکی توی دست‌مان برداشتیم و همین که حواس او پرت شد، چند تایی هم زیر پای ما قایم کردیم. حمید هندوانه را قاچ کرد و با قاشق افتادیم به جان آن. توی آن هوای گرم، هندوانه‌ی خنک حسابی می‌چسبید. تندتند می‌خوردیم و به هم دیگر مهلت نمی‌دادیم. در آن شرایط سخت، آن میوه‌ها برای ما مغنیمت بزرگی بود.

وقتی ما سعی می‌کردیم از هم سبقت بگیریم. حمید آرام آرام از قسمت نوک هندوانه می‌خورد که پلاسیده و کال بود. آن لحظه از خودم خجالت کشیدم. / **پرویز خسروشاهی**

بهترین عبادت سکوت است

با بچه‌ها دورهم نشسته بودیم و از هردری صحبت می‌کردیم. یکی لطیفه تعریف می‌کرد، دیگری از گذشته‌اش می‌گفت و آن یکی مسائل سیاسی را تحلیل می‌کرد. اما حمید ساکت نشسته بود و فقط گوش می‌کرد یا لبخند می‌زد. گاهی هم از کلماتی مثل: بله، عجب، که این طور و... استفاده می‌کرد تا کسی که حرف می‌زد،

مطمئن شود که حواش به او هست. وقتی لبخند می‌زد، متوجه برجستگی زیر لبش شدم و فهمیدم که حمید دوباره سنگ ریزه لای زبانش گذاشته و اگر پر حرفی کند دهانش زخم می‌شود.

یک بار که داشتم توی کوله‌اش دنبال آینه می‌گشتم، متوجه کیسه‌ای شدم که پراز سنگ ریزه بود. وقتی دلیل کارش را پرسیدم، گفت: «هر چی می‌کشم از دست این به تیکه گوشته، اگه بتونم جلوی زبونم رو بگیرم، گناهم کم‌تر می‌شه.»

یکی از بچه‌ها بحث را کشاند سمت انتقاد از رفتار نادرست یک عده‌ی خاص در گردان. همین‌طور حرف می‌زد و بدون این‌که متوجه باشد، داشت می‌رفت روی کانال غیبت. همان لحظه دیدم که حمید بلند شد و بی صدا از کانکس بیرون رفت. من هم دنبالش رفتم. از پشت سر صدایش کردم.

- بابا بچه مثبت، ریاضت کش، بنده‌ی خوب خدا! آن قدر اون زبون فلک زده‌ات رو اذیت نکن. زخم می‌شه و دیگه نمی‌تونی خوب غذا بجوی‌ها!

نگاهم کرد و خندید. سنگ ریزه‌ها را فوت کرد روی زمین و گفت: «آی نا قلا! تو هم متوجه شدی؟»

خندیدم.

- متوجه شدن نمی‌خواست که، تا بلو بود. فکر می‌کنی نفهمیدم همین که کانال عوض شد، اومدی بیرون که مبدا بزبن توفاز غیبت و تو هم شریک شون بشی؟

جوابم را نداد و به نوشته‌ی روی کانکس اشاره کرد.

- کی ایبو نوشته؟ چه خط خوبی داره؟ چه جمله‌ی قشنگی! با ماژیک قرمز این جمله از امام حسین (ع) را روی دیواره‌ی یکی از کانکس‌ها، درشت نوشته بودند: «بهترین عبادت سکوت است.» من هم از آن سنگ ریزه‌ها داشتم، اما زیاد استفاده نکردم. حمید هم بعدها آن کیسه را دور انداخت و تصمیم گرفت خودش مواظب زبانش باشد؛ یعنی به درجه‌ای رسیده بود که بتواند بدون آن سنگ ریزه‌ها سکوت کند. / **حسین محمدی**

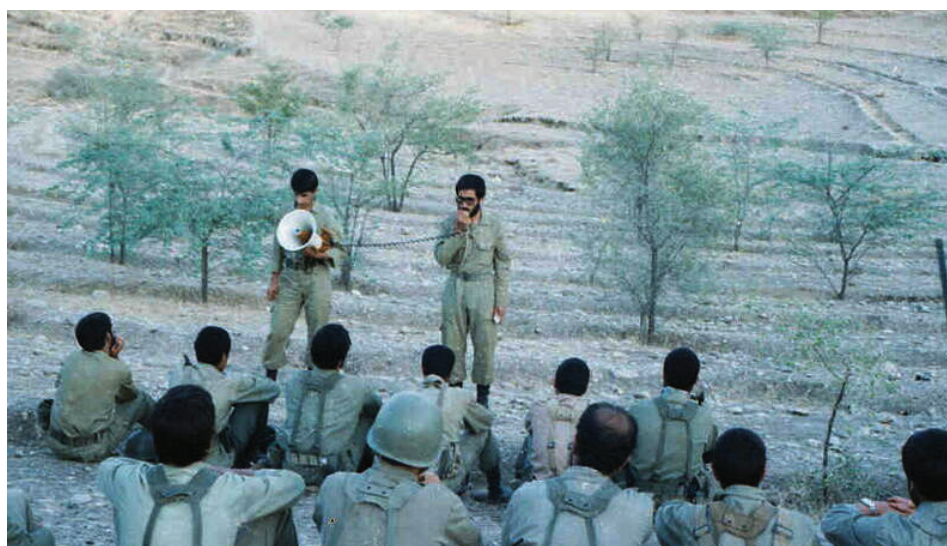
توی چشم‌هایم نگاه کن

هوا خنک تر بود و بچه‌ها به جنب و جوش افتاده بودند. به سنگ‌های هم‌دیگر سر می‌زدند، بعضی‌ها نظافت می‌کردند و عده‌ای هم دور



- حمید! من تو چهره‌ات به جور نورانیت خاصی می‌بینم.
نگاهم کرد.
- بازم داری سربه سرم می‌ذاری؟
جدی تر گفتم: «نه به خدا! دارم باهات جدی حرف می‌زنم.
نمی‌دونم مشکل از چشای منه یا چهره‌ی تو. یه جور دیگه
می‌بینمت حمید.»
سرتکان داد.
- از دست چشای تو اکبر!
توی چشم‌هایم نگاه کرد.
- یعنی می‌خوای بگی چشم بصیرت پیدا کردی؟
شانه بالا انداختم.
- نمی‌دونم! هر چی هست، شک ندارم که تو شهید می‌شی.
لبخند زد.
- عجب! خدا از دهنش بشنوه.
احساس عجیبی بود. تا حالا کسی را آن قدر زیبا و نورانی ندیده بودم.
- اگه تا الآن شک داشتم، حالا دیگه مطمئنم که تو بنده‌ی
خاصی برای خدا هستی.
آن قدر جدی حرف می‌زد که خودش هم مانده بود چه بگوید.
دستش را گرفتیم.
- باید یه قولی به من بدی.
- چه قولی؟
- باید قول بدی که هر وقت شهید شدی، اون دنیا منو شفاعت کنی.

بچه‌های مهمان جمع شده و از حال و هوای شهر می‌پرسیدند.
من هم جزء کسانی بودم که از طرف نهضت سوادآموزی به دیدار
بچه‌های پاسگاه زید رفته بودم.
حمید کنارم ایستاده و یک سر و گردن از من بلندتر بود. دست
روی شانه‌اش گذاشتم و گفتم: «حمید جان! وقت داری چند
دقیقه‌ای با هم قدم بزنیم؟»
لبخند زد.
- با کمال میل اکبر آقا!
دوستی ما از جلسات احکام آقای متقی شروع شده بود و رفته رفته
صمیمی تر شده بودیم. طوری که خیلی راحت و بدون تشریفات به
خانه‌ی هم دیگر رفت و آمد می‌کردیم و دوستان خوبی برای هم بودیم.
همین طور که با هم قدم می‌زدیم و از هر دری صحبت می‌کردیم.
رفتیم پشت سنگرها که خلوت بود و کسی مزاحم بحث مان نمی‌شد.
آفتاب داشت غروب می‌کرد و رنگ سرخ و نارنجی‌اش را توأمان روی
کوه‌های اطراف می‌ریخت. آن قدر صحنه‌ی قشنگ و غریبی بود
که آدم دلش می‌خواست ساعت‌ها به تماشا بنشیند و آن لحظه
هیچ وقت تمام نشود. من و حمید هم رو به غروب نشستیم و
حرف‌های مان را ادامه دادیم.
نگاه به صورتش کردم که نورانی تر شده بود. تاثیر اشعه‌ی خوش رنگ
غروب بود یا نه، نمی‌دانم! هر چه بود با نگاه کردن به او احساس
خوبی بهم دست می‌داد. حسی معنویتی عجیب که دلم پراز
شوق می‌شد. احساس قلبی‌ام را به زبان آوردم.



نور بالا!

توی تاریکی، گوشه‌ی چادر نشست و پتوی سیاهی روی سرش کشیده بود. از تکان‌های پتو، فهمیدم که دارد گریه می‌کند. شب جمعه بود. حدس زدم دوباره رادیوی کوچکش را به گوشش چسبانده و دارد دعای کمیل گوش می‌دهد.

چند تا از بچه‌ها، آن طرف‌تر زیر نور فانوس نشسته و با هم گپ می‌زدند. به سرم زد کمی سربه سر حمید بگذارم. آرام آرام نزدیکش رفتم و یک دفعه پتو را از سرش کشیدم.

همان طور که حدس می‌زد، زانوهایش را بغل کرده و رادیو را به گوشش چسبانده بود. پتو که از روی سرش کنار رفت، همان طور نشسته بود و هاج و واج مرا نگاه می‌کرد. عینکش را برداشته بود. صدای سوز آرمی از رادیو به گوش می‌رسید.

خودم را زدم به آن راه و گفتم: «ای وای شمایی برادر! ببخشید! آخه یه چیزی داشت از زیر پتو نور بالا می‌داد، فکر کردم کسی چراغ روشن کرده.»

انتظار داشتم، از این‌که حال و هوایش را هم زده‌ام، کج خلقی کند. اما با پشت دست اشک‌هایش را پاک کرد و لیخن زد.

- اوزون گپ سن پرویز!

به زحمت جلوی خنده‌ام را گرفته بودم. پتو را روی سرش انداختم. - ببخش که خلوتت رو بهم زدم.

دوباره آن را برداشتم و گفتم: «فقط بی زحمت اون نورت رو بزین پایین که چشم‌امون اذیت می‌شه.»

بچه‌ها بلند خندیدند. خودش هم خندید و سرتکان داد.

پرویز خسروشاهی

خندید و دستش را پس کشید.

- ولم کن اکبر! من و شهادت؟ چی داری می‌گی؟

این بار گوشش را گرفتم.

- خودت خوب می‌دونی که چی دارم می‌گم. اگه قول ندی، گوشت رو ول نمی‌کنم.

آخ و واخش بلند شد.

- باشه! باشه!

گوشش را رها کردم.

- به خدا قسم، به جان امام که از همه برامون عزیزتره قسم می‌خورم

که تو شهید می‌شی. اگه شهید نشدی، به اعتقادات من شک کن. سرش را پایین انداخت و با انگشتش روی خاک خط‌های درهم کشید.

- حالا که این قدر مطمئن حرف می‌زنی، باشه قول می‌دم.

دستش را جلو آورد. آن را محکم فشار دادم و بغلش کردم.

- تورو خدا حمید! تورو خدا قولی که دادی یادت نره.

نگاهم کرد. چشم‌هایش پراز اشک شده بود.

- باشه! اگه لیاقت داشتم و شهید شدم، حتماً به قولم عمل می‌کنم. نگران نباش.

من هم بغض کردم و با حسرت گفتم: «خوشا به حالت حمید!»

در جوابم گفت: «سرنوشت همه‌مون دست خداست. فقط باید حواس‌مون به کارهامون باشه.»

- به هر حال من خوش‌حالم که دوست خوبی مثل تو دارم.

دستم را محکم‌تر فشار دادم و چشم‌دوخت به غروب آفتاب که اشعه‌های کم‌جان و زیبایش، هنوز روی کوه‌ها خوش‌رقصی

می‌کردند. / اکبر میان‌داری



هور در آتش

جلوه‌های شکوه و پایداری در عملیات بدر

بعد از عملیات خیبر، دشمن علاوه بر سازماندهی سپاه‌های اول، دوم، سوم و چهارم، اقدام به تشکیل فرماندهی شرق دجله ورده‌های مواضع پدافندی در سراسر منطقه جنوب کرد و در مسیر آبراه‌ها و در داخل نیزارها کمین‌هایی قرارداد تا در صورت هجوم نیروهای ایرانی، نقش هشداردهنده و تاخیری داشته باشند و از نزدیکی نیروهای شناسایی به خط دشمن نیز مانعت به عمل آورد و به منظور زیر نظر داشتن هرگونه تحرک و داشتن دید کلی بر هور و اطراف آن دکل‌های متعددی را نصب کرد. گذشته از کمین و نصب دکل‌ها، در آبراه‌ها موانع قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرد که گذشتن از آن‌ها بسیار سخت و بلکه غیرممکن می‌نمود. بعد از این موانع، سیل‌بندی هم مشرف بر آب به عرض ۱۲ متر و ارتفاع ۲ متر احداث کرده و بر روی آن سنگرهای متعددی تعبیه، که از سه جهت، دارای دید کافی بر روی آب بود.



محمد نصیری

سیل بندهای هور نیز بانشت آب، منطقه حالت باتلاقی به خود می‌گیرد.

همچنین، منطقه مذکور توسط رودخانه دجله به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌شود که سه چهارم خشکی منطقه در شرق رودخانه واقع است. جاده حساس و مهم بغداد - بصره نیز در غرب رودخانه واقع است.

وسعت کل منطقه عملیات اعم از خشکی و هور ۱۰۰۰ کیلومتر مربع بود که ۲۵۰ کیلومتر مربع آن خشکی و مابقی آن هور می‌باشد، در این منطقه یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت عراق موجود است که دولت عراق مشغول بررسی و نقشه برداری آن شده بود.

استعداد دشمن

از منطقه قلعه صالح تا نهر سوئیب تحت فرماندهی نیروهای شرق دجله بود. استعداد و نحوه گسترش یگان‌های دشمن به صورت زیر بود:

الف - فرماندهی دفاع الاهوار: از قلعه صالح تا الکساره:

- ◆ دو گردان کماندویی یوسف و عبدالله از لشکر ۱۰.
- ◆ تیپ ۲ کماندویی سپاه چهارم.

ب - لشکر ۳۵ پیاده: از منطقه الکساره تا نهر روطه.

- ◆ تیپ ۴۲۹ پیاده با پیاده با ۳ گردان.
- ◆ تیپ ۹۴ پیاده با ۳ گردان.
- ◆ قاطع القادسیه، خالد، الصنادیه، صدام، دینار الثانی.
- ◆ دو گردان کماندویی الفیحا و محمد قاسم از لشکر ۵ مکانیزه.
- ◆ نیروهای کماندو الشیبانی.
- ◆ ۴ گردان تانک.
- ◆ ۵ گردان توپخانه.

ج - فرماندهی نیروهای دفاع از بصره، از نهر روطه تا نهر سوئیب:

- ◆ تیپ ۹۳ پیاده با ۳ گردان.
- ◆ تیپ ۷۰۳ پیاده با ۳ گردان.
- ◆ قاطع الشهید.
- ◆ یک گردان تانک.
- ◆ یک گردان توپخانه.

د - لشکر ۳۱ پیاده، از نهر سوئیب تا پاسگاه طلائیة:

- ◆ تیپ ۱۱۸ پیاده.

در حالی که دستیابی به یک جناح از دشمن در شمال بصره و قطع جاده مهم بصره - العماره، که می‌توانست منطقه مانور مناسبی را برای عملیات‌های آینده به سمت بصره و یا العماره باز نموده و دروازه جدیدی را برای ورود به مناطق خشکی جدید بگشاید، همچنان به عنوان یک هدف مهم تلقی می‌شد؛ عواملی همچون تجربیات به دست آمده از عملیات خیبر در خصوص الزامات پشتیبانی و تاکتیکی و عملیات آبی و خاکی، جبران بسیاری از نواقص و کمبودهای مهندسی موجود در عملیات مذکور، در اختیار داشتن جزایر مجنون به عنوان مناطق واسط و سرپل که امکان تمرکز نیروها و انتقال تجهیزات به جلور تسهیل می‌نمود، موجب شدند منطقه غرب هور الهویزه مجدداً برای انجام عملیات بزرگ بعدی انتخاب گردد.

اهداف عملیات

دستیابی و تسلط بر جاده العماره - بصره و نیز راهیابی به مرکز اصلی هورهای غرب دجله - که استان‌های ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است - و همچنین تسلط بر شرق دجله همراه با انهدام نیرو از جمله اهداف این عملیات بود. همچنین تسلط بر شرق دجله همراه با انهدام نیرو از جمله اهداف این عملیات بود. همچنین، پاکسازی پاسگاه‌های ترابه، بلال، ابولبله و نیز روستاهای البیضاء، الصخره، ید خندق و انهدام پل‌های العزیر، خندق و... در حد شمالی منطقه عملیات؛ و پاکسازی روستاها و انهدام پل‌هایی همچون جویبر و... در حد جنوبی منطقه در دستور عملیات بود.

منطقه عملیات

منطقه عملیات در غرب هور الهویزه واقع است که از شمال به ترابه و زحیه و از جنوب به القرنه و کانال سوئیب محدود می‌گردد. این منطقه دارای دو نوع طبیعت متفاوت است: یک خشکی در قسمت غربی که حداقل عرض آن ۲ کیلومتر در زحیه و حداکثر عرض آن ۸ تا ۹ کیلومتر در عزیر و الهاله می‌باشد و ۲ هور بزرگ (هور الهویزه در شرق و هور الحمار در غرب) این خشکی را احاطه نموده‌اند. طول منطقه عملیات از ترابه تا الهویده حدود ۵۰ کیلومتر می‌باشد. زمین آن از جنس خاک رس نمکی و به حالت گرد است. در نزدیکی

- ◆ تیپ ۴۹ پیاده.
- ◆ تیپ ۶۰۵ پیاده.
- ◆ ۳ گردان توپخانه.
- نیروهایی که دشمن حین عملیات برای پاتک وارد منطقه کرد نیز عبارت بودند از:**
- ◆ لشکر ۱۰ زرهی باتیپ‌های ۱۷ و ۴۲ زرهی و ۲۴ مکانیزه.
- ◆ لشکر گارد ریاست جمهوری باتیپ‌های ۱ مکانیزه، ۲ زرهی، ۳ نیروی مخصوص و ۴ زرهی.
- ◆ لشکر ۴ پیاده کوهستانی باتیپ‌های ۱۸، ۵ و ۲۹ پیاده.
- ◆ لشکر ۶ زرهی باتیپ‌های ۱۶ و ۳۰ زرهی و ۲۵ مکانیزه.
- ◆ لشکر ۱ مکانیزه باتیپ‌های ۲۷ مکانیزه، ۳۴ زرهی و ۵۱ مختلط.
- ◆ لشکر ۵ مکانیزه باتیپ‌های ۲۰ و ۱۵ مکانیزه.
- ◆ تیپ‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص.
- ◆ تیپ ۱۰ زرهی.

قوای خودی

نیروهای عمل‌کننده در منطقه تحت پوشش سه قرارگاه عملیاتی و با فرماندهی مرکزی قرارگاه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم به شرح زیر تشکیل گردیده بود:

قرارگاه نجف تحت فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم هدایت نیروهای زیر را به عهده داشت:

- ◆ لشکر ۲۵ کربلا.
 - ◆ لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام.
 - ◆ لشکر ۵ نصر.
 - ◆ لشکر ۷ ولی عصر (عج).
 - ◆ تیپ ۱۵ امام حسن علیه السلام.
 - ◆ تیپ ۱۸ الغدیر.
 - ◆ تیپ‌های ۲۰ رمضان، ۲۸ صفر، ۳۸ ذوالفقار و ۷۲ محرم.
 - ◆ تیپ ۲۱ امام رضا علیه السلام.
 - ◆ گردان‌های ویژه شهید صدر.
 - ◆ گروه ۲۲ توپخانه (۲ گردان).
 - ◆ گروه ۴۰ توپخانه رسالت (۱ آتشبار).
 - ◆ لشکر ۷۷ پیاده ارتش.
- محدوده عملیاتی قرارگاه نجف: از منطقه ترابه تا آب راه نینوا.

طرح عملیات

برای انجام عملیات، منطقه مورد نظر به دو محور شمالی و جنوبی تقسیم شد. محور شمالی به قرارگاه نجف، و محور جنوبی به قرارگاه کربلا واگذار شد.



و تا ساعاتی بعد مشغول پاکسازی منطقه گردیدند. یکی از یگان‌های قرارگاه نوح نیز در قسمت پدالیهودی و سیل بند اول دشمن به سیم‌های خاردار و موانع دشمن برخورد کرد و سپس با تعویض محور و حل مشکلات در ساعت ۳ با مدام خط اول را شکسته و پاکسازی پدالیهودی را تا ساعت ۰۳:۲۰ به پایان رساند و سپس به سمت داخل پیشروی کرد.

در آغاز روشنایی صبح (ساعت ۶) قرارگاه نجف پاکسازی خط اول خود را به جزالبیضه به اتمام رساند در حالی که واحدهایی از لشکرهای ۵، ۷ و ۱۴ روی خط دوم درگیر بودند. در این میان، نیروهای لشکر ۲۵ به علت طولانی بودن مسیر خود تا صبح به هدف نرسیده و به عقب بازگشتند. منطقه ترابه نیز به طور کامل پاکسازی گردید. پس از الحاق نیروهای قرارگاه کربلا در خطوط اول و دوم، لشکر ۱۷ از سمت شمال به سمت دجله اقدام به پدافند به سمت شمال نمود و واحدهایی از لشکرهای ۸ و ۳۱ به کنار دجله رسیدند. در منطقه قرارگاه نوح نیز لشکر ۴۱، پدالیهودی و سیل بند اول را پاکسازی کرد.

با شروع روشنایی صبح، پاتک‌های دشمن نیز آغاز شد. فشارهای ممتد دشمن در طول روز اول منجر به بازپس‌گیری پدالیهودی و رخنه محدود در چند محور دیگر گردید. در شب دوم، واحدهایی از قرارگاه نجف در محور چهارراه دوم پد خندق و جنوب آن وارد عمل شدند. لیکن با مقاومت دشمن مجبور شدند به مواضع قبلی خود بازگردند. در این میان، قرارگاه کربلا موفق شد منطقه پیشرفتگی رودخانه دجله و جنوب جوبیر (کیسه‌ای) را تصرف و تامین نماید. هم‌چنین، واحدهایی از این قرارگاه موفق شدند خود را به دجله رسانده و ضمن وارد آوردن ضربات موثری بر دشمن، رو به جنوب پدافند نمایند.

با شروع روشنایی صبح روز دوم، پاتک‌های دشمن با شدت بیشتری آغاز گردید و تا پایان این روز موفق به تصرف سیل بند

قرارگاه نجف از شمال البیضه تا امتداد آبراه جمل، و قرارگاه کربلا از شمال، مقابل آبراه جمل و روستای نخیره در شرق دجله؛ و از جنوب، منطقه القرنه (خط الهاله) وارد عمل می‌شدند. قرارگاه نوح علیه السلام نیز ماموریت داشت ضمن تصرف پدافندی و گسترش در آن محور، به سوی پل زردان پیشروی کند و سپس کانال سوئیب را شکافته و آب را به سمت بصره جاری نماید.

همچنین به دو قرارگاه فرعی ظفرو نجف ۲ ماموریت‌های جداگانه‌ای به صورت احتیاط و نیز انجام عملیات فریب واگذار شد. به این ترتیب که قرارگاه ظفرو می‌باید آماده می‌شد تا در صورت امکان به طریق هلی‌برد از العزیزیه طرف شمال - در غرب روخانه دجله - حرکت کند. نجف ۲ نیز ماموریت اجرای آتش روی جاده العمارة - بصره و شمال پل العزیزیه به عهده داشت.

شرح عملیات

عملیات در ساعت ۲۳ روز ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ با اسم رمز مبارک یاالله، یاالله و قاتلوه‌م حتی لاتکون فتنه، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا سلام الله علیها آغاز گردید و در همان ساعات اولیه، تمامی خطوط و استحکامات دشمن به سرعت در هم کوبیده شد. در منطقه قرارگاه کربلا، لشکرهای ۸ و ۳۱ به سرعت خود را به خط دوم دشمن رسانده و در ساعت ۲ با مدام پس از پاکسازی این خط که دارای تعدادی مین پراکنده نیز بود، به سمت دجله حرکت نمودند. تیپ ۴۴ نیز پس از شکستن خط اول، سریعاً یک گردان ۱۱۰ نفری انفجار را به همراه مواد لازم از روی جاده خاکی جوبیر به سمت پل فرستاد و در ساعت ۰۲:۳۰ اعلام کرد که پل بتونی جوبیر را از دو طرف منهدم نموده است.

در منطقه قرارگاه نجف، به علت وجود چند کمین در فاصله زیادی از خطوط اول دشمن، موج دوم نیروها که می‌بایست از آبراه‌های اصلی حرکت کنند با این کمین‌ها درگیر و در نتیجه متوقف شدند

که در صورت شکستن خط فوق، تمامی نیروهای منطقه در خطر انهدام قرار می‌گرفتند، تصمیم گرفته شد عقب نشینی شود. این عقب نشینی از ساعت ۵ بعد از ظهر ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ آغاز شد و تا ساعت ۱۰ شب به پایان رسید و پل پد چهارم در چند نقطه منهدم و قطع گردید. منطقه ترابه و پد خندق تا ۷۰۰ متری شرق چهارراه پد در دست نیروهای خودی باقی ماند.

در شب ۱۳۶۴/۱/۲ دشمن به روستای ترابه پاتک کرد که با دادن ۱۶ اسیر و تعدادی تلفات مجبور شد عقب نشینی کند.

نتایج عملیات

طی عملیات بدر علاوه بر تلفات سنگین که به دشمن وارد شد، بیش از ۵۰۰ کیلومتر مربع از منطقه هوراز جمله روستاهای ترابه، لحوک، نهروان، فجره و نیز جاده خندق به طول ۱۳ کیلومتر، که فاصله آن با جاده العماره بصره ۶ کیلومتر است، به تصرف نیروهای خودی درآمد.

لازم به ذکر است که پس از این عملیات، عراق با استفاده از پشتیبانی هوایی و موشکی خود به حملات گسترده به شهرها و مناطق مسکونی و نیز کشتی‌های حامل نفت ایران مبادرت ورزید.

تلفات و خسارات وارده به دشمن

تلفات و خسارات وارده به دشمن طی عملیات بدر به شرح ذیل می‌باشد:

- ◆ کشته و زخمی شدن بیش از ده هزار نفر.
- ◆ به اسارت درآمدن ۳۲۰۰ نفر.
- ◆ انهدام ۲۵۰ تانک و نفربر
- ◆ انهدام ۴۰ قبضه انواع توپ.
- ◆ انهدام ۲۰۰ خودرو.
- ◆ انهدام ۶۰ قبضه انواع خمپاره انداز.
- ◆ انهدام ۱۵ دستگاه مهندسی.
- ◆ انهدام ۴ هواپیمای PC - V.
- ◆ انهدام ۲ هواپیمای میگ و سوخو.
- ◆ انهدام ۴ هلی کوپتر.
- ◆ به غنیمت گرفته شدن ۵۰ قبضه انواع خمپاره انداز.
- ◆ به غنیمت گرفته شدن ۲ دستگاه رازیت.

دوم و الصخره و رخنه در برخی نقاط سیل بند اول در جنوب و شمال پد خندق گردید.

در منطقه قراگاه کر بلا، پاتک‌های دشمن عمدتاً از منطقه الهاله به سمت همایون انجام شد که پس از انهدام تعدادی تانک و نفربر و به گل نشستن تعدادی دیگر، دشمن بدون نتیجه عقب نشست. در روز سوم عملیات، با بمباران هوایی دشمن تعدادی از واحدهای قراگاه نجف در وضع نامناسبی قرار گرفتند. چهارراه پد خندق نیز به دست دشمن افتاد و نیروهای خودی در ۶۰۰ متری شرق این چهارراه مستقر گردیدند.

در شب و روز چهارم عملیات، واحدهای قراگاه نجف در شمال چهارراه پد خندق به دلیل عدم الحاق به جنوب و نیز فشار دشمن، به مواضع اولیه خود عقب نشینی کردند. هم چنین یکی از واحدهای قراگاه کر بلا از خط صفین ۳ به سمت شمال تک نمود که در بعضی از محور ها تا جاده خندق پیشروی کرد، لیکن به دلیل عدم پاکسازی منطقه و نیز عدم الحاق با نیروهای قراگاه نجف مجبور شد به خط صفین ۳ باز گردد. سپس، پاتک‌های شدید دشمن به خط پدافندی صفین ۳ آغاز شد. در این پاتک‌ها، دشمن نتوانست رخنه‌ای در خط پدافندی مذکور ایجاد کند.

در شب پنجم، قراگاه کر بلا با نیروهای باقی مانده خود به غرب دجله تک نمود. اگرچه این قراگاه نتوانست ضمن انهدام نیروهای دشمن مستقر در شرق بزرگراه، قسمت اعظم پل ابوعران را تخریب کند، لیکن با فشارها دشمن از سمت شمال، جنوب و جنوب شرقی تا صبح روز پنجم (۱۳۶۳/۱۲/۲۵) مجبور شد منطقه غرب دجله را به جز سیل بند غربی - در داخل کیسه‌ای - راتخلیه کند. با روشنایی صبح روز پنجم پاتک‌های دشمن با شدت تمام آغاز گردید و تا بعد از ظهر این روز دشمن موفق به ایجاد رخنه در کناره شرقی دجله و برهم زدن آرایش پدافندی خودی گردید. آتش توپخانه دشمن نیز از این روز شدت گرفته و خطوط اول و دوم و سیل بند عقب آبراه‌ها را مورد هدف قرار داد.

با روشنایی صبح روز ششم، پاتک‌های دشمن ادامه یافت که در ساعت ۱۰ صبح خط صفین ۳ به طور کامل به پشت جاده النهر، جمل ۳ منتقل شد. با فشار دشمن و پراکندگی واحدهای خودی وضعیت خط بسیار نامساعد بود. بر همین اساس و به دلیل عدم تضمین برای حفظ خط پدافندی شمال منطقه با توجه به این



[عملیات خیبر]



مدت زمان عملیات

| ۱۹ روز |



منطقه عملیات

| دو محور شمالی در هور العظیم و
محور جنوبی در پاسگاه زید |



رمز عملیات

| یا رسول الله (ص) |



چهره عملیات

| محمد ابراهیم همت
که در این عملیات به شهادت رسید |



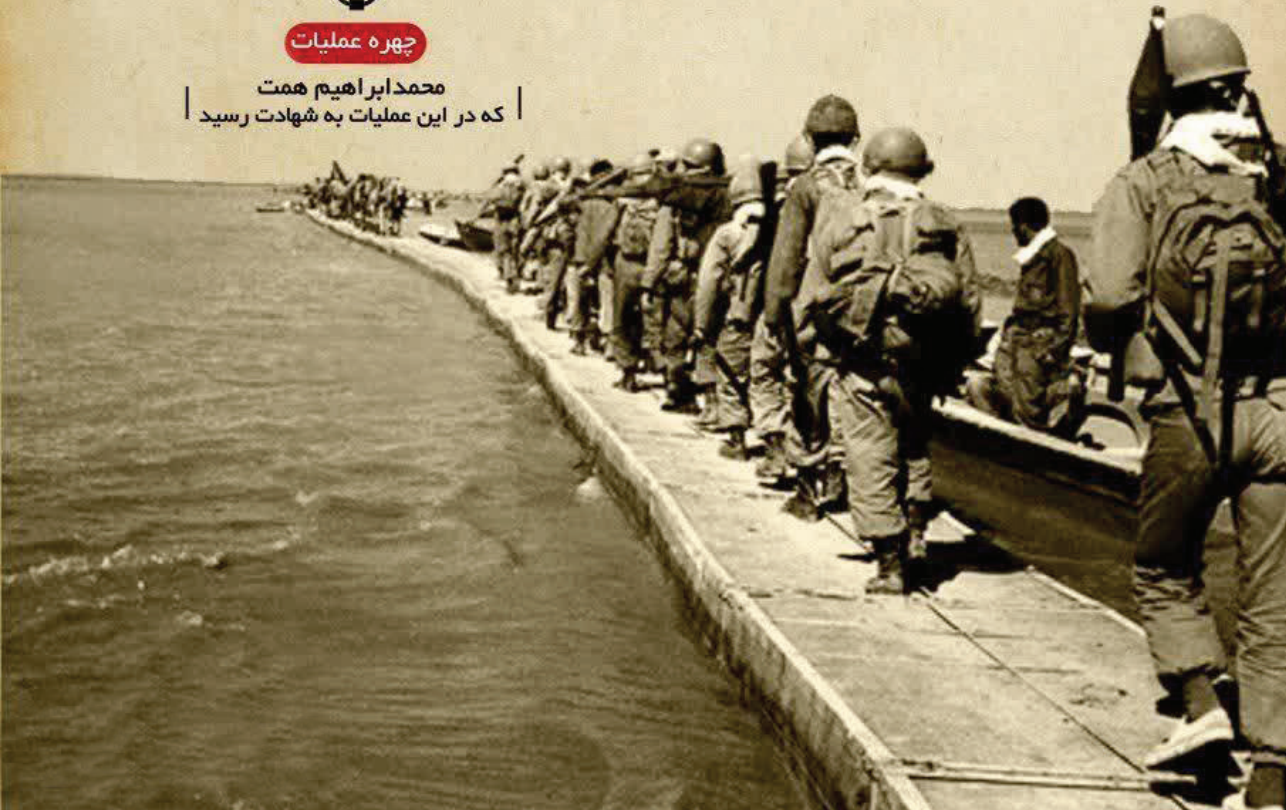
هدف عملیات

| • تصرف هور الهویزه و جاده بصره الamarه
• تهدید بصره از سمت شمال |



نتایج عملیات

- آزادسازی ۱۰۰۰ کیلومترمربع در منطقه هور
- آزادسازی ۱۸۰ کیلومترمربع در جزایر مجنون و طلائیه
- آشکار ساختن لزوم ایجاد، تقویت و توسعه یگان‌های دریایی برای انجام عملیات‌های آبی-خاکی
- زمینه‌سازی عملیات‌های بحر، والفجر ۸، کربلا ۴ و ۵
- انجام مقدمات تشکیل نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



دیدهبان



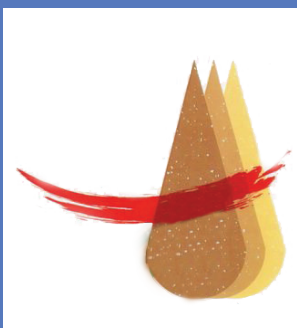
۴۶

واقعیت مهدی در موقعیت سینما



۴۲

دفاع مقدس هنوز قصه‌های جذابی دارد



۵۳

آنچه باید بماند



۴۹

جنگ روایت‌ها

حمید زرگرنژاد؛ کارگردان فیلم «ماهورا» در گفت و گو با سرو:

دفاع مقدس هنوز قصه های جذابی دارد

حمید زرگرنژاد مستندساز شناخته شده ای در عرصه



دفاع مقدس است که آثار مستندش از جمله روز سوم،

طعم عشق، رنگ خاک، ستاره های زمینی و روزهای

خاکستری در بسیاری از جشنواره های داخلی و خارجی

برنده جایزه و تقدیر شده اند. زرگرنژاد سه اثر بلند سینمایی شامل پایان

خدمت، ماهورا و برای مرجان را هم در کارنامه خود دارد که فیلم «ماهورا»

را می توان در ژانردفاع مقدس طبقه بندی کرد. ماهورا به نویسندگی و

کارگردانی زرگرنژاد محصول سال ۱۳۹۵ است و ساعد سهیلی، میترا حجار،

کامران تقی، بهاره کیان افشار، مهدی صباپی، یوسف مرادیان و مونا فرجاد

نقش های اصلی این فیلم را بازی می کنند. داستان این فیلم در روزهای

آغازین جنگ تحمیلی هشت ساله و در مناطق مرزی می گذرد. زرگرنژاد

می گوید در حین ساختن مستندی، به قصه ماهورا برخورد و احساس

کرده که قابلیت روایت در قالب یک فیلم بلند را دارد. به باور این کارگردان

و مستندساز، برای ساخت فیلم های دفاع مقدسی باید به سراغ مردم

رفت و از آنها سخن گفت و علت کوچ های ناگهانی و گاه و بیگاهش از

ژانردفاع مقدس را عدم حمایت های لازم از فیلم سازان این عرصه عنوان

می کند و می گوید جریانی در کار است تا مانع ورود فیلم سازان جوان و

تازه نفس به این عرصه شود. کارگردان و نویسنده ماهورا اعتقاد دارد در

حق این فیلم ظلم شده و به جایگاه واقعی اش نرسیده است. زرگرنژاد در

عین حال تصریح می کند علایق و دلبستگی های او به دفاع مقدس

آن قدر ریشه دار و پیرسخته است که با وجود ناملازمات و نامهربانی ها،

میدان را خالی نکند. این نویسنده و کارگردان تاکید می کند دفاع مقدس

حکم یک گنجینه را دارد که پرداختن به آن از ضروریات جامعه است.



ایران دفاع می‌کند، در حالی که هیچ‌کس هم به آن‌ها تکلیف نکرده یا نخواست است که چنین کاری کنند. به نظر من باید در نگاه و پردازش به دفاع مقدس یک پوست اندازی لحاظ و اعمال شود.

چرا چنین اتفاقی نمی‌افتد؟ چه موانع و مشکلاتی در این مسیر وجود دارد که تا به امروز آن چنان که باید و شاید محقق نشده است؟

برای پاسخ به این پرسش باید نگاهی عمیق و ریشه‌ای به مسائل داشت. نه تنها حمایت‌های لازم از فیلم‌سازان و به خصوص کارگردانان جوان نمی‌شود که حتی سنگ اندازی‌هایی هم صورت می‌گیرد تا آن‌ها را دلسرد کرده و از این راه بازگردانند.

یعنی می‌خواهید بگویید که دست‌هایی در کار است تا مانع ورود فیلم‌سازان جوان و تازه‌نفس به ژانر دفاع مقدس شود؟ بله، هستند کسانی حتی در میان مسئولان که اجازه تغییر و تحول را نمی‌دهند. یک نگاه کلی به دفاع مقدس در مفهومی گسترده حاکم است که تغییر را در این حوزه بر نمی‌تابد و این موضوع به تمامی زیرشاخه‌های جنگ و از جمله هنر و سینما هم تسری پیدا کرده است. این افراد معمولاً در مواجهه با تغییرات حتی کوچک هم مقاومت و سرسختی به خرج می‌دهند و در نتیجه، با وجود چنین رویکرد و سیاستی، فیلم‌سازان جوانی که طرح و نگاهی نو دارند به تدریج سرخورده شده و به سوی ژانرهای دیگر تمایل پیدا می‌کنند.

شما پس از ماهورا که در ژانر دفاع مقدس طبقه‌بندی می‌شود، فیلم «برای مرجان» را ساختید که در گونه سینمایی اجتماعی است. چرا از سینمای دفاع مقدس دور شدید؟

فکر می‌کنم در حق ماهورا خیلی ظلم شد و به جایگاه واقعی‌اش نرسید. مثلاً در جشنواره فجر توجهی به فیلم نشد. حتی گفتند که اگر فیلم را در جشنواره سال بعد شرکت می‌دادید احتمال شانس سیمرغ را داشت. این یعنی اعتراف به این که فیلم دارای قابلیت و جذابیت است. از سوی دیگر، فرصت مناسبی برای اکران به فیلم ماهورا داده نشد و حتی جلوی نمایشش را گرفتند. طبیعی است که در چنین شرایطی فیلم‌ساز دلسرد می‌شود و به سراغ ژانرهای دیگر می‌رود.

قصه‌های بدیع و زوایای دید متفاوت و خلاقانه به تاریخ، آدم‌ها و اتفاقات جنگ یکی از نیازهای سینمای دفاع مقدس به شمار می‌رود. یکی از نقاط قوت و تمایز تنها فیلم بلند دفاع مقدسی شما، در کنار آثار پرتعداد مستندتان در این ژانر، برخورداری از قصه جذاب و نوآورانه است. قصه‌ای عاشقانه که حول و حوش مردمان عشیره‌ای عرب زبان ایرانی مستقر در لب مرز در روزهای ابتدایی جنگ و تجاوز دشمن به کشور شکل گرفته و در چنین شرایطی رخ می‌دهد. چگونه به چنین قصه جذابی رسیدید؟ اصلیت خودم به خوزستان بازمی‌گردد. تقریباً در چنین اتمسفری که از آن یاد کردید بزرگ شده‌ام. البته سن و سالم به حضور مستقیم در جبهه قد نمی‌داد اما شاید بیشتر از مردم مناطق دیگر متأثر از جنگ بوده باشم. همان طور که می‌دانید عمده فعالیت‌های من به عرصه مستند بازمی‌گردد. گاهی که در حال ساخت مستندی بودم، با آدم‌ها و قصه‌هایی روبه‌رو می‌شدم که احساس می‌کردم قابلیت طرح در دامنه وسیع‌تری مثل سینما را دارند و می‌توانند یک فیلم بلند هم باشند. قصه ماهورا هم درست چنین فرآیندی را طی کرد؛ درباره محاصره خرمشهر مستندی می‌ساختم که به قصه ماهورا برخوردیم و احساس کردم بهتر است چنین داستان جذابی در قالب یک فیلم بلند سینمایی روایت شود. نه فقط قصه که حتی کاراکترهای فیلم و فضاهایی که اتفاقات در آن روایت می‌شوند هم جدید و تازه بودند.

چرا با وجود برخورداری از چنین ظرفیت فوق‌العاده و جذابی برخی از همین معدود فیلم‌های ساخته شده در ژانر دفاع مقدس هم به لحاظ موضوع و قصه به تکرار می‌رسند و فاقد جذابیت هستند؟

باید نگاهی جدید به دفاع مقدس داشت. جنگ تحمیلی هنوز هم قصه‌های جذابی دارد که باید آن‌ها را استخراج کرد. برای روایت جنگ باید به سراغ کسانی رفت که به شکل مستقیم با آن درگیر بوده‌اند. در فیلم ماهورا به کسانی پرداختیم که نفس به نفس با جنگ سروکار داشتند، افرادی که خاستگاه و جایی که از آن آمده‌اند هم برای مخاطب جذاب است؛ طایفه عرب‌زبانی که در مناطق مرزی ایران و عراق ساکن هستند اما با شروع جنگ نه تنها برخلاف تصور صدام، به نفع دشمن نمی‌جنگند بلکه از

حمایت نهاد‌های فرهنگی، سینمایی و حتی نظامی ذی ربط از فیلم‌سازان به خصوص جوان فعال در حوزه دفاع مقدس چگونه است؟

اگر بخواهم به طور مشخص درباره فیلم ماهورا صحبت کنم باید بگویم که حمایت نهاد‌های فرهنگی بهتر بود، مثلاً بنیاد فزاری در ساخت فیلم مشارکت کرد و البته در فروش هم شریک شد اما ارگان‌های دیگر همکاری لازم را نکردند. تهیه تجهیزات نظامی واقعاً سخت است و از عهده تهیه‌کننده بر نمی‌آید. باید از سینمای دفاع مقدس حمایت شود. تهیه‌کننده تانک و اسلحه را از کجا تهیه کند؟

چرا آن چنان که باید و شاید این حمایت صورت نمی‌گیرد؟ آیا چنین ارگان‌ها و مسئولانی تمایل ندارند فیلم دفاع مقدسی ساخته شود؟

البته که مایل هستند اما اصرار دارند که پیام و هدف خاص خودشان در محتوای فیلم‌ها گنجانده شود. این مسئولان نگاهی

پیام‌محور را به سینمای دفاع مقدس دارند و معتقد هستند فیلمی که در این ژانر ساخته می‌شود باید از پیام‌های متعددی برخوردار باشد. طبیعتاً اگر کارگردانی حاضر نشود در این چارچوب فیلم بسازد، با نظر مساعد و حمایت‌های لازم مواجه نمی‌شود. از سوی دیگر، حاکم بودن چنین نگاه و گفتمانی باعث شده که بسیاری از فیلم‌ها حتی پیش از دیده شدن مورد حمله و هجمه قرار بگیرند، یعنی فیلمی که هنوز اکران نشده و به نمایش درنیامده، با موجی از مخالفت‌ها و جوآفرینی‌ها مواجه می‌شود. طبیعی است که کار در این شرایط واقعاً سخت می‌شود. کسانی که چنین موج‌های مخربی را ایجاد می‌کنند تلاش دارند تا فیلم در فصل خوبی هم اکران نشود. چگونه می‌توان انتظار داشت فیلمی که در داخل کشور دیده نمی‌شود در سطح بین‌المللی دیده شود؟ من بعد از ماهورا تقریباً دو سال تلاش کردم تا مجوز ساخت یک فیلم دفاع مقدسی دیگر را بگیرم اما موفق نشدم. قصه بسیار جذاب و متفاوتی هم داشت اما مجوز ساخت برایش صادر نشد. عده‌ای دوست ندارند فیلم متفاوت در ژانر دفاع مقدس ساخته شود. اگر کارگردانی هم بخواهد چنین کاری کند آن قدر بر سر راهش سنگ می‌اندازند و به او فشار می‌آورند تا خودش رها کند و کوتاه بیايد.

با وجود همه مشکلاتی که از آن نام بردید آیا همچنان علاقه‌مند هستید که در حوزه فیلم بلند در ژانر دفاع مقدس فعالیت کنید و فیلم بسازید؟

به نظرم پرداختن به دفاع مقدس از جمله ضروریات جامعه است. وظیفه هر فیلم‌سازی است که از دفاع مقدس و آرمان‌هایش سخن بگوید. دفاع مقدس حکم یک گنجینه را دارد و می‌شود تا سال‌های سال درباره آن فیلم‌های جذاب و دیدنی تولید کرد. ای کاش برخی از مسئولان کشور به این مهم واقف شوند و از فیلم‌سازان این حوزه حمایت کنند. ژانر دفاع مقدس واقعاً برای سرپا ماندن به حمایت نیاز دارد. متأسفانه می‌بینیم که از فیلم‌های بی‌مایه و سطحی حمایت بیشتری می‌شود تا آثاری که به دفاع مقدس تعلق دارند. باید سینمای دفاع مقدس را به سمت جهانی شدن پیش ببرد.

چرا روایت‌های جذاب جنگ را در قالب‌های جهانی ارائه ندهیم؟ کشورهای دیگر، تجاوزهای خودشان را یک حماسه جلوه می‌دهند

66

هستند کسانی که اجازه تغییر و تحول را نمی‌دهند.

یک نگاه کلی به دفاع مقدس در مفهومی گسترده حاکم است که تغییر را در این حوزه بر نمی‌تابد و این موضوع به تمامی زیرشاخه‌های جنگ و از جمله هنر و سینما هم تسری پیدا کرده است.

99



شما یکی از مستندسازان با سابقه حوزه دفاع مقدس هستید که جوایز زیادی هم برای آثارتان دریافت کرده‌اید. این سبکه طولانی در مستندسازی چقدر کمک حال تان بوده است؟

تعداد آثار مستند من در حوزه دفاع مقدس از ۱۰۰ فیلم هم بیشتر است. برای تولید این آثار مستند بسیار هم تحقیق کرده‌ام و وقت گذاشته‌ام. حتی چند فیلم بلند مطرح سینمای ایران از جمله «روز سوم» محمدحسین لطیفی از روی مستندهای من ساخته شده است. ساخت این تعداد فیلم مستند باعث شده که از نزدیک با دفاع مقدس و مسائل مربوط به آن آشنا باشم. دفاع مقدس حرف برای گفتن زیاد دارد و پراز قصه‌های ناب و جذاب است، چه در سینمای مستند و چه برای فیلم‌های بلند سینمایی.

و سخن پایانی؟

برای روایت جنگ باید به سراغ مردم رفت. مردم بودند که مستقیم با جنگ درگیر بودند و آن را با پوست و گوشت خود درک کردند. می‌شود در فیلم‌های دفاع مقدس به نقش همین مردم پرداخت و از سیاسی‌کاری پرهیز کرد. این مردم قصه‌های جذابی دارند که می‌توان با بودجه کم و امکانات اندک هم به فیلم تبدیل‌شان کرد. امیدوارم انحصاری که در سینمای دفاع مقدس وجود دارد از بین برود. امیدوارم مسئولان و سازمان‌های متولی به اهمیت سینمای دفاع مقدس پی ببرند و فرصتی را مهیا کنند تا فیلم‌سازان جوان و تازه‌نفس به میدان بیایند و حرف‌های جدیدی در این عرصه بزنند. نامهربانی‌ها و عدم حمایت‌ها باعث دل‌سردی کارگردانان می‌شود و آنها را از فعالیت در ژانر دفاع مقدس منصرف می‌کند. حتی امیدوارم جوانان در جایگاه مدیریتی قرار بگیرند که چرا که حضورشان را برای سینمای دفاع مقدس لازم و مفید می‌دانم.

و مسببان تجاوز را قهرمانان ملی به دنیا معرفی می‌کنند؛ آن وقت مادر نشان دادن حماسه دفاع مقدس در داخل کشور هم ناتوان هستیم دیگر چه برسد در سطح بین‌الملل. باید با تمام ناملایمات و مشکلات در این حوزه ورود کرد و از حماسه دفاع مقدس حرف زد. این سنگ‌اندازی‌ها و نامهربانی‌ها هم نمی‌تواند باعث شود تا از سینمای دفاع مقدس دل بکنیم و جدا شویم. سینمای دفاع مقدس باید جهانی شود و فیلم‌سازان ما ثابت کرده‌اند که این توانایی را دارند، البته به شرطی که از آن‌ها حمایت شود و امکان ساخت فیلم را داشته باشند.

ورای مشکلات مربوط به امکان حضور و فعالیت در ژانر دفاع مقدس، فیلم‌ساختن نیز در این ژانر دشواری‌های خاص خودش را دارد که فقط علاقه‌مندان و دغدغه‌مندان واقعی از پس آن برمی‌آیند و این مشکلات را برمی‌تابند. از این مشکلات بگویید.

فیلم جنگی ساختن کار آسانی نیست، به خصوص اگر قرار باشد فیلم‌برداری در لوکیشن‌های واقعی انجام شود. برای مثال، تصویربرداری بیشتر سکانس‌های فیلم ماهورا در هور و زیر آب صورت گرفت. واقعا کار سختی بود. فیلم‌های این‌چنینی پیش تولید طولانی و سنگینی دارند. به علت طولانی شدن پروژه، گروه معمولاً با گرما و سرمای سختی مواجه می‌شوند و کار واقعاً دشوار می‌شود. ما در ماهورا نزدیک به سه ماه در زمستان تصویربرداری داشتیم. یک روستا را هم به طور کامل بر روی هور بنا کردیم. کار کردن در چنین شرایطی واقعاً نیاز به انگیزه و اراده بالایی دارد. همه این مشکلاتی که درباره‌شان حرف زدم، علاوه بر مسائلی مثل عدم حمایت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و برخورد‌های سلیقه‌ای است که قبلاً به آنها اشاره کردم.



واقعیت مهدی در موقعیت سینما

سینمای دفاع مقدس که ظهور و بروز آن برگرفته از مقاومت ماندگار ملت ایران، فصل نوینی از هنر هفتم را نمایان کرد، در طول حیات خود فراز و فرودهای بسیاری داشته است. این گونه سینمایی که با پیدایش خود، در جایگاه سینمای ملی ایران پس از انقلاب اسلامی قرار گرفت در دهه شصت تا اواسط دهه هفتاد حرف اول را در سینمای تازه متحول شده کشور می زد.



رسول شادمانی

ایستاده در غبار بازیگری در سینما را آغاز کرد، در بدو ورود به دنیای فیلمسازی نیز به سراغ معرفی یکی از فرماندهان شاخص و شهید دفاع مقدس رفته است. شهید مهدی باکری در فیلمی به نام «موقعیت مهدی»، بلاشک، مراتب معنوی و خصوصیات اخلاقی، معرفتی، مدیریتی و روح بلند شهیدان باکری فراتر از قاب و قامت سینماست و آنچه به تصویر درآمده تنها بخشی از ویژگی‌های این والامقامان در فرصت یک فیلم است. حجازی‌فر، اما در همین فرصت و مجال، تصویری باورپذیر و در عین حال شاعرانه از شهیدان باکری ارائه کرده است. فارق از نسخه تلویزیونی و سریال «موقعیت مهدی» که بالطبع فرصت بیشتری برای پرداختن به ظرایف شخصیتی شهیدان باکری خواهد داشت، در نگاه به فیلم به نمایش درآمده در چهلمین جشنواره فیلم فجر باید اذعان کرد که فیلم از پس معرفی این فرماندهان شهید به ویژه شهید مهدی باکری برآمده و موفق عمل کرده است. «موقعیت مهدی» از فیلمنامه‌ای منسجم و دراماتیک برخوردار است که از مقطعی خاص تا لحظه شهادت مهدی باکری مخاطب را با خود همراه می‌کند و در فضای داستان قرار می‌دهد. شخصیت پردازی‌های منطقی و خلق موقعیت‌های بصری، مخاطب را در زمان واقعه قرار می‌دهد. فیلم، اپیزودیک و در شش فصل روایت می‌شود که معتقدم تصمیم درستی برای این گونه فیلمسازی است. اپیزودیک بودن این امکان را به وجود آورده تا مقاطع مختلف زندگی شهیدان باکری بهتر و گویاتر به تصویر درآید. حجازی‌فر در «موقعیت مهدی»، موقعیت‌های مختلفی را ایجاد کرده است که برای شکل گرفتن یک اثر سینمایی ضروری است. او با نگاهی جسورانه به زندگی معمول یک انسان از جنس متعالی، در فیلمش هم خنده ایجاد کرده و هم گریه، هم روح زندگی دارد و هم حماسه و شهادت.

با پایان جنگ و برخی اقدامات جهت تغییر فضای سیاسی به واسطه حاکمیت دولت‌ها به ویژه از نیمه دوم دهه هفتاد، سینمای دفاع مقدس رو به افول رفت. این فرود ناخوشایند زمانی رخ داد که اتفاقاً نیاز مبرم به تشریح وقایع و معرفی قهرمانان شاخص دوران دفاع مقدس برای ثبت در تاریخ فرهنگ و هنر سرزمین مان و نیز حفظ و ترویج دستاوردهای گرانسنگ دوران حماسه و معرفی حماسه‌سازان داشتیم. این اتفاق دلایل عدیده‌ای دارد که در این مجال و مقال نمی‌گنجد و لاجرم از آن گذرمی‌کنم.

در این گذر، اما و در غربت غمبار سینمای دفاع مقدس و در میان تولیدات بی‌جان و کم‌رمق که گاه حتی با اهمال‌کاری و بی‌دانشی و بعضاً در پی مقاصد خودخواهانه و بی‌خردانه برخی مسئولان و دست‌اندرکاران امر آثار ضعیفی تولید شد که وقایع دوران دفاع مقدس و قهرمانان آن را فرسنگ‌ها دورتر از آنچه در واقع بودند به تصویر کشید، فیلم‌هایی تولید شدند که بارقه‌ای از امید را در احیاء سینمایی دفاع مقدس نوید می‌داد. از کرخه تاراین، مزرعه پدری، روز سوم، اتوبوس شب، و حتی این اواخر ایستاده در غبار، تنگه ابوقریب و اخراجی‌ها از جمله این فیلم‌های انگشت شمار بودند.

در دنیای امروز که جهان در پی تهی شدن و بی‌هویتی انسان معاصر به دنبال قهرمان پروری و قهرمان‌سازی است، قهرمانان بی‌بدیل سرزمین من در پی غروب هنر و خاصه سینما به فراموشی سپرده می‌شوند! و غم‌انگیزتر آن که حتی فرزندان سینماگران شاخص دفاع مقدس نیز که این روزها قدم به عرصه فیلمسازی گذاشته‌اند تمایلی به ادامه مسیر پدر ندارند و از پرداختن به مضامین دفاع مقدس پرهیز کرده و سینما را در مسیر دیگری یافته‌اند؛ و اینجاست که جرأت و جسارت «هادی حجازی‌فر» نمود می‌یابد و بارقه‌ای دیگر از امید در سینمای دفاع مقدس جاری می‌شود. حجازی‌فر که با ایفای نقش جاوید الاثر احمد متوسلیان در فیلم



است می‌توانست برای ورود به دنیای کارگردانی سوژه‌ی دیگری را انتخاب کند که با کمترین حاشیه بیشترین سوت و کف و دست‌راز مخاطب بگیرد، اما او جسورانه به سراغ موضوعی رفته که برگرفته از باور و اعتقادش است. حواسمان باشد؛ گاه برخی رفتارها موجب فرصت‌سوزی و تغییر مواضع هنرمندان می‌شود که از قضا مسبوق به سابقه نیز هست. سینمای دفاع مقدس برای بقا و اثربخشی نیاز به حمایت و درایت دارد.

استفاده از زبان آذری و بهره‌مندی از موسیقی محلی، به لطافت فیلم افزوده است. در این روند طراحی خوب صحنه و لباس و فیلمبرداری و قاب‌بندی‌های منطقی کمک شایانی به انسجام فیلم کرده است. به رسم معمول تمام تولیدات سینمایی، عده‌ای موافق فیلم و عملکرد فیلمساز نخواهند بود که در این میان برخی مسئولان امر نیز قرار دارند. نکته اینجاست؛ حجازی‌فر که پیش از این حضوری موفق در سینما و تلویزیون در عرصه بازیگری داشته



جنگِ روایت‌ها

چیستی، چرایی و چگونگی «جهاد تبیین»
بر اساس بیانات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

«شمار روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه‌ی دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید آن هم ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند.» ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

این جملات رهبر انقلاب خطاب به جوانان در دیدار با خانواده‌ی شهدای سلامت در واقع طرح یک مسئولیت و تکلیف مهم بود. ایشان در همین سخنرانی با اشاره به مجاهدت‌های حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) بار دیگر موضوع «جهاد تبیین» را مورد تأکید قرار دادند: «این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند.» ۱۴۰۰/۰۹/۲۱



مهران کریمی

ایران؛ مرکز فرماندهی ملت‌ها در جنگ اراده‌ها

حقیقت این است که امروز «در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست. ایران در کجای این جنگ است؟ ایران در جبهه‌ای از این جنگ در مرکز فرماندهی قرار دارد که افراد آن جبهه را ملتها تشکیل می‌دهند... اتاق فرماندهی این طرف این جبهه، ایران است؛ ایران حزب‌اللهی پُراز عزم و همت.»

۱۳۸۶/۰۲/۲۱ دشمن در عرصه‌های گوناگون درگیری با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی شکست خورده: «ما در جنگ فرهنگی بر دشمن پیروز شدیم. در جنگ نظامی هم ما پیروز شدیم. در جنگ امنیتی، سیاسی هم ما پیروز شدیم. جنگ امنیتی، سیاسی شان سال ۸۸ و حوادث سال ۸۸ بود.» ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ بنا بر این جنگ را به عرصه و صحنه‌ی دیگری کشانده است: «امروز جنگ ما کجا است؟... آن جنگ، جنگ رسانه‌ای، جنگ فضا سازی عمومی، جنگ تبلیغاتی است؛ خیلی مهم است. بله، از قبل هم این وجود داشته، علیه ما تبلیغات، همیشه زیاد بوده؛ امروز وضعیت، شدت بیشتری پیدا کرده است.» ۱۳۹۷/۰۶/۱۵ «امروز بیشترین تحرک دشمنان ما علیه ما بیش از تحرکات امنیتی و اقتصادی، تحرکات تبلیغاتی و جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای است؛ برای اینکه بر افکار عمومی مردم مسلط بشوند مبالغه‌هنگفت هزینه می‌کنند، کارهای بسیار انجام می‌دهند؛ فکرهای بسیاری را در مجموعه‌های فکری برای این کار استخدام می‌کنند تا بتوانند با جنگ روانی، با تبلیغات گوناگون، افکار عمومی کشورها را -از جمله بیشتر از همه امروز کشور ما را که هدف سوءتثبیت قدرتهای بزرگ است- قبضه کنند و در اختیار بگیرند. وقتی افکار عمومی یک ملت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت.» ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

هدف دشمن؛ تحریف حقایق و تضعیف امید و اراده

در این صحنه «دشمن دو هدف را در جنگ نرم دنبال می‌کند... یکی این است که این زنجیره‌ی تواسی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد.» ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ هدف گرفتن جریان تواسی در جامعه‌ی اسلامی به این دلیل است که اگر «مردم یکدیگر را تواسی کنند؛ این زنجیره‌ی تواسی و توصیه کردن

به یکدیگر [برقرار باشد]... این، همه رانگه می‌دارد. اگر چنانچه تواسی به صبر و تواسی به حق و بصیرت در جامعه وجود داشته باشد، این جامعه به آسانی دستخوش تحرکات دشمن نخواهد شد؛ اما اگر چنانچه این جریان تواسی که زنجیره‌ی محافظت مؤمنان است، قطع بشود قطعاً خسارت خواهد رسید... این موجب می‌شود که انسان‌ها احساس تنهایی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کم‌رنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود. وقتی تواسی نبود، این اتفاقات می‌افتد؛ و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم‌رنگ شد و جرئت‌ها کم‌رنگ شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهرأ هدفهای عالی و متعالی بتدریج از دسترس دور می‌شود و کم‌رنگ می‌شود و دست نیافتنی به نظر می‌رسد و به دست فراموشی سپرده می‌شود.» ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

اما هدف‌گذاری و اقدام دوم دشمن ناظر به «تحریف حقایق» است: «کار دوشمنان هم وارونه‌نمایی حقیقت است، دروغ‌گویی در باب حقیقت. این قدر هم با جرئت و قاطعیت این دروغ را می‌گویند که هر کسی گوش کند، خیال می‌کند که این راست می‌گوید. خیلی خونسرد و محکم و قاطع حقیقت را ۱۸۰ درجه وارونه نشان می‌دهند.» ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ «تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیات؛ چه واقعیات کشور ما، چه واقعیات مرتبط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام می‌دهند.» ۱۳۹۹/۰۵/۱۰ دشمن در این جنگ شناختی و تبلیغاتی به دنبال تضعیف روحیه و امید مردم است: «هدف از این تحریف... یکی، ضربه به روحیه‌ی مردم است.» ۱۳۹۹/۰۵/۱۰ «این مسئله، مسئله‌ی مهمی است؛ بسیار مسئله‌ی حساسی است؛ اینکه فضای تبلیغاتی کشور، فضایی باشد که مردم را، یا دچار اضطراب کند، یا دچار یأس و ناامیدی کند، یا دچار بدبینی کند -نسبت به یکدیگر و نسبت به دستگاه‌ها- یا احساس بُن‌بست به مردم بدهد.» ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

راهبرد دشمن؛ تصویرسازی غلط از واقعیات

در صحنه‌ی این جنگ، «تصویرسازی غلط از واقعیات» راهبرد اصلی دشمن است: «با آن امکانات وسیع، مهم‌ترین کاری که دشمن می‌خواهد بکند تصویرسازی غلط از وضع کشور است؛ نه فقط برای اغوای افکار عمومی دنیا بلکه حتی برای اغوای افکار عمومی داخل خود کشور؛ حتی داخل خود کشور! یعنی حرف می‌زنند

کلیدی ترین جهاد جوانان؛ بازنمایی واقعیت های امید بخش

اما در سوی مقابل در میدان «جهاد تبیین» وظایف مهمی برعهده ی جوانان و افسران جنگ نرم است. «امیدآفرینی» و غلبه بر توطئه ی یأس پراکنی دشمن از اولویت های اصلی در این جهاد است: «یک کلید اصلی وجود دارد و آن امید دادن و اطمینان دادن به مردم است... کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان بدهید. اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است. آن چیزی که جنگنده را، رزمنده را در جبهه نگه می دارد، امید است. باید امید داشته باشد، بداند که می تواند به پیروزی برسد. این امید را باید زنده نگه داشت. عامل اصلی پیروزی، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست. این امید را باید در مردم تقویت کرد.» ۱۳۸۹/۰۶/۲۵ در چنین شرایطی «همدیگر را باید وصیت کنیم، توصیه کنیم به صبر، به ایستادگی، به پیروی از حق؛ همدیگر را نگه داریم.» و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض؛ «اولیاء یعنی پیوسته ها؛ به همدیگر پیوستند. این وظیفه ی ماست.» ۱۳۸۹/۰۶/۲۵ و در اینجا است که مسئولیت های مهمی پیش روی جوانان و «افسران جنگ نرم» قرار می گیرد. در چنین چارچوبی، امیدآفرینی «نخستین و ریشه ای ترین جهاد جوانان در گام دوم انقلاب» ۱۳۹۲/۱۱/۲۲ است و البته این امید، «امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است.» ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ امروز واقعیت های عینی ایران اسلامی در درون خود پیام امید و امیدواری را به همراه دارد به شرط آنکه این واقعیت ها به شکل صادقانه و هنرمندانه به مردم منتقل شود: «واقعیت دیگر [این است که] کشور ما دارای ظرفیتهای بسیاری است که کمتر کشوری در دنیا پیدا می شود که این همه ظرفیت داشته باشد؛ هم ظرفیت جغرافیایی، هم ظرفیت اقلیمی، هم ظرفیت نیروی انسانی، هم ظرفیت منابع زیرزمینی، هم ظرفیت امکانات روی زمین. ظرفیت های این کشور که برای اقتصاد کشور و پیشرفت کشور فوق العاده مهمند بسیار زیادند... ثالثاً ظرفیت بالفعل کشور، شما جوانهای مؤمن هستید؛ این تصویر واقعی است. جوان های مؤمن در کشور که هم توانایی دفاعی دارند، هم توانایی علمی دارند، هم توانایی در زمینه ی مسائل فرهنگی دارند، هم توانایی در زمینه ی مسائل اجتماعی دارند و در بسیاری از صحنه ها این

برای اینکه بنده و جنابعالی که خودمان در این فضا داریم تنفس می کنیم، چیز دیگری فرض کنیم غیر از آن واقعیتی که وجود دارد.» ۱۳۹۷/۰۷/۲۵ و ابزار مهم این جنگ رسانه خصوصاً رسانه های نوپیدا است: «اینکه شما فهم درستی از واقعیتهای کشورتان داشته باشید، به ضرر آنها است؛ با این مخالفند، با این مبارزه می کنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، بخصوص رسانه هایی که امروز نوپیدا است. با تصویرسازی غلط سعی می کنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره ی ایران، هم تصویر غلط درباره ی خودشان، هم تصویر غلط درباره ی اوضاع منطقه.» ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

برای تصویرسازی غلط از وضعیت کشور «توپخانه ی رسانه ای» دشمن با تمام قوا فعال است: «هزاران توپخانه - توپخانه ی دروغ پردازی، توپخانه ی بزرگ نمایی مشکلات - به سمت این ملت از راه هایی که امروز وجود دارد و دیروز وجود نداشت، مشغول شلیکند. ما در مورد فضای مجازی این را می گوئیم؛ می گوئیم مواظب شلیک توپخانه ی دشمن باشید در این فضا؛ حواستان باشد. از این فضا، دشمن علیه هویت شما، موجودیت شما، نظام شما، انقلاب شما استفاده نکند. آمارهای بی پایه می دهند، دروغ می گویند، نسبت دروغ می دهند، چهره های مورد قبول مردم را - که باید مردم به اینها اعتقاد داشته باشند - تخریب می کنند، موفقیت های انقلاب را کتمان می کنند، دروغ انگاری می کنند؛ ناموفقیت ها را، ضعف ها را، کاستی ها را اگر یکی است هزار تا جلوه می دهند، اگر یک جا است به همه جا تعمیم می دهند.» ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

امروز دشمن «امید و ایمان مردم» را هدف گرفته است: «می خواهد این ایمان را از بین ببرد. حالا اگر در طبقات سنین بالا نتوانست، [می خواهد] این اعتقاد را در جوان و نوجوان و نسل نواز بین ببرد که دیگر مردم پشت سر این انقلاب و این نظام نایستند؛ هدفش این است. اینکه مردم را ناامید کنند، مردم را بدبین کنند، اعتماد به نفس مردم را بگیرند، آینده را تاریک نشان بدهند.» ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ و «در داخل هم گروهی همین کار دشمن را دارند انجام می دهند؛ حالا بعضی ها می فهمند که چه کار دارند می کنند، بعضی ها نمی فهمند و می کنند؛ درست همان کار دشمن [است]؛ ناامید کردن مردم، متهم کردن این و آن، دروغهای شاخدار دشمن ساز را به جای راست و انمود کردن و قلمداد کردن در ذهن مردم.» ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

توانایی‌ها برروز کرده است؛ این یک تصویر واقعی از این کشور است. ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

حقیقت ماجرا این است که «کشور در حال پیشرفت است، انقلاب و مبانی انقلابی در حال پیشرفت است. بله، حرف ضد انقلابی از دهان خارج می‌شود، مطالبی گفته می‌شود اما آنچه در واقع قضیه وجود دارد عبارت است از اینکه کشور دارد به سمت مفاهیم انقلابی و آرمانهای انقلابی و حقایق انقلابی حرکت می‌کند... کشور در حال پیشرفت است؛ ما در زمینه‌های گوناگون پیشرفت داریم؛ در زمینه علمی پیشرفت داریم، در زمینه صنعتی پیشرفت داریم، در زمینه عزت سیاسی پیشرفت داریم، در زمینه رشد فکری پیشرفت داریم، در زمینه‌های معنوی پیشرفت داریم... انسان واقعاً حیرت می‌کند از این پیشرفت، از این حرکت رو به جلو. اینها را ما چرا نباید ملاحظه کنیم، چرا نباید ببینیم؟ اینها دیده بشود، تحلیل بشود و گفته بشود». ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

مثل چراغ...

بنابراین در میدان «جهاد تبیین و روایت» باید با تمام توان وارد شد: «شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند... این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه‌ی جوانهای ما است». ۱۴۰۰/۰۹/۲۱
باید واقعیت‌ها را درست و دقیق شناخت و بازنمایی کرد و اجازه‌ی تصویرسازی غلط و تحریف حقایق را به دشمن نداد. در این زمینه «یکی از کارهایی که در باب تبلیغات باید انجام داد، پاسخگویی به شبهات پرتاب شده‌ی در میان مردم است... دشمن به طور دائم دارد شبهه ایجاد می‌کند؛ شبهات متراکم پشت سر هم! باید این گره‌ها را باز کرد، این شبهه‌ها را باید برطرف کرد، ذهنها را بایستی فارغ کرد، آسوده کرد. نباید جوان ما احساس گیجی و حیرت بکند؛ یکی از این طرف، یکی از آن طرف؛ دائم شبهه درست کن، دائم اشکال درست کن! باید جوان را کمک کرد؛ ذهنها را باید کمک کرد». ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

براین اساس، مطالبه‌ی مهم رهبر انقلاب از جوانان این است که: «به مسئله‌ی «تبیین» اهمیتی بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار

عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است. هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید». ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

در این زمینه «فضای مجازی» فرصت و ابزار مهمی برای نقش آفرینی مجاهدانه و روایت واقعیت‌های انقلاب و کشور است: «امروز فضای مجازی یک فرصتی است برای این کار. حالا دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده می‌کنند اما شما جوانهای عزیز این جوری از آن استفاده کنید: از فضای مجازی استفاده کنید برای امیدآفرینی، برای توصیه‌ی به صبر، برای توصیه‌ی به حق، برای بصیرت آفرینی، برای توصیه‌ی به خسته نشدن، تبلی نکردن، بیکاره نماندن و مانند اینها». ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

قطعا پیروزی

عرصه، عرصه‌ی «نبرد اراده‌ها» و جنگ، «جنگ روایت» هاست: «در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است». ۱۳۹۵/۰۳/۰۳
نکته‌ی پایانی اینکه اگر در میدان جهاد تبیین هم جدی و مومنانه «مثلی آوینی» وارد مبارزه شویم قطعاً پیروزی با جبهه‌ی حق است: «دشمن تحرکی می‌کند و ما قطعاً دشمن را در این مرحله و در همه‌ی مراحل بعدی به توفیق الهی شکست می‌دهیم. وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. اگر دشمن کافر با شما مواجه بشود، حتماً مجبور به عقب‌نشینی است؛ البته وقتی شما می‌جنگید، وقتی که شما مبارزه می‌کنید؛ اگر! بنشینید و بیکار بمانید نه؛ اما وقتی که داریم حرکت می‌کنیم، داریم کار می‌کنیم، حتماً دشمن شکست می‌خورد». ۱۳۹۷/۰۶/۱۵



آنچه باید بماند

نقش روایت‌ها و اسناد در جلوگیری از تحریف واقعیت‌های دفاع مقدس

هستند. از افراد تفنگدار عادی (سرباز- بسیجی) که به عنوان سرپنجه‌های عملیات به شمار می‌روند تا یگان‌های مختلف و متعدد پشتیبانی در این تقسیم‌بندی وجود دارند.

یکی از مأموریت‌های مهم در حوزه اسناد و مدارک، تاریخ شفاهی است. رزمندگانی که در دوران دفاع مقدس حضور داشته و وقایع آن دوران را با چشم خود دیده و لمس کرده‌اند؛ بیان وقایع آن دوران توسط آن‌ها باید تبدیل به سند و ثبت و ضبط شود.

بر این اساس هر رویدادی که بخواهد در تاریخ ثبت و ضبط شود و برای آیندگان ماندگار بماند باید دارای دلیل و مدرک باشد. مصاحبه‌ها، دست‌نوشته‌ها و هرگونه آثار به جامانده از رزمندگان در دوران دفاع مقدس می‌تواند این حقیقت را آشکار کند که چگونه ملتی بادیست‌خالی در مقابل دشمنان متحد مقاومت کرد و بعد از هشت سال مقاومت و ایثار به پیروزی رسید. این اسناد می‌توانند پاسخگوی بسیاری از سؤالات و بیانگر واقعیت‌های آن دوران برای نسل حال و آینده و امیدبخش و غرورآفرین برای نسل‌های بعد باشند.

پژوهش و نگارش در زمینه تاریخ هشت دفاع مقدس مبتنی بر دو محور و عامل کلی است که هر یک از آن عوامل به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شوند. دو عامل اساسی در این

زمینه عبارت از: اسناد مکتوب و روایت فرماندهان و رزمندگان. به طور اساسی هر رویداد عملیاتی از چند عامل تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از:

طراحان عملیات فرماندهان مجریان

طراحان عملیات ممکن است شامل فرماندهان باشند و یا ممکن است فقط نقش نظارتی در آن داشته باشند. فرماندهان در اجرای عملیات به رده‌های مختلف از فرمانده کلی عملیات تا فرمانده کوچک‌ترین واحد عملیاتی تقسیم می‌شوند. مجریان نیز شامل رده‌های مختلف نیروی انسانی و سازمانی



احمد حسینی

در این زمینه متولیان سازمان‌های فرهنگی نیروهای مسلح باید نهایت تلاش خود را صرف جمع‌آوری اسناد و مدارک لازم از رزمندگان نمایند. باید به مصاحبه و جمع‌آوری خاطرات گوناگون آنان در جنبه‌های مختلف عملیاتی همت گمارند.

تعدادی از رزمندگان دفاع مقدس در قید حیات نیستند، بنابراین برای حفظ رویدادهای مختلف جنگ و برای حفظ یاد و خاطرات دفاع مقدس باید از فرصت استفاده کرد نسبت به جمع‌آوری اطلاعات از آنان مبادرت ورزید.

اهمیت اسناد دفاع مقدس سال‌های بعد مشخص می‌شود، زمانی که هیچ‌یک از این عزیزان در قید حیات نباشند. حتی یک مطلب و دست‌نوشته هم مهم و ارزشمند می‌شود و آن را باید در لایه لای آثار، کتاب‌ها و اسناد جمع‌آوری شده جستجو کنیم. حفظ، نگهداری و ساماندهی اسناد در حفظ آثار دفاع مقدس لازم و مؤثر است.

ویژگی پژوهش جامع

از سوی دیگران پژوهشگران نقش مهمی در ثبت این رویدادها دارند. پژوهش‌های علمی درباره موضوعات متنوع جنگ مانع از تحریف تاریخ جنگ خواهد شد. ادبیات جنگ که نمایشگر روح حماسی یک ملت مقاوم در صحنه جنگ است و فرهنگ ایستادگی را به نسل‌های آتی منتقل خواهد کرد برای غنای خود نیازمند تحقیق و پژوهش پژوهشگران است.

هر چه پژوهشگر درباره موضوعات و ابعاد گوناگون جنگ واقعی‌تر و علمی‌تر تحقیق و بررسی کند، ادبیات جنگ به همان میزان رشد یافته‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود. امروزه فاصله زیاد و معناداری بین کارهای پژوهشی و غیرپژوهشی در حوزه دفاع مقدس ملاحظه می‌شود. این فاصله و خلأ با برنامه‌ریزی، ایجاد انگیزه در پژوهشگران و مراکز پژوهشی و با اهمیت دادن به امر پژوهش باید پر شود. ادبیات جنگ باید بر پایه تحقیق و پژوهش بناگذاری شود.

دفاع مقدس و مقاومت به عنوان یک تجربه گران‌بها و واقعی در تاریخ نه‌چندان دور این کشور، دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است که مایه برون‌رفت جامعه از مشکلات خواهد بود. دفاع مقدس پیام‌های روشنی برای اداره و مدیریت جهادی جامعه در عرصه‌های گوناگون دارد. این پیام‌ها از خلال پژوهش‌هایی

که انجام می‌شود قابل‌فراگیری و دسترسی است. پژوهش و تحقیق یعنی برخورد واقعی و منطقی با حوادث و رویدادهای تلخ و شیرین جنگ به منظور درس‌آموزی از آن است. بازتاب خاطرات برخورد احساسی و عاطفی با جنگ است که در جایگاه خود لازم و ضروری است اما برای بهره‌مندی جامع از معارف جنگ، به پژوهش و تحقیق در ابعاد گوناگون جنگ نیاز است. رهبر معظم انقلاب با اعتقاد راسخی که به حقانیت دفاع مقدس و مقاومت دارند، بارها در مناسبت‌های مختلف فرموده‌اند که «سالیان سال باید درباره دفاع مقدس نوشته شود و محصولات فرهنگی از جمله فیلم و... تولید شود. لازمه استمرار در نوشتن درباره موضوعات دفاع مقدس و مقاومت و تولید محصولات فرهنگی تأثیرگذار که انعکاس بین‌المللی هم داشته باشد، این است که پژوهشگران، محققان و مراکز پژوهشی با جدیت تمام به میدان بیایند و با ارائه کارهای پژوهشی دستان نویسندگان و هنرمندان را پر کنند. بی‌شک حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران و مراکز پژوهشی شرط لازم و کافی تولید پژوهش‌های فاخر است.»

سازمان‌های مسئول جمع‌آوری اسناد و معارف جنگ همراه با پژوهشگران در پرتو به‌اندیشی می‌توانند اولویت‌ها را مشخص و ایده‌هایی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند را در دستور کار پژوهش قرار دهند. بدیهی است سهم آثار پژوهشی در مجموعه آثار دفاع مقدس اندک است. بنابراین باید تعامل و همکاری قابل‌قبولی بین مراکز مسئول فرهنگی نظامی و پژوهشگران برقرار شود تا ضمن ایجاد تحرک و پویایی بیشتر، نواقص و محورهای کمتر پژوهش شده، جبران شود. این ارتباط (بین پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی)، بدون تردید در حوزه دفاع مقدس، می‌تواند بخشی از اهداف وقایع‌نگاری همه‌جانبه تاریخ جنگ تحمیلی محقق نماید. پژوهش جامع قادر است به بسیاری از سؤالاتی که پیرامون دفاع مقدس وجود دارد پاسخ دهد، کمبودها را رفع و به نگرش و اندیشه به همه ابعاد دفاع مقدس، وسعت بدهد. تا مادامی که پژوهشگر تنگ‌نظر باشد و تک‌بعدی فکر کند نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. بر این اساس در این حوزه باید از افراد کارشناس بهره برد. به‌کارگیری پژوهشگران و نویسندگانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند، دستاورد ضعیفی به همراه خواهد داشت که گاهی سبب بدبینی مخاطبان و یا عموم مردم واقع می‌شود.

گفتمان



۵۹

ستیز با غرب زدگی



۵۶

آمریکا؛ بن بست یا بحران؟!



۶۵

اختلال



۶۲

وحدت جوامع در اسلام

آمریکا بن بست یا بحران؟!!

کلمه بحران ورکود اقتصادی در آمریکا، به یکی از پرکارترین واژه‌های مورد استفاده در موتورهای جستجوگر اینترنتی تبدیل شده است. آنچه سبب شده تا همگان اقتصاد ایالات متحده را به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان گرفتار رکود و بحرانی سخت بدانند، تجربه بحران‌های گذشته و سرنوشت عبرت انگیز لیبرال سرمایه داری غرب است.



بابک اسماعیلی

تکرار می شود، گویای این واقعیت است که تجربه عملیاتی ایدئولوژی «لیبرال دموکراسی» و «لیبرال سرمایه داری غرب» نشان داده است که این مکتب، تنها نماینده حقوق و منافع سرمایه داران است و نه توده مردم. برخلاف نظریه فوکویاما، اصولا این نظام هیچ گونه اعتقادی به تامین آزادی و رفاه برای مردم ندارد و تنها هنگامی که منافع سرمایه داران و صاحبان کمپانی ها و کارتل های بزرگ اقتضا کند، براساس ضرورت به تحقق دو مقوله «آزادی» و «رفاه مادی» در جامعه اهمیت می دهد. بنابراین عدم توانایی لیبرال سرمایه داری غرب در پاسخگویی به نیازهای اساسی بشر و مهار بحران های لجام گسیخته خود به تنهایی تامین نا کارآمدی این نظریه است که طرح استعماری لیبرالیسم برای پایان تاریخ بشریت و لزوم رهبری آمریکا بر جهان را با چالشی جدی مواجه ساخته است.

۲- دومین دلیل بیماری مزمن جامعه آمریکایی که با واکاوی به جرات می توان نامی فراتر از بحران بر آن نهاد و به نوعی آمریکا را اسیرین یک بست دانست، هزینه بردن استعمار برای این کشور است. اولتیماتوم ایالات متحده در ۲۸ آوریل ۱۸۹۸ میلادی به دولت اسپانیا و پنج روز پس از آن، اعلام جنگ کنگره آمریکا به این کشور، برای بسیاری از اروپاییان به مفهوم ورود هیجان انگیز آمریکا با ۷۴ میلیون سکنه خود در کشمکش های جهانی و سرآغاز يك امپریالیسم تجاوزکارانه مرکانتالیستی بود. پس از آن تا به امروز جهانیان شاهد دخالت های ایالات متحده به مدد قدرت اقتصادی خود و با حس برتری جویی آشکارش در امور تصمیم گیری برای جهانیان بودند.

این عملکرد استعماری دولت آمریکا که می توان آن را به نوعی «دیکتاتوری بورژوازی» خواند، در راستای تامین منافع اقتصادی این کشور ارزیابی می شود. سخنان نیکسون یکی از رؤسای جمهوری پیشین آمریکا در خلال جنگ خلیج فارس خود گویای این واقعیت است. وی روز ۷ ژانویه ۱۹۹۱ در گفتگو با روزنامه «نیویورک تایمز» می گوید: «ما برای دفاع از دموکراسی به کویت نرفته ایم؛ ما برای سرکوبی يك دیکتاتور به کویت نرفته ایم؛ ما برای دفاع از تساوی بین المللی هم به کویت نرفته ایم. ما به این دلیل به آنجا رفته ایم که به هیچ کس اجازه ندهیم به منافع اقتصادی حیاتی ما لطمه بزند.»

آنچه سبب می شود تا نتوان وضعیت موجود ایالات متحده را با رکودهای پیشین مقایسه نمود و ادعا کرد این کشور با معضلی فراتر از يك بحران مقطعی روبروست، می توان در موارد زیر دانست:

۱- مقایسه سخنان اخیر و گذشته «فرانسیس فوکویاما» استاد اقتصاد سیاسی بین الملل دانشگاه John Hopkins یکی از تئوریسین های جریان نومحافظه کار آمریکا (استراتژیست ارشد بنگاه RAND) که با مطرح ساختن تئوری پایان تاریخ در سال ۱۹۸۹ مورد توجه قرار گرفت، بسیار قابل تأمل است. فوکویاما در سال ۱۹۹۲ در کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» (The End of the History and the last man) سرمستانه پیروزی لیبرال سرمایه داری را آینده محتوم بشری خواند. به نظری لیبرالیسم پیرو شد چون توانست «آزادی» و «رفاه مادی» را به عنوان دو نیاز بنیادی که انسان در طول تاریخ، بی توجه به زمان و مکان، در جستجوی دستیابی به آن بود، در اختیار بشریت قرار دهد.

به اعتقاد این استراتژیست نومحافظه کار، تمدن کنونی غرب در شکل لیبرال دموکراسی و با ارزش های «فردگرایی افراطی»، «بازار آزاد» و «حقوق بشر جهان شمول» آخرین مرحله تکامل بشری است.

سونامی اقتصادی آمریکا به دلیل پیوند ماهیتی اقتصاد غرب با آمریکا به سرعت تمام کشورهای غربی را تحت تاثیر قرار داد، «فرانسیس فوکویاما» بار دیگر چهره ای خبرساز شد. وی طی مصاحبه مفصلی با نشریه آمریکایی News Week در اکتبر سال ۲۰۰۸ میلادی، در عقب نشینی آشکار، با اعتراف به از دست دادن رهبر اقتصاد جهانی توسط آمریکا و زیر سؤال بردن الگوی آمریکایی گفت: «بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷) وقتی دنیا دوران رشد بی سابقه ای را تجربه می کرد، نادیده گرفتن سوسیالیست های اروپایی و پوپولیست های آمریکای لاتین که الگوی اقتصادی آمریکا را محکوم و آن را سرمایه داری کابویی می خواندند، کار آسانی بود. اما اکنون واکن رشد اقتصاد آمریکا از ریل خارج شده و همه دنیا را به دنبال خود به خطر انداخته است. از آن بدتر اینکه اکنون متهم اصلی، الگوی آمریکایی است.»

این اعترافات تاریخی استراتژیست های آمریکایی که در روزهای اخیر در محافل آکادمیک و ژورنالیستی غرب و شرق بارها و بارها

ملزومات مورد نیاز افراد درگیر در جنگ را تأمین و برای میلیون ها آمریکایی بیکار شغل ایجاد کند و بدین ترتیب آمریکا با وارد شدن هوشیارانه در جنگ و هدایت آن به مقصدی روشن، جانی تازه در اقتصاد در حال مرگ خود دمید.

در رکود سال های ۱۹۷۰ نیز جنگ و به بیانی تجاوز نظامی آمریکا به ویتنام و قتل و کشتار انسان های بی گناه، نجات دهنده اقتصاد آمریکا بود. در جولای سال ۱۹۹۰ بار دیگر آمریکا اسیر بحران و رکودی دیگر شد که این بار نیز جنگ خلیج فارس و حمله به عراق، منجی خارج شدن این کشور از بحران و رکود می شود. حمله نظامی به افغانستان و عراق نیز در سال های گذشته در راستای خروج این کشور از بحران های سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میلادی ارزیابی می شود. اما در وضعیت کنونی دیگر چنین شرایطی متصور نیست. آمریکا پس از تجاوز به افغانستان و عراق در باتلاق سیاسی - اقتصادی زمین گیر شده است که دیگر به او امکان لشکرکشی ماجراجویانه و البته هدفمند را نمی دهند.

امروزه با موج بیداری که در کشورها و مناطق مختلف جهان رخ داده است و همانگونه که شاهدیم مناطق آمریکای لاتین، خاورمیانه و خاور دور را از حیط خلوت، پایگاه استراتژیک و مناطق تحت نفوذ به پایگاهی برای مبارزه با تفکر آمریکایی تبدیل کرده است، دیگر نه تنها استعمار برای آمریکا سودآور و حیاتی نیست، بلکه پرهزینه، زیان بار و کشنده شده است. هزینه سنگین چند صد میلیون دلاری این کشور در انتخابات اخیر لبنان و جمهوری اسلامی ایران و مختصر منافعی که به دست آورده است خود گویای این واقعیت است که دیگر نه تنها منافع این کشور از طریق استعمار تأمین نمی شود، بلکه آنچه به دست می آورد در مقابل آنچه هزینه کرده، بسیار ناچیز است. این امر، موضوع تأثیرگذاری است که در آینده سیاسی و اقتصادی کاخ سفید نقشی اساسی ایفا خواهد کرد.

باید منتظر ماند و پایان را دید. پایانی که هر چند نمی توان آن را به طور دقیق پیش بینی کرد، اما می توان متصور بود که پایان داستان، این بار خروج آمریکا از این بحران که شباهتی ناگزیر به بن بست پیدا کرده است نخواهد بود. شاید تولید آمریکاهای جدید باشد که دیگر شباهتی ماهیتی به ایالات متحده نداشته باشند، باید منتظر ماند و دید.



دولت آمریکا در طول سال های متمادی، با ارائه مدلی مبتنی بر مؤلفه هایی چون فردگرایی، اومانیسم و انسان محوری، سکولاریسم و جدایی دین از شئون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشر و آزادی اقتصادی با نفوذ معنادار در ارکان اقتصادی و سیاسی جوامع هدف، آنان را به مثابه ذخایری استراتژیک برای حیات نامشروع سیاسی خود به کار گرفته است. اما با رکود فراگیری که اقتصاد آمریکا را در بر گرفته، این جریان روندی معکوس یافته است. بررسی تاریخ یکصد ساله ایالات متحده نشان می دهد که آنچه سبب شد تا آمریکا از بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ خارج شود و اقتصاد این کشور را که با حذف ۱۵ میلیون فرصت شغلی مواجه بود نجات دهد، آغاز جنگ دوم جهانی بود. با آغاز این جنگ خانمان سوز، ایالات متحده تأمین سلاح مورد نیاز تمام کشورهای درگیر در جنگ را به طور مستقیم و غیر مستقیم برعهده گرفت و در این میان بیشترین سهم را به کشور مهاجم یعنی آلمان نازی اختصاص داد. در این دوران بسیاری از کارخانه های تعطیل شده در آمریکا دوباره راه اندازی و در مدار تولید قرار گرفت تا مواد غذایی و پوشاک و سایر



ستیز با غرب زدگی

مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که ماهیت فرهنگی غرب را نشان می‌دهد

به نظر می‌رسد، در حال حاضر، بیشتر غربی‌ها و به تبع آنها نظریه پردازان غیر غربی، مایلند این چارچوب که «هر انسانی دارای فرهنگ است» یا وجه تمایز انسان و حیوان را که فرهنگ می‌باشد، بپذیرند؛ ولی سخنی از فرهیختگی و فرزاندگی انسان در میان نیست. از این منظر لازم است در درجه نخست غرب را فرهنگی بدانیم، چون عوامل اقتصادی، سیاسی و حتی جغرافیایی متأثر از واقعیت تحول در اروپا و فرهنگ آن است (هم در دوره قدیم و هم جدید)، یعنی آن عقلانیت خاص غربی است که اجازه دارد، از درون آن وضعیت اقتصادی، سیاسی و حتی جغرافیایی، به این صورت شکل گیرد و بسط پیدا کند. آنچه که شرق جغرافیایی را از غرب متمایز می‌کند، در واقع بسط آن عنصر فرهنگی و تعقل خاص فرهنگی است. این نوع تعریف از غرب، یک محور اصلی و کلی را مبنای وحدت معنایی غرب قرار می‌دهد و سپس همه خرده فرهنگ‌های زیر مجموعه این نوع تفکر را به عنوان یک فرهنگ کلی در نظر می‌گیرد. محور اصلی در تعریف فوق از غرب، عقلانیت به معنای غربی آن و وجه تمایز انسانی بودن و رفاه انسانی و اصالت دنیوی آن فرهنگ از سایر فرهنگ‌ها است.



دکتر مجید کاشانی

شهروندی در برابری و تساوی دیده می شود و رشد اقتصادی جامعه (در گرو رقابت و بازار آزاد) مهم ترین هدف در برنامه ریزی اجتماعی می گردد. در این شرایط رهایی از دستورات دینی نه تنها امری ناپسند نیست؛ بلکه لازمه پیشرفت و تکامل جامعه محسوب می شود و در طی چند دوره همه این ویژگی ها، در فرهنگ اروپایی و غربی حفظ می شود، تا آنجا که در این زمینه، از هیچ ظلم و ستمی به جامعه خود و سایر جوامع در قالب استعمار و استثمار چشم پوشی نمی شود.

با وجود آنکه غرب با این وجوه غالب فرهنگی قابل بررسی و شناخت است، عده ای از صاحب نظران از تلقی غرب به عنوان يك فرهنگ بزرگ یا مجموعه فرهنگی، مخالفت می کنند و معتقدند، غرب دارای یکپارچگی و انسجام کافی در بُعد فرهنگی نیست؛ بلکه در این فرهنگ ما با انواع تفاوت ها و تضادها روبه رو هستیم. «وقتی شما از غرب به مثابه مجموعه ای فرهنگی سخن می گوید، این مجموعه فرهنگی از نظر اجتماعی و سیاسی چنان تضادهایی را در درون خود دارد که به هیچ وجه نمی توان آن تضادها را با یک عنوان تبیین کرد، در غرب جنبش مارکسیستی داریم. جنبش های مذهبی و حتی ضد مذهبی داریم و به طور عمده فرهنگ سرمایه داری» به زعم این دیدگاه، در شرق نیز نمی توان فرهنگ یکپارچه ای را تشخیص داد؛ چرا که تضادهای طبقاتی، انواع تفکرات اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است.

اما برخلاف نظریه فوق، فیلسوف معاصر دکتر رضا داوری اردکانی معتقد است که: «انکار ماهیت غرب، موجب می شود که بنیاد باطن چیزها را نبینیم و نزاع های عارضی درون غرب مثل نزاع مارکسیسم و لیبرالیسم را جدی بگیریم و در کنار یکی از آن دو بایستیم و ندانیم که مبدأ و مآل این هردو یکی است».

با این حال فرهنگ غربی، خواه ناخواه به عنوان يك واقعیت تاریخی و اجتماعی قابل ملاحظه است؛ فرهنگی که نه برای آزادی انسان و آنچه به صورت شعاری در بطن این فرهنگ گنجانیده شده؛ بلکه انسان را سحر و جادو کرده و ارزش های آن، بُنی ساخته که نتیجه اش جز خدمت انسان برای فرهنگ و بردگی انسان ها در درون این فرهنگ نیست! فرهنگ در تمدن غربی، به موضوعاتی عینی اختصاص یافته و از حقایق الهی و آفرینندگی حقیقی خود جدا گشته است.

گاهی در نزد صاحب نظران، دو فرهنگ بزرگ یا مجموعه فرهنگی (غربی و شرقی) در جهان از یکدیگر تمییز داده می شود. «از به هم پیوستن اشتراکات انواع فرهنگ ها، دو نوع بسیار کلی از فرهنگ را در تاریخ بشر استنباط کرده اند که تحت عنوان عمومی فرهنگ های شرقی و غربی مرسوم شده است. فرهنگ شرقی فراگیرنده فرهنگ های آسیایی، آفریقایی، اروپایی قرون وسطی و سرخ پوستی است و فرهنگ غربی شامل یونان و روم باستان و فرهنگ رنسانس و دوران جدید غرب است.»

ویژگی ها و وجوه غالب فرهنگی برای هر دو مجموعه فرهنگی را می توان به شرح ذیل شمارش کرد:

الف. وجوه غالب در فرهنگ شرقی:

- ◆ اعتقاد به غیب (Invisibility)
- ◆ اصالت دادن به شهود قلبی (Intuition)
- ◆ اصالت دادن به آخرت (Suturity)
- ◆ التزام عملی به دین

ب. وجوه غالب در فرهنگ غربی:

- ◆ اصالت دادن به دنیا (Mammon) و دنیا گرایی (Secularity)
- ◆ استدلال عقلی (Rationality)
- ◆ ثروت اندوزی، قدرت طلبی
- ◆ بشرمداری (Humanism)
- ◆ خودمحوری (Egocenterism)
- ◆ لذت جویی و حس گرایی (Sensuality)
- ◆ عدم التزام عملی به دین.

فرهنگ غرب محصولی از روم باستان و عهد رنسانس است که انسان، تفسیر تازه ای از روابط انسان با طبیعت و خداوند ارائه می کند و همه امور زندگی اجتماعی، بر پایه روش های تجربی و آنچه در علوم طبیعی به کار گرفته می شود، قرار می گیرد و بقای انسان و دستیابی به کام روایی دنیایی، هدف عالی جامعه می شود و بیش از پیش به التذاذ دنیوی و رفاه مادی انسان توجه می گردد. سنت گرایی و آداب دینی مذمت می شود و در عرصه سیاسی، مفاهیمی چون حقوق بشر، آزادی و حقوق

علت گرایش جوانان به فرهنگ غرب

«غرب زدگی» و تقلید کورکورانه از مظاهر تمدن غرب، سابقه‌ای طولانی داشته و در میان جوانان کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی نیز رواج دارد. این پدیده شوم، علل متعددی دارد. نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهد که هر چه احساس بی‌هویتی اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم در جامعه بیشتر شود، احساس تعلق هویت اجتماعی آنان نسبت به الگوهای شناختی و ارزشی رفتاری و نمادی حاکم بر گروه‌های غربی بیشتر می‌گردد. بر این اساس در ایران، نظام اجتماعی، زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی جوانان را بر اساس ارزش‌های نظام و انقلاب اسلامی از طریق فرایندهای اصولی و مبنایی جامعه‌پذیری فراهم نکرده است. از همین رو، گرایش‌های ارزشی و شناختی رفتاری و نمادی جوانان، متناسب با اهداف نظام و انقلاب اسلامی نیست. از طرف دیگر، الگوها و ارزش‌های فرهنگ غربی به وفور در دسترس جوانان قرار گرفته و نظام‌های غربی، به تناسب نیازهای جوانان، برای آنها الگوسازی کرده و نظام اجتماعی خودمان نیز به تبلیغ آنها پرداخته است! این امر باعث شده که احساس هویت اجتماعی جوانان، متناسب با الگوهای غربی شکل گیرد و ویژگی‌های شناختی و ارزشی رفتاری و نمادی آنها نیز مبتنی بر همان الگوها جلوه‌گر شود.

عوامل غرب زدگی

بعضی از عواملی که زمینه‌های این روند را فراهم می‌کنند و به آن شدت می‌بخشند، عبارت است از:

۱. مظاهر زیبا و دل‌فریب حیات مادی غرب که از سویی برآیند رشد تکنولوژی و از دیگر سو، محصول غارت و به‌کارگیری سرمایه‌های کشورهای عقب‌مانده و ضعیف است.

۲. وجود گرایش‌های نیرومندی همچون گزینه جنسی که فرد را به سوی محصولات و فرآورده‌های جنسی غربی می‌کشاند. فرهنگ غربی با مؤلفه اباحی‌گری برای این قشر، جذابیت‌های زیادی دارد. البته طبع انسان‌ها به سمت افسارگسیختگی و رفع محدودیت و نبود مانع برای انجام کارهای خوشایند و دلخواه گرایش دارد؛ مگر کسی که از تربیت صحیح دینی برخوردار شود.

۳. استفاده غربی‌ها از عوامل، ابزارها و سرمایه‌های عظیم و به‌کارگیری شیوه‌های فریبنده، در سطحی بسیار گسترده.

۴. ناآگاهی بسیاری از جوانان از اهداف و توطئه‌های دشمنان و پیروی ندانسته از آنان.

۵. ضعف بینش صحیح اسلامی در برخی از عناصر نقش‌آفرین در صحنه تفکر اجتماعی؛ مانند برخی از دانشگایان و اهل فرهنگ.

۶. به کار نگرفتن درست و کامل اصول و تعالیم اسلام، در عرصه فرهنگ و بینش اجتماعی.

۷. آشنا نبودن بسیاری از خانواده‌ها با اصول تربیت اسلامی.

۸. عملکرد نادرست برخی از مسلمانان و مدعیان فرهنگ اسلامی.

۹. به فراموشی سپردن منابع و ذخایر غنی و ارزشمند فرهنگی، اخلاقی، علمی و مادی خود.

۱۰. افتادن در دام هواها و تمایلات نفسانی که در جهان غرب برآمدنی‌تر و با فرهنگ آن متناسب‌تر است.

ستیز با غرب زدگی

انقلاب اسلامی، آوای بلندی بود که در سراسر جهان اسلام و در گوش مستضعفان طنین افکند و توانست راه بسیاری از جوانان روشنفکر و نویسندگان و اندیشمندان را تغییر دهد. اما از دیگر سو، عوامل غرب نیز همواره در کمین نشست‌اند و برای ربودن نظرها و اندیشه‌ها، تلاش فراوانی در سطح جهان می‌کنند. طبیعی است در این میان، برخی به آن سو و برخی به این سو می‌خرامند! در ارزیابی نهایی، حرکت‌های موجود برای مبارزه اصولی و ریشه‌ای با پدیده غرب‌گرایی کافی نیست، ولی هرگز نباید انتظار داشت که حتی با کامل‌ترین برنامه‌ها بتوان به طور کلی ریشه این‌گونه گرایش‌ها را خشکاند؛ زیرا انسان‌ها بر اساس امیال و خواست‌های متفاوتی که دارند و نیز متناسب با محیطی که در آن رشد کرده‌اند و اندیشه‌های گوناگونی که ذهنشان با آنها خو کرده است، گرایش‌های متفاوتی دارند. بنابراین، با آنکه تا حدی می‌توان کارنامه مبارزه با این پدیده را مثبت ارزیابی کرد، پرونده این‌گونه گرایش‌ها همواره باز است و حرکت‌های موجود، یا هر حرکت دیگری، می‌تواند آن را محدود سازد و بسیاری از جوانان را از خطر سقوط در پرتگاه تباهی برهاند، اما تا زمانی که غرب باقی است و جاذبه‌های واقعی و حقیقی اسلام، به صورت مقبول برای جوانان آشکار نشود، نمی‌توان به طور کلی از خطر انحراف برخی جوانان جلوگیری کرد. از این رو اثبات عملی کارآمدی نظام اسلامی در تمامی زمینه‌ها و تأمین خواسته‌های قانونی جوانان می‌تواند بهترین راه پیشگیری و درمان در مقابل بحران غرب زدگی باشد.



وحدت جوامع در اسلام

بنیان‌های نظری فرهنگ غرب در بوته نقد

اصطلاح ایدئولوژی (ideologie) نخستین بار در سال ۱۷۹۶ میلادی توسط دوستوت دوتراسی استعمال شد. و از نظر لغوی واژه‌ای است مرکب از دو جزء «ایده» و «لوژی» که ایده به معنی اندیشه و عقیده آمده است و لوژی به صورت پسوند به معنی دانش و شناسایی بکار می‌رود و معرف علم است. که مرادف با دانش و شناخت عقیده یا بطور خلاصه ایده‌شناسی، علم مطالعه ایده‌ها و عقیده‌شناسی است، اما امروزه ایدئولوژی معمولاً کاربردهای دیگری دارد که در معنی زیریشتربکار می‌روند:

الف: ایدئولوژی به معنای عام که مرادف مکتب است و مجموعه‌ای از رهنمودهای مکتب را چه در بعد اندیشه و چه در بخش عمل در برمی‌گیرد.

ب: ایدئولوژی به معنای خاص که تنها از بخشی مکتب را که به رفتار انسان و دستورالعمل‌ها (بایدها و نبایدها) مربوط می‌شود در برمی‌گیرد که در این صورت در برابر بخش دیگری یعنی جهان بینی (اندیشه‌های بنیادی) مکتب بکار خواهد رفت. بنابراین تعریف، نظام کلی احکام عملی که در اصطلاح مذهبی «فروع دین» نام دارد، ایدئولوژی خوانده می‌شود. با این توضیح روشن شد که ایدئولوژی اسلامی مجموعه‌ای رهنمودهای اسلام یا دستورالعمل‌های آن می‌باشد. یا دسته‌ای از آرای کلی و هماهنگ درباره رفتارهای انسان است.



مهدی جمشیدی

قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را باز شناسید. همانا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند، متقی‌ترین شماست.»^۶ از این آیه شریفه، چند نکته استنباط می‌شود:

اول، انسان‌ها از این جهت که انسان هستند، با یکدیگر برابرند و هیچ فضیلتی در بین آنان مطرح نیست؛ زیرا همه آن‌ها فرزندان یک پدر و مادر هستند.

دوم، اصل گروه‌بندی‌های قومی در میان انسان‌ها، منشأ تکوینی دارد و در خلقت انسان‌ها در نظر گرفته شده است. اما این تفاوت‌ها تنها به این منظور پدید آمده که انسان‌ها یکدیگر را بشناسند و بتوانند در نظام اجتماعی، مناسبات و ارتباطات انسانی - که لازمه آن وجود تمایز و ناهمگونی میان افراد است - برقرار کنند. این نوع تفاوت‌ها، به هیچ رو، معیار برتری و فضیلت نیستند، بلکه تنها موجب پیدایی شناخت متقابل افراد از یکدیگر هستند.

سوم، ملاک حقیقی امتیاز و کرامت در میان انسان‌ها، تقوا و پروای از خداست که سعادت ابدی انسان را در پی دارد؛ نه وابستگی‌های نژادی و قبیله‌ای و جغرافیایی. از این رو، «همین معنا باعث شده که اسلام، اعتبار اینگونه انشعاب‌ها و چند دستگی و امتیازها را لغو اعلام کند و اجتماع را بر پایه عقیده بنا نهد نه بر پایه جنسیت، قومیت، وطن و امثال آن.»^۷

بنابراین، وحدت جوامع انسانی بر مدام باورها و ارزش‌های اسلامی، از منظر اسلام مطلوبیت دارد و اسلام نگاه تکتگرایی به فرهنگ‌های گوناگون جوامع بشری ندارد و همه آنها را به رسمیت نمی‌شناسد. از آیه ۱۳ سوره حجرات نه تنها نمی‌توان کثرت‌گرایی فرهنگی را استنباط کرد، بلکه بر مبنای توضیحاتی که ارائه شد، این آیه خودسندی دیگر در تأیید وحدت‌گرایی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم است. نظام ارزشی اسلام تنها یک حقیقت فرهنگی را برمی‌تابد و آن توحید و خداپرستی است. تفاوت‌های فرهنگی در قلمرو جهان‌بینی و ایدئولوژی، ریشه تکوینی و جبری ندارند و قابل اجتناب هستند؛ زیرا عامل اساسی در پدید آمدن اینگونه تفاوت‌ها، اراده آزاد خود انسان است.

«تفاوت‌های فرهنگی تابع متغیرهای طبیعی و اجتماعی نیست، بلکه زائیده حسن یا سوء اختیار خود انسان هاست. به عبارت دیگر، اگرچه تأثیر اعدادی و کمکی عوامل طبیعی و اجتماعی در پیدایش تفاوت‌های فرهنگی مورد انکار نیست؛ ولی تأثیر

اسلام يك «ایدئولوژی انسانی» یا «ایدئولوژی عام» است که نوع انسان (به تعبیر قرآن «الناس») را مخاطب خویش قرار داده است؛ دقیقاً برخلاف ایدئولوژی‌های گروهی و قومی. توضیح اینکه ایدئولوژی‌ها دو گونه‌اند:

اول، «ایدئولوژی انسانی» که مخاطب آنها نوع انسان است نه قوم یا نژاد یا طبقه خاص و داعیه نجات انسان را دارد.

دوم، «ایدئولوژی گروهی» که مخاطب آن گروه یا طبقه یا قشر خاص است و داعیه‌هایی و نجات یا برتری همان گروه را دارد. ایدئولوژی عام و انسانی مانند «ایدئولوژی اسلامی» نوعی شناخت از انسان دارد که از آن به «فطرت» تعبیر می‌شود. فطرت از نظر اسلام انسان در جریان خلقت، مقدم بر تأثیر عوامل تاریخی و عوامل اجتماعی، دارای بعد وجودی خاصی شده و استعدادهایی و الا که او را از حیوان متمایز می‌کند و به او هویت می‌بخشد، به او داده شده است. طبق این نظر، انسان در متن خلقت از نوعی شعور و وجدان نوعی که در همه انسان‌ها وجود دارد، بهره‌مند شده و همان وجدان فطری به او تعیین نوعی و صلاحیت دعوت، مخاطب واقع شدن، حرکت و جنبش داده است. این ایدئولوژی‌ها با تکیه بر وجدان فطری مشخص نوع انسان، دعوت خود را آغاز می‌کنند و حرکت می‌آفرینند. از این رو، مخاطب اسلام «عموم مردم» (الناس) است، نه طبقه یا گروه خاص.^۱ بنابراین، فرهنگ اسلامی، شکننده محدودیت‌ها و مرزبندی‌های جغرافیایی، زمانی، زبانی، نژادی و... است و به راستی می‌توان آن را «جهان شمول» دانست.

«اسلام به حکم این که در جهان بینی خود قائل به فطرت یگانه است؛ هم طرفدار ایدئولوژی یگانه است و هم طرفدار فرهنگ یگانه.»^۲

افزون بر این، در آیات و روایات اسلامی، آینده جامعه انسانی به صورت «جامعه واحد جهانی تکامل یافته» ترسیم شده و از غلبه نظام فکری و فرهنگی اسلام بر همه آیین‌ها و نظام‌های دیگر سخن به میان آمده است.^۳ همچنین جهانی شمردن اسلام و مختص نداشتن آن به قوم یا منطقه خاصی، از ضروریات این دین الهی معرفی شده است.^۴

در قرآن کریم می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۵ «ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و

جهان بینی و ایدئولوژی

به عقیده شریعتی، دو نوع اسلام وجود دارد: ۱- دین اسلام به مفهوم "ایدئولوژی" یعنی مکتب یک اعتقادی، مرامی و هدایتی، یعنی دینی که در آن مسائل اعتقادی و عبادی همگی به منظور تکامل معنوی و رشد اخلاقی و دینی انسانها در نظر گرفته می شود. ۲- اسلام به عنوان فرهنگ که شامل مجموعه ای از علوم و معارف و دانش ها نظیر فقه و کلام و فلسفه و... است. از نظری ایدئولوژی عبارت است از نوع اعتقاد متفکر نسبت به ارزش واقعیت خارجی و ارزیابی واقعیت خارجی؛ اعتقاد به اینکه واقعیت چه ناهنجاری هایی دارد و چگونه باید تغییرش داد و به شکل ایده آل درآورد. ایدئولوژی عقیده است و عقیده (مرحله نخست ایدئولوژی) یعنی نوع تصور و تلقی ای که ما از جهان، زندگی و انسان داریم. نوع برداشت و ارزیابی خاصی که برایین اساس نسبت به مسائل داریم و با آنها در ارتباطیم و پایه های فکری و اجتماعی ما را می سازند. مرحله دوم ایدئولوژی است. مرحله سوم عبارت است از پیشنهادها، راه حلها، و نشان دادن نمونه های ایده آل.

پس ایدئولوژی سه عنصر اصلی و اساسی دارد: نخست، یک پایه نظری، (جهان بینی) که ممکن است صادق یا کاذب باشد، دوم نظام ارزش ها که ملاک هایی برای نقد وضع موجود ارائه می دهند و سوم طرح ها و مدل هایی برای تغییرات اجتماعی و نظام و مناسبات بدیل (شریعتی، علی، جهان بینی و ایدئولوژی، مجموعه آثار، ج ۲۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۲، ص ۱۸۹) به نظر شریعتی، تشیع برای خود جهان بینی، بنیاد ایدئولوژیک، فلسفه، سنت مبارزه حزبی و سازماندهی دارد که همه از تاریخ آغازین امامت شیعه ریشه گرفته است و با کوشش ای بی دریغ عالمان، مجاهدان، خطیبان، شاعران، ذاکران و مداحین حفظ شده است. وی در صدد اثبات این نکته بوده است که ایدئولوژیک کردن دین نه تنها برخلاف دیدگاه سروش دگماتیسم و ایستایی در پی ندارد، بلکه موجب پویایی و تکامل فکری و عملی هدفمند می شود و آزادی و جوهره و عنصر ضروری آن را تشکیل می دهد. ایدئولوژی موتور محرکه دین است و نوعی فرهنگ جهت دار محسوب می شود که حس مسئولیت پذیری و تعهد را در انسان ها ایجاد می کند.

ایجابی و تعیین کننده و جبری آنها مقبول و پذیرفتنی نتواند بود. برای مثال، هرانسانی، با هر نژاد و رنگ پوست، خون و اصل و نسب، ملیت و جنسیت، سن و وضع و حال اقتصادی و اجتماعی که داشته باشد، می تواند دریابد که جهان هستی آفریننده ای یگانه و یکتا دارد و می تواند بپذیرد که آن آفریدگا را باید پرستید، از همین رو است که قرآن کریم اختلاف آدمی در امر دین را مستند می کند به سوء اختیار خود آنان و نه هیچ عامل دیگری.^۸

با این تعاریف آنچه می تواند وجه تشابه اسلام و لیبرالیسم باشد کاملاً متمایز می شود و دامی را که جریان روشنفکری دینی به آن گرفتار شد به سویی دیگر می نهد. بنیان های نظری فرهنگ غرب خیلی بیشتر از آنچه که مورد قبول واقع شده، قابل نقد و خدشه است.

پی نوشت:

۱. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، جلد اول: انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۴، صص ۵۸-۵۹
۲. همان، ص ۶۱
۳. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج پنجم: جامعه و تاریخ، ص ۵۶
۴. برای مطالعه تفصیلی به بخش جهانی شدن رجوع کنید.
۵. سوره حجرات، آیه ۱۳
۶. تفسیر المیزان، جلد هجدهم، ص ۴۸۹
۷. همان، جلد چهارم، ص ۱۹۸
۸. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۷۳-۲۷۲



اختلال

مروری بر کتاب «روابط ایران و آمریکا»



با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع روابط و سیاست ایران و آمریکا در قبال یکدیگر به یکی از بحث برانگیزترین سوژه‌ها در عرصه روابط بین الملل تبدیل شده است. نظیر چنین فرایند پرفراز و نشیب و متلاطمی را شاید بتوان تنها در روابط آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد مشاهده کرد.



مهدی سلطانی

اتحاد شوروی، در ایران ساخته شد که پروژه آیکس و فروش هواپیماهای آواکس به ایران جزئی از آن بود.

۵- برای دفاع از منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس توسط نیروهای ایرانی، بیشترین میزان و پیشرفته‌ترین نوع تجهیزات در اختیار شاه گذارده شد. سیاست اصلی آمریکا آن بود تا با کمک‌هایش به ایران، ژاندارم منطقه خلیج فارس را قادر سازد به غیر از تهدید شوروی - که بازدارندگی اصلی آن همچنان توسط آمریکا باید صورت می‌گرفت - به تنهایی بتواند در برابر حمله هر کشوری، در منطقه خلیج فارس بایستند. این کمک‌ها همگی با هدف تامین منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس - البته یکی از مهم‌ترین آنها حفظ شاه بود - در اختیار کشور ایران قرار داده شد.

فصل بعدی به تحولات این رابطه در دو سال منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد. این ایام مصادف با ریاست جمهوری کارتر در آمریکا است. نویسنده در این فصل سیاست مزورانه و درعین حال سردرگم کاخ سفید در قبال تحولات ایران را بررسی می‌کند. تصمیم کارتر درباره مسافرت به ایران در شب ۱۹۷۸/ دی ۱۳۵۶ به طور غیرمترقبه و چند هفته ای پس از مسافرت شاه به آمریکا اعلام شد. کارتر در فاصله مسافرت خود بین لهستان و آفریقا، شب ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ به تهران سفر کرد و شب سال نو را با شاه و خانواده اش گذراند. نکته جالب توجه و حائز اهمیت این سفر، نطق تاریخی پرزیدنت کارتر در ضیافت رسمی شام بود که در تاریخ ثبت شد. کارتر در سخنرانی خود چنین گفت: «ایران مرهون شایستگی شاه در رهبری کشور است، زیرا او توانسته است ایران را به صورت جزیره ثبات در یکی از پیراشوب‌ترین نقاط دنیا درآورد. نظرات ما در مسائل مربوط به امنیت نظامی متقابل به هیچ کشوری به اندازه ایران نزدیک نیست و من نسبت به هیچ رهبری جز شاه این همه احساس حق شناسی عمیق و دوستی صمیمانه نداشته‌ام.»

این اظهار نظر کارتر درباره ایران، به طور زننده و مصیبت باری غلط از آب درآمد. کمترین از یک ماه پس از بیان این مطالب، اغتشاشات دامنه‌داری در شهر مذهبی قم به وقوع پیوست و به تدریج به سایر نقاط ایران سرایت کرد و در عرض یک سال، طوفان انقلاب در ایران، شاه را مجبور به ترک کشور نمود.

واقعیت امر این است که کارتر، حتی هنگامی که آن سخنان

اینک آمریکا در ذهن مردم و سیاستمداران ایرانی صرفاً کشوری زورگو و استکباری که سردشمنی با انقلاب دارد تلقی نمی‌شود، بلکه تبدیل به نمادی سیاسی شده است. این مسئله تا حد زیادی در مورد تلقی آمریکا از ایران نیز صادق است و این دو وجه به پیچیدگی موضوع می‌افزاید. ریشه‌های این خصوصیت کهنه و عمیق را باید در صفحات تاریخ جست، تاریخی نه چندان دور و غیر قابل دسترس، کتاب «روابط ایران و آمریکا» کوششی است برای فهم و درک واقع بینانه ریشه‌های این رابطه.

حسن خداوردی در این اثر نقطه عطف این رابطه یعنی دوران انقلاب و اوایل پیروزی انقلاب را که منجر به تسخیر سفارت آمریکا شد، مورد بررسی قرار داده است.

فصل نخست کتاب به مبانی نظری ملال آوا اختصاص دارد و اگرچه مفید بودن و لزوم آن جای تامل دارد اما به هر حال ۵۰ صفحه یعنی حدود یک چهارم حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. فصل دوم کتاب به آغاز روابط دو کشور، بخصوص پس از پایان جنگ جهانی دوم می‌پردازد. در این فصل روابط ایران و آمریکا در دوره چهار رئیس جمهور ابرقدرت نوظهور بررسی می‌شود. اتفاقاً در دوره چهارمین رئیس جمهور یعنی نیکسون، ایران به عنوان ژاندارم منطقه از سوی واشنگتن انتخاب شده و بازی وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. خداوردی درباره تأثیرات این انتخاب چنین می‌نویسد: «برخی از مهم‌ترین پیامدهای تعیین ایران به عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه خلیج فارس بدین شرح است:

۱- ایران که تا اواسط دهه ۱۹۶۰م نقش درجه دومی در سیاست خاورمیانه داشت، به یکی از مهره‌های اصلی سیاست منطقه تبدیل شد و در اوایل دهه ۱۹۷۰م یکی از ستون‌های نگهدارنده منافع آمریکا در این منطقه مهم و حساس جهان بود.

۲- ایران به عنوان پایگاهی برای انجام عملیات از هم گسیخته و تضعیف دولت عراق مورد استفاده قرار گرفت. این مسئله در منحرف کردن توجه نیروهای عراقی از جبهه اعراب و اسرائیل، نقش به سزایی داشت.

۳- از ایران به عنوان کشوری برای حل و فصل اختلافات مرزی کشورهای کوچک خلیج فارس و مقابله با شورشیان در این کشورها استفاده شد.

۴- مجهزترین پایگاه‌های کنترل و مراقبت‌های نظامی از فعالیت‌های

به عقیده وی سفر شاه به آمریکا و ملاقات فرستادگان ایران و آمریکا در الجزایر، زمینه‌های این عمل انقلابی دانشجویان پیرو خط امام را فراهم ساخت. عملی که پس از حدود پنج ماه باعث قطع روابط دیپلماتیک دو کشور از سوی کاخ سفید شد و بالاخره پس از ۴۴۴ روز با شکست کارتر در انتخابات و در پی مذاکرات الجزایر پایان یافت.

در نهایت، جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا، در ۷ آوریل ۱۳۵۹ فروردین ۱۳۵۹، طی دستوری، قطع روابط سیاسی و بازرگانی با جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. این دستور که پنج ماه پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران به وقوع پیوست، عکس العمل جدید دولت آن کشور در برابر گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در ایران بود.

شایان ذکر است، موضوع قطع روابط سیاسی و اقتصادی آمریکا به ایران، دو ماه پیش از صدور دستور کارتر، در قطعنامه ارائه شده از سوی آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل، پیش‌بینی شده بود. همچنین این درخواست در کنفرانس کشورهای صنعتی غرب نیز مطرح شد؛ ولی همان‌گونه که اشاره گردید، دولت کارتر در قطع مناسبات سیاسی و بازرگانی با ایران نتوانست به توفیق چندانی دست یابد.

روز جمعه ۱۱ آوریل ۱۳۵۹/۲۲ فروردین ۱۳۵۹، کارتر در جلسه شورای امنیت ملی و تصمیم‌گیری برای عملیات جان‌گروگان‌ها، می‌گوید: «آبرو و حیثیت ملی ما به خطر افتاده و سادات، رئیس جمهور مصر، به او گفته است که اعتبار و موقعیت ملی و بین‌المللی آمریکا به علت سستی در این کار لطمه شدیدی خورده است.» فصل پایانی کتاب نیز به مواضع امام خمینی در قبال رابطه ایران و آمریکا اختصاص دارد که فصلی کم‌حجم و تا حدی ضعیف است که تنها به ارائه برخی نقل قول‌ها بدون تحلیل و بررسی عمیق بسنده می‌کند. نویسنده در پایان از دیدگاه امام این رابطه را رابطه ظالم و مظلوم یا همان گرگ و میش توصیف می‌کند. رابطه‌ای که به قول رهبر فقید انقلاب اسلامی به نفع ایران و ایرانی نبود و قطع آن برکات زیادی به همراه داشت و برقراری مجدد آن منوط به تغییر واقعی سیاست‌های استکباری کاخ سفید است.

کتاب «روابط ایران و آمریکا» توسط انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.

اطمینان بخش را درباره ایران بر زبان می‌راند، از ناآرامی‌های داخلی ایران بی‌اطلاع نبود؛ کمی قبل از مسافرت رئیس جمهور آمریکا به ایران، تظاهراتی در دانشگاه تهران رخ داده بود و در گزارشی که قبل از ورود کارتر به تهران به وی داده شد، به این تظاهرات و همچنین برخوردهایی که به تازگی بین گروه‌های طرفدار حقوق بشر و نیروهای دولتی به وقوع پیوسته بود، اشاره شده بود. در گزارشی که از طرف شورای امنیت ملی آمریکا برای رئیس جمهور تهیه شد، به این نکته تأکید شده بود که «شاه اغتشاشات و تشنجات اخیر را بدون شک، خطر بالقوه برای حکومت خود به شمار می‌آورد.»

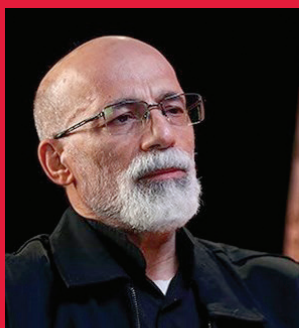
مهم‌ترین نتیجه سفر کارتر به ایران و تجلیل و ستایش فوق‌العاده او از شاه، رفع نگرانی شاه از سیاست حکومت جدید آمریکا در ایران و قوت قلب تازه‌ای بود که در رویارویی با مخالفان خود پیدا کرد. او بیشتر از همه مخالفتش، از امام خمینی و پیروان او در ایران وحشت داشت و گزارش‌هایی که درباره تکثیر نوارهای سخنان امام خمینی در نجف و بخش وسیع آن در سراسر کشور به دست وی می‌رسید، بیش از پیش موجب نگرانی او شده بود. به همین جهت فردای روزی که کارتر تهران را ترک گفت، تصمیم گرفت دست به یک مبارزه جدی علیه امام خمینی بزند و این کار را با دستور تهیه و انتشار مقاله توهین آمیزی علیه امام خمینی آغاز کرد.

فصل چهارم کتاب روابط دولت موقت انقلاب اسلامی و آمریکا را تشریح می‌کند. نویسنده معتقد است دولت موقت نسبت به استمرار رابطه حسنه با آمریکا خوش‌بین بوده و بر همین اساس تماس‌هایی را نیز با طرف مقابل برقرار می‌کند که بعدها همین تماس‌ها موجب افزایش مخالفت‌ها با دولت موقت می‌شود. در قسمتی از این فصل می‌خوانیم: «شخص مهندس بازرگان نسبت به مناسبات حسنه با آمریکا بدون هیچ قید و شرطی نظر مساعد داشت. در یکی از اسناد منتشر شده لانه جاسوسی آمده است: مناسبات حسنه با ایالات متحده از اعتقادات شخص نخست وزیر است و هنگامی که دادن پست وزارت امور خارجه به یزدی، مورد بحث بود، نخست وزیر از یزدی درباره این نکته پرسیده بود تا اطمینان حاصل کند که یزدی از مناسبات دوستانه با ایالات متحده پشتیبانی می‌کند.» خداوردی در فصل پنجم کتاب به تسخیر لانه جاسوسی و تبعات آن به عنوان نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا می‌پردازد.

@iranhdm.ir

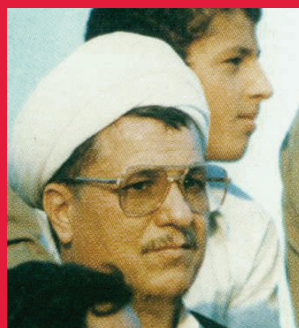
اگر ظلمی
به وسعت یک جهان گسترده شود،
آیا ضرورت مبارزه با آن از میان
می رود؟
شهید سید مرتضی آوینی

پرسمان



۷۶

ایده آقای هاشمی برای پایان جنگ
کسب یک پیروزی بود



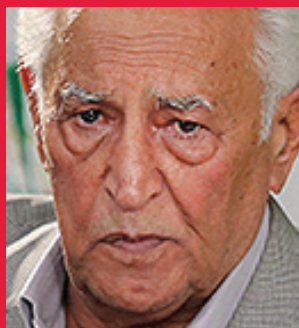
۷۰

قراگاه خاتم



۸۴

از ستادی در تهران تا قراگاهی در جنوب



۸۱

فراز و فرودهای قراگاه

پرونده

قراگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) در جنگ



قراگاهِ خاتم

مهمترین قراگاه دوران دفاع مقدس چگونه شکل گرفت ؟

در نیروهای مسلح چند قراگاه با عنوان «خاتم الانبیاء (ص)» وجود دارد. نخستین آن قراگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) به فرماندهی سردار سرلشکر غلامعلی رشید، دومین آن قراگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) به فرماندهی امیر سرتیپ قادر رحیم زاده و سومین آن قراگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی سردار سرتیپ سیدحسین هوش السادات است. البته ممکن است قراگاه‌های دیگری نیز در نیروهای مسلح با همین عنوان وجود داشته باشد، اما مهم‌ترین قراگاه‌ها با عنوان «خاتم الانبیاء (ص)» همین سه قراگاه هستند.



محمدحسن جعفری

نیروی زمینی ارتش به عنوان معاونان این قرارگاه عمل می‌کردند.»
امام خمینی (ره) در سی‌ام بهمن ماه سال ۶۲ در حکمی مرقوم فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی آید الله تعالی
جنابعالی را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر نصب کردم.
توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم.
۳۰ بهمن ۱۳۶۲ روح الله الموسوی الخميني»

(صحیفه امام (ره)، جلد ۱۸، ص ۳۵۵)
حسین علایی از فرماندهان سپاهی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص)
در کتاب «روند جنگ ایران و عراق» دلایل تشکیل این قرارگاه را
همان چیزهایی عنوان کرده که در کتاب روزنوشت‌های آیت الله
هاشمی رفسنجانی آمده و در خصوص چرایی انتخاب آیت الله
هاشمی رفسنجانی به فرماندهی این قرارگاه نیز نوشته است: «از
آنجا که رئیس جمهور به عنوان فرمانده جنگ و فصل الخطاب،
امکان حضور فعال در جبهه‌ها و در صحنه نبرد را نداشت، امام
خمینی (ره) حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی را به فرماندهی
دنباله عملیات والفجر منصوب کردند.»

آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز در گفتگویی بیان داشته است: «در
جلسات سران و جلسات شورای عالی دفاع، به این نتیجه رسیدیم
که باید فرماندهی دیگری برای جنگ بگذاریم تا ارتش و سپاه را با
هم هماهنگ کند؛ قرعه به نام من افتاد. ما می‌خواستیم آیت الله
خامنه‌ای باشند که امام به حق گفتند: اولادست ایشان به خاطر
حادثه تروریستی مشکل دارد. ثانیاً ایشان رئیس جمهور هستند
و شما رئیس مجلس؛ شما دو نائب دارید که در نبودتان جلسه
را اداره می‌کنند.» البته محسن رضایی دلیل دیگری نیز به نقل
از آیت الله هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: «ما انتظار داشتیم،
امام حکم فرماندهی را برای ایشان (آیت الله خامنه‌ای) بزنند.
وقتی سوال کردم، آقای هاشمی به من گفتند که خدمت امام
این بحث شد، امام فرمودند: اگر اتفاقی برای ایشان پیش آید،
دشمن خواهد گفت که ما رئیس جمهور ایران را زدیم و این از نظر
اعتبار بین المللی برای ما خوب نیست.»

بنابراین عملیات خیبرنخستین عملیاتی بود که با فرماندهی جدید
اجرا شد و یک فرمانده خارج از نیروهای مسلح در راس مهمترین
قرارگاه فرماندهی و بالای سر فرماندهان سپاه ارتش قرار گرفت.

قرارگاه‌های مرکزی و پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) در دوران
دفاع مقدس شکل گرفت و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص)
پس از جنگ تحمیلی و با هدف عمران و آبادانی کشور و با بهره‌گیری
از تجهیزات و تجربیات مهندسی دوران دفاع مقدس به وجود
آمد. در دوران دفاع مقدس نیز قرارگاه‌های دیگری با عنوان
«خاتم الانبیاء (ص)» وجود داشت که به طور نمونه می‌توان به
قرارگاه مهندسی رزمی خاتم الانبیاء (ص) اشاره کرد.

در گزارش زیر به چرایی و چگونگی شکل‌گیری قرارگاه مرکزی خاتم
الانبیاء (ص) و عملکرد آن قرارگاه در دوران دفاع مقدس خواهیم
پرداخت. قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) مهمترین قرارگاه دوران
دفاع مقدس بود و در راس نیروهای مسلح (سپاه ارتش) قرار داشت
که فرماندهی آن برعهده آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس وقت
مجلس شورای اسلامی و نماینده امام خمینی (ره) در شورای عالی
دفاع بود. این قرارگاه اکنون نیز مهمترین قرارگاه نیروهای مسلح
است. اگرچه از اواخر جنگ کمتر نام این قرارگاه شنیده شد، اما
در سال‌های اخیر با تدبیر فرماندهی معظم کل قوا، قرارگاه مرکزی
خاتم الانبیاء (ص) به نوعی احیا یا بازآرایی شد.

شکل‌گیری قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص)

به گفته فرماندهان قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) و آنگونه که
در کتاب روزنوشت‌های آیت الله هاشمی رفسنجانی آمده است،
این قرارگاه چند روز پیش از اجرای عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲
تشکیل شد. تا پیش از آن و از اواخر مهر ماه سال ۱۳۶۰، قرارگاه
کربلا به فرماندهی مشترک محسن رضایی فرمانده کل سپاه و
سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش، مهمترین
قرارگاه نیروهای مسلح در جبهه‌های جنگ بود.

در یکی از یادداشت‌های کتاب روزنوشت‌های سال ۱۳۶۲ آیت الله
هاشمی رفسنجانی با عنوان «آرامش و چالش»، تاریخ تشکیل
این قرارگاه ۳۰ بهمن آن سال و همزمان با صدور حکم امام خمینی
(ره) ذکر شده و در ادامه آمده است: «امام خمینی (ره) بعد از بروز
اختلاف میان فرماندهان ارتش و سپاه و ناکامی در چند عملیات
بزرگ در سال‌های ۶۱ و ۶۲، قبل از عملیات خیبر فرماندهی عملیات
در جبهه‌های جنگ را به هاشمی واگذار کردند و قرارگاه خاتم
جدید در پادگان حمید تشکیل شد که عملاً فرماندهان سپاه و

پشتیبانی از جبهه‌ها

امام خمینی (ره) فرمانده کل قوا بود و براساس قانون اساسی پس از فرماندهی کل قوا، شورای عالی دفاع بالاترین نهاد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه دفاعی و نظامی بود. رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی دفاع بود و نخست‌وزیر، فرمانده سپاه، رئیس ستاد مشترک ارتش، وزیران دفاع و سپاه، چند تن از مسئولان و نمایندگان امام خمینی (ره) عضو آن شورا بودند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص ارتباط شورا با فرمانده کل قوا در گفتگو با سردار محمدحسن محقق در کتاب «اسرار مکتوم» گفته است: «استراتژی دفاع مقدس در کلیت آن در اختیار امام بود و ما در شورای عالی دفاع روی موارد جزئی مانند استراتژی عملیات و دفاع کار می‌کردیم. سیاست‌های اصلی مساله جنگ در دست امام بود.» همچنین طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تشکیل شورای عالی دفاع از وظایف و اختیارات رهبری بود.

۶۶

ساختار قرارگاه مهندسی
رزمی خاتم الانبیاء (ص)
بدین شکل بود که شورای
مدیریت مهندسی جنگ
داشت وزیر نظر آن شورا
واحدهای جهاد سازندگی
سپاه پاسداران، ستاد و
عملیات مهندسی
فعالیت داشتند.

۹۹

در خصوص نسبت شورای عالی دفاع و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) هم اگرچه تاکنون اسناد و مشروح مذاکرات شورا منتشر نشده و تنها کتابی با عنوان «شورای عالی دفاع به روایت مطبوعات» منتشر شده است، اما براساس قانون اساسی (پیش از بازنگری سال ۱۳۶۸)، آن کتاب و گفته‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و فرماندهان جنگ می‌توان تا حدودی آن نسبت و تفاوت‌های شورا و قرارگاه را مشخص کرد.

قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) مرکز عملیات مشترک ارتش و سپاه بود. طرح‌های عملیاتی در این قرارگاه تهیه و تصمیم به اجرا یا عدم اجرای یک عملیات گرفته می‌شد. پس از تصمیم‌گیری، طرح‌های مانور عملیات از سوی این قرارگاه به قرارگاه‌های اصلی و فرعی ابلاغ و عملیات تا پایان هدایت می‌شد. شورای عالی دفاع نیز موظف بود به ارائه پیشنهاد در خصوص تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه ارتش و اعلان جنگ، صلح و بسیج نیروها به رهبری بپردازد. بنابراین شورای عالی دفاع نهاد بالادستی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) بود؛ سیاست‌ها از سوی شورای عالی دفاع به قرارگاه مرکزی ابلاغ می‌شد و تصمیمات مهم آن قرارگاه باید به تایید شورا می‌رسید.

به طور نمونه در آخرین جلسه شورای عالی دفاع در سال ۱۳۶۲ که چند روز پس از آغاز عملیات خیبر و تشکیل قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) برگزار شد، اوضاع جبهه‌های جنگ، موفقیت‌های عملیات‌های والفجر ۶ و خیبر و همچنین طرح‌های آینده عملیاتی رزمندگان بحث و گفتگو شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از این جلسه گفت: «در جلسه امروز اوضاع جبهه‌ها و نبردهای اخیر در اطراف جزایر مجنون و عملیات آینده رزمندگان اسلام و بودجه جنگی امسال و نیازهای ارتش و پرسنل ارتش مورد بحث و بررسی قرار گرفت و وزارت دفاع و ستاد مشترک برای تامین نیازمندی‌های ضروری ارتش در بودجه امسال گزارشی را ارائه دادند.»

در جلسه روز چهاردهم شهریور ۱۳۶۳ هم رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده سپاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش به ارائه گزارشی از وضع جبهه‌ها پرداختند. مهمترین اقدامات شورای عالی دفاع در سال ۱۳۶۵ نیز برنامه‌ریزی برای پایان دادن به جنگ از طریق برتری نظامی، اتخاذ سیاست مقابله به مثل با دشمن در حمله به تاسیسات اقتصادی و نفتی، آمادگی برای یکسره کردن جنگ و



و با توجه به اینکه در راس نیروهای مسلح بود، نیازمند ایجاد هماهنگی بین نیروها و قرارگاه‌های اصلی و فرعی بود. تا برهه‌ای قرارگاه‌های کربلا و نجف دو قرارگاه اصلی ارتش و سپاه بودند، اما پس از آنکه ارتش و سپاه تصمیم گرفتند به صورت جداگانه عملیات انجام دهند، قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) ارتش و قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سپاه به وجود آمد و قرارگاه‌های فرعی هر کدام زیر نظر این قرارگاه‌ها آرایش گرفتند. همچنین در زمان اجرای برخی عملیات‌ها، تعدادی از قرارگاه‌های فرعی و تاکتیکی یکی از دو نهاد به قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) دیگری واگذار می‌شد. به طور نمونه در عملیات والفجر هشت، قرارگاه‌های پدافند هوایی و نیروی هوایی ارتش تحت امر قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سپاه قرار گرفت یا اینکه در عملیات کربلای ۵، سرهنگ بابایی معاون عملیات نیروی هوایی ارتش در جلسات فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سپاه حضور داشت. (تحت امر هر قرارگاه فرعی و تاکتیکی نیز یگان‌های عملیاتی اعم از لشکر، تیپ و... بود.)

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) برای اجرای ماموریت‌هایش از ظرفیت دستگاه‌ها و نهاد‌های غیر نظامی نیز استفاده کرد. برای اینکه هماهنگی بین نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) با جهاد

پشتیبانی از جبهه‌ها، هشدار جدی به کشورهای حامی حکومت عراق و تصویب تشکیل گردان‌های احتیاط قدس بود. همچنین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خصوص جلسه روز ۲۸ خرداد سال ۶۶ شورای عالی دفاع گفت: «قسمت اعظم بحث اعضای شورا مربوط به خلیج فارس بود و طی آن طرح دفاعی نیروی دریایی ارتش و سپاه بررسی و تصمیماتی اتخاذ شد.»

آنچه موجب می‌شد تا هماهنگی بین شورای عالی دفاع و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) افزایش یابد، این بود که فرمانده قرارگاه عضو و سخنگوی شورا بود. فرمانده سپاه، رئیس ستاد مشترک ارتش و فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش نیز در جلسات شورا شرکت داشتند.

مهمترین اقدامات قرارگاه مرکزی

علاوه بر وظایف و ماموریت‌هایی که در بالا بدان اشاره شد، قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) در دوران دفاع مقدس فعالیت‌ها و اقدامات مختلف دیگری در راستای اجرای سیاست‌های ابلاغی فرماندهی کل قوا و شورای عالی دفاع انجام داد. به طور مثال یکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر حملات موشکی عراق، مقابله به مثل بود. از این رو در هفدهم اسفند ماه سال ۶۳ و پیش از آغاز عملیات بدر، علی‌رغم اینکه سایت موشک اسکاد بی توسط سپاه راه‌اندازی شده و آماده شلیک بود، در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) در خصوص زمان پرتاب و اهداف بحث و گفتگو شد. یا اینکه در بیست و یکم بهمن ماه سال ۶۳ و به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، گلوله‌های منور بر فراز شهر بصره شلیک شد که منجر به غافلگیری پلیس و نیروهای امنیتی آن شهر شد. قرارگاه همچنین پس از اجرای هر عملیات یا در مناسبت‌های مختلف، اطلاعیه‌ای با هدف خنثی‌سازی جنگ تبلیغاتی دشمن صادر می‌کرد. این قرارگاه چون مسئولیت گسترده‌ای داشت با همکاری واحدهای تحت امر خود، در خصوص هر آنچه که در رابطه با جنگ بود نیز دستورالعمل صادر می‌کرد که به طور نمونه می‌توان به دستورالعمل‌های ابلاغی در خصوص رعایت مسائل حفاظتی و رعایت نکات بهداشتی و تغذیه‌ای اشاره کرد.

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) برای اجرای تمامی ماموریت‌ها و وظایف چه در هنگام اجرای عملیات و چه در هنگام غیر عملیات

(ص)، قرارگاه مرکزی بود، مسئولان حضور پیدا می کردند. محمد درودیان از روایان قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) در دوران دفاع مقدس در کتاب «سیری در جنگ ایران و عراق - خرمشهر تا فاو» نوشته است: «هنگام آغاز عملیات والفجر مقدماتی مسئولین سطح بالای کشور در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) حضور به هم رسانیدند...» محسن رفیق دوست و وزیر وقت سپاه نیز در کتاب خاطراتش در خصوص حال و هوای قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) سپاه در عملیات کربلای چهار عنوان کرده است: «شب کربلای ۴ که اول اسمش والفجره بود و تابلوی والفجره ۱ در قرارگاه زده بودیم، سی چهل نفر نماینده و ده بیست نفر امام جمعه و چند نفر از وزرا در سنگر بزرگی جمع شده بودند. پدر یکی از شهدا رمز عملیات را خواند... پشت آن سنگر بزرگ، سنگر دیگری بود که محل فرماندهی بود. آقای رحیم صفوی، علی شمخانی، محسن رضایی و محمدزاده در سنگر بودند.»

یک شب عملیاتی در قرارگاه

در بخش پایانی این گزارش بنابر اسناد منتشر شده از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، حال و هوای یک روز مانده به عملیات بدر در قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) به نقل از محمد درودیان روایت شده است:

«با وجود جلسات پرشماری که در روزهای گذشته در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) برگزار شد، امروز هیچ جلسه ای در این قرارگاه تشکیل نشد و عناصر ستادی قرارگاه با حضور در واحدهای پشتیبانی، قرارگاه ها و یگان ها در صدد برطرف کردن مشکلات، تکمیل نواقص و فراهم آوردن زمینه مناسب تر برای اجرای عملیات بودند. حوالی ساعت ۹ صبح محسن رضایی نامه ای برای امام نوشت و از ایشان درباره رفتن به نزدیک ترین قرارگاه تاکتیکی خاتم الانبیاء (ص) به خط دشمن کسب تکلیف کرد.

ساعت ۱۶:۳۰، محسن رضایی که روزه بود در یک گوشه سوله نشسته و برادر محمدزاده در حال قرائت قرآن است. آیاتی درباره جنگ بدر آمد. محمدزاده پیشنهاد کرد که نام عملیات را بدر بگذاریم، رضایی گفت بله اسم عملیات بدر است. در ساعت ۱۸:۳۰ فرمانده کل سپاه نماز را اول وقت خواند و همراه سرهنگ صیاد شیرازی که او هم روزه بود، افطار کردند.



سازندگی افزایش یابد در کنار قرارگاه های اصلی و فرعی، قرارگاه های جهاد نیز به وجود آمد و از برهه ای در جنگ شاهد شکل گیری قرارگاه های مهندسی رزمی خاتم الانبیاء (ص)، کربلا، نجف و... هستیم. البته ساختار قرارگاه مهندسی رزمی خاتم الانبیاء (ص) بدین شکل بود که شورای مدیریت مهندسی جنگ داشت و زیر نظر آن شورا واحدهای جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، ستاد و عملیات مهندسی فعالیت داشتند.

بخش هایی از وزارتخانه ها نیز تحت امر قرارگاه مرکزی قرار گرفتند با اینکه در آن قرارگاه نماینده داشتند. وزارت اطلاعات که در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد تا پایان جنگ در قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) نماینده داشت. در رابطه با همکاری وزارتخانه ها با قرارگاه مرکزی نیز می توان به حضور وزیر کار در هشتم تیر ماه سال ۶۳ در قرارگاه اشاره کرد. وزیر ضمن بررسی نیازهای رزمندگان با تاکید بر اینکه برای ماتامین نیازهای فنی جبهه های جنگ در اولویت است، اعلام کرد که وزارت کار کلیه امکانات و نیروهای خود را برای آموزش رزمندگان به هر صورت ممکن بسیج می کند.

در زمان آغاز و اجرای عملیات ها مسئولان در قرارگاه مرکزی و قرارگاه های فرعی حضور پیدا می کردند. چه آن زمانی که قرارگاه کربلا، قرارگاه مرکزی بود و چه آن هنگامی که قرارگاه خاتم الانبیاء

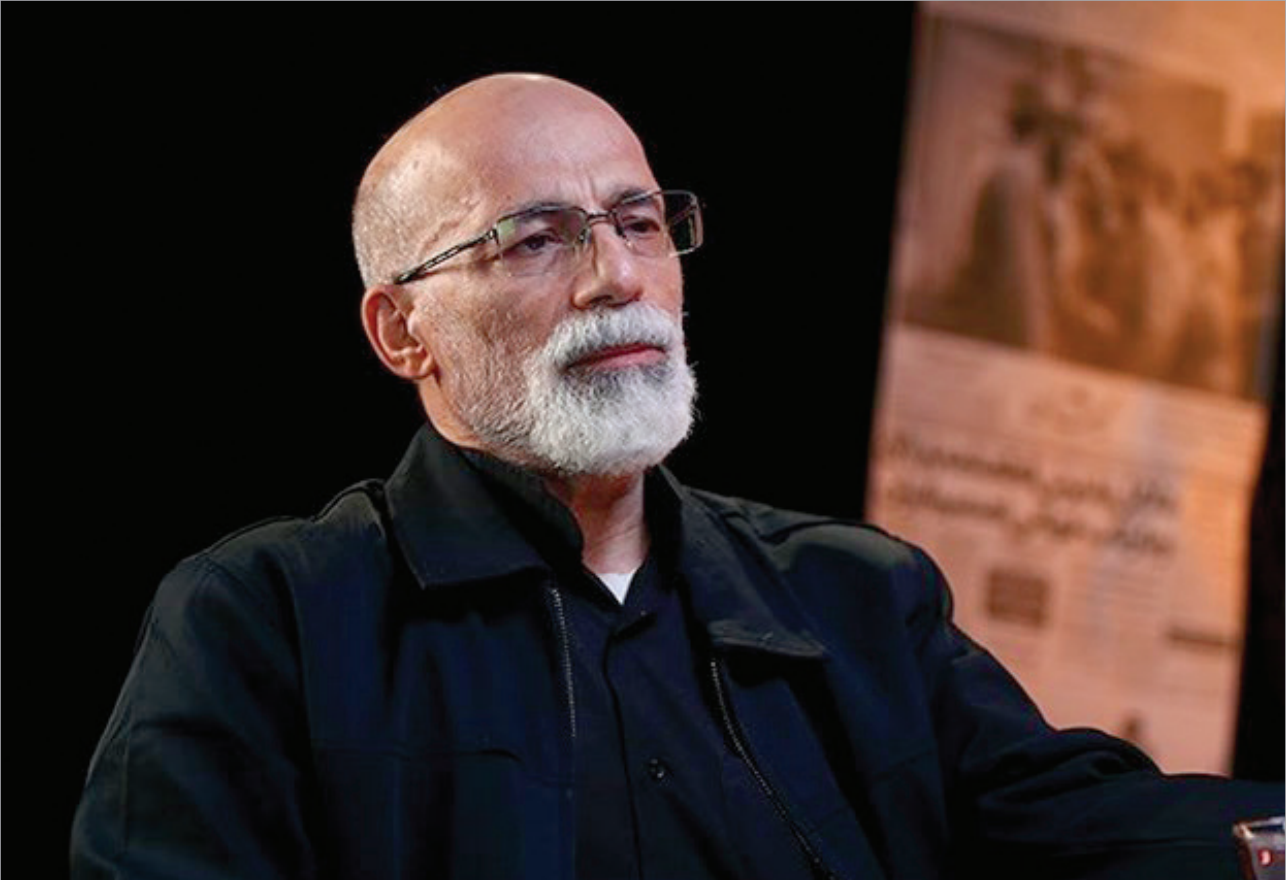
در وسط آن نیز رمز عملیات درج شده بود. در زیر رمز عملیات نوشته بود، مرکز عملیات مشترک ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

در ساعت ۲۳:۱۵، در حالی که در یکی از سوله‌های قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) دعا خوانده می‌شد، محسن رضایی و سرهنگ علی صیاد شیرازی رمز عملیات را برای فرماندهان سپاه و ارتش اعلام کردند. تا ساعت ۲۴ با وجود درگیر شدن اغلب یگان‌ها در محورهای عملیاتی غیر از لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب در قرارگاه کربلا خبری از تصرف سیل بند سراسری یا پد خندق مخابره نشد. در قرارگاه نوح نیز قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله اطلاع داد که نیروها سوار بر قایق در سکوت و آرامش به سمت دشمن در حرکت هستند، در حالی که آتش توپخانه دشمن به طور محسوسی افزایش یافته است. مصطفی ربیعی جانشین قرارگاه نوح خطاب به حاضران در مقر فرماندهی اظهار کرد رزمندگان هرچه در توان داشتند به کار بردند، دیگر کاری از کسی بر نمی‌آید و باید خدا کمک کند.»

ساعت ۲۰:۲۰، بعد از تماس تلفنی شمعخانی و حسن روحانی (احتمالاً با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی) قرار بر این شد که اگر عراق به تهران حمله کرد ما هم بغداد را با موشک بزنیم. ساعت ۲۱:۱۵ رحیم صفوی پس از تماس با قرارگاه‌ها اعلام کرد همه چیز به خوبی پیش می‌رود و وضع مطلوب است.

ساعت ۲۱:۲۰، محسن رضایی به رسول زاده گفت بابت امام تماس بگیرید و بگویید امام دعا کنند تا دشمن رزمندگان ما را نبیند و آن‌ها بتوانند خط را بشکنند. این درخواست به صورت رمز ارسال شد. ساعت ۲۳ فرمانده کل سپاه برای هدایت عملیات از قرارگاه نصرت به سمت قرارگاه تاکتیکی خاتم الانبیاء ۲ حرکت کرد. وقتی وارد قرارگاه شدیم جمعیت زیادی آنجا بود، رستگاری در حال قرائت بود، شخصیت‌های روحانی و فرماندهان قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) و سایر مسئولان حضور داشتند، در سمت چپ میزی که بی‌سیم هدایت عملیات روی آن قرار داشت با حروف درشت نوشته شده بود «جنگ، جنگ، جنگ تارفع فتنه».





«محمد درودیان» راوی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص)
در دوران دفاع مقدس در گفت وگو با سرو:

ایده آقای هاشمی برای پایان جنگ کسب یک پیروزی بود

هاشمی رفسنجانی زمانی که به فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) در سال ۱۳۶۲ منصوب شد، علاوه بر اینکه تلاش کرد تا در اجرای عملیات‌ها بین سپاه و ارتش هماهنگی به وجود آورد، پیگیر اجرای یک سیاست و راهبرد در ادامه جنگ تحمیلی شد تا با اجرای یک عملیات بزرگ، جنگ را به پایان برساند؛ هاشمی جنگ را مانعی در برابر توسعه می‌دانست. در ادامه گفت‌گوبا «محمد درودیان» پژوهشگر و تحلیلگر تاریخ جنگ را می‌خوانید.



ابوالفضل صالحی

نقش هاشمی رفسنجانی در تبیین و تعیین اولویت‌های استراتژیک در مراحل مختلف جنگ چه بود؟

نقش آقای هاشمی در رابطه با جنگ را می‌توان در پنج محور کلی دسته‌بندی و تعریف کرد. نخستین محور، تولید گفتمان رسانه‌ای و سیاسی کشور است. ایشان از جایگاه رئیس مجلس و خطیب جمعه و به عنوان یکی از یاران نزدیک و مورد وثوق امام خمینی (ره) که از مواضع و نظرات ایشان اطلاع دقیق داشت و ناقل آن‌ها بود، مرجعی قابل اعتماد بود که گفته‌هایش از موضع یکی از ارکان نظام بازتاب وسیعی می‌یافت و از طرف مردم مورد پذیرش قرار گرفته و به گفتمان عمومی تبدیل می‌شد. محافل سیاسی و رسانه‌ای خارج از کشور نیز به گفته‌های ایشان استناد کرده و حرف‌های آقای هاشمی را مبنای تحلیل و اظهار نظر در ارتباط با جنگ قرار می‌دادند و از مسیر تجزیه و تحلیل حرف‌های ایشان درمی‌یافتند که ایران به دنبال چیست؟

محور دوم، پشتیبانی از جنگ بود. به این معنا که ایشان در تدارک ملزومات جنگی از طریق خرید تجهیزات و امکانات مورد نیاز از کشورهای مختلف، همچنین تشویق مردم برای کمک به جبهه‌ها، نقشی فعال داشت. در این محور به دلیل نفوذ آقای هاشمی در سیستم مدیریتی کشور و اطلاع از کاستی‌ها و منابع، بسیار کارساز بود. محور سوم نقش ایشان در ساختار تصمیم‌گیری برای جنگ بود که از ابتدا با تشکیل شورایی دفاع در آن حضور داشت.

آقای هاشمی به اعتبار ریاست مجلس و هم بواسطه اعتمادی که امام (ره) به ایشان داشت، در تصمیم‌گیری‌های کلان جنگ مشارکت مستقیم داشت. بلکه شاید بتوان گفت در تصمیم‌گیری‌ها برای جنگ نقش عمده‌ای برعهده ایشان بود. مضافاً اینکه از یک مقطعی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا منصوب و در رأس تصمیم‌گیری برای جنگ قرار گرفت. محور چهارم نقش ایشان در تصمیم‌سازی برای ادامه جنگ، فرماندهی جنگ و پایان دادن به جنگ بود. محور پنجم هم هدایت دیپلماسی کشور در شرایط جنگی است. آقای هاشمی در سال‌های جنگ بویژه از هنگامی که جانشین فرمانده کل قوا شد، سفرهایی به سوریه، لیبی، ژاپن، چین و سایر کشورها انجام داد و سکانداری دیپلماسی کشور در مقطع جنگ را برعهده گرفت.

آیا می‌توان از آقای هاشمی در ایجاد هماهنگی میان ارتش و سپاه به عنوان یک محور یاد کرد؟

دقیقاً! به همین دلیل ایشان جانشین فرمانده کل قوا شد. وقتی شهید صیاد شیرازی به ارتش آمد و آقای محسن رضایی هم فرمانده سپاه شد، بنی صدر از ساختار سیاسی کشور حذف شده و اختلافات فی‌مابین برطرف شده بود. در سطح نظامی هماهنگی‌های لازم بین ارتش و سپاه انجام می‌شد و هنگامی که به سطح سیاسی می‌رسید مورد حمایت قرار می‌گرفت. اما در این باره برای همیشه بر این پاشنه نچرخید و آرام آرام این هماهنگی‌ها دچار مشکل شد.

جانشینی آقای هاشمی به عنوان فرماندهی کل قوا هم از درون همین بحث بیرون آمد. بعد از فتح خرمشهر، سپاه و ارتش در چند مورد دچار اختلاف شدند. اگر هم پیش از این اختلافاتی بود در سایه پیروزی‌ها کسی به آن توجه نمی‌کرد. ولی وقتی که عملیات رمضان موفق نشد و والفجر مقدماتی موفق نشد، آرام آرام میان ارتش و سپاه حداقل در سه مورد اختلاف پیش آمد و خود را نشان داد.

من معتقدم آقای هاشمی با توجه به اینکه آدم بسیار باهوشی بود، اگر چه از قبل مسائل جنگ را می‌دانست، ولی با حضور در موقعیت فرماندهی کل به سرعت به این نتیجه رسید که از طریق پیروزی نظامی نمی‌توانیم به نتیجه برسیم و جنگ را تمام کنیم. خود ایشان در این رابطه می‌گوید: «رفتم به امام گفتم، من نظرم این است که جایی را بگیریم و جنگ را تمام کنیم». در ادامه می‌گوید: «امام فقط به من نگاه کرد و لبخند زد.» یعنی امام چیزی در تأیید و یا رد نظر ایشان نگفته است. با این حال آقای هاشمی این موضوع را نقل کرده‌اند. به نظرم این نقل صادقانه‌ای است که شاید خیلی هم به سود ایشان نباشد، اما نشان می‌دهد آقای هاشمی راوی صادقی است. چون موضوعی را مطرح می‌کند که هیچ کس غیر از ایشان و امام از آن اطلاع ندارد، خودش بوده و امام، بنابراین می‌توانسته آن را بیان نکند یا جور دیگری نقل کند. موضوعی که ظاهرش به سود آقای هاشمی نیست. البته ممکن است بعضی لبخند امام را به معنای تأیید تلقی کنند. ولی برداشت من این است که با استناد به سیاق فرمایشاتی

که امام داشت، این تلقی درست نیست.

امام از ابتدا به سقوط صدام فکر می کرد، نه اینکه یک زمینی را بگیریم، بعد برویم با راه حل سیاسی جنگ را تمام کنیم. من معتقدم امام با نظر آقای هاشمی موافق نبوده ولی آقای هاشمی با امانتداری خبر این ملاقات را بیان کرده است. در هر حال به نظر من حضور آقای هاشمی در دوران جنگ از مقطع عملیات خیبر به عنوان جانشین فرمانده کل قوا موجب شد تا ایشان را به این جمع بندی برساند که وزن استراتژی «پایان بخشیدن به جنگ بعد از به دست آوردن یک گروهان بزرگ» را افزایش دهد.

چه عواملی موجب شد تا آقای هاشمی به این نتیجه برسد؟
 اساساً دیدگاه آقای هاشمی ناظر به این بود که جنگ معطوف به اهداف سیاسی است و این تفکر در مورد جنگ مختص آقای هاشمی بود. کس دیگری به این شکل و به این انسجام در این مورد صاحب نظر و دیدگاه نبوده است. اگر هم بوده بیان نکرده است. اما اینکه آقای هاشمی از کجا به این استراتژی که «زمینی را بگیریم و جنگ را تمام کنیم» رسیده بود، شاید

بتوان گفت یکی از دلایلش این بود که آقای هاشمی از قبل از انقلاب یعنی از زمانی که در زندان به سر می برد، تحت تأثیر شخصیت امیرکبیر بود. بنابراین، دیدگاهی این شکلی داشته که اصلاً هدف از انقلاب اسلامی توسعه اقتصادی و رشد کشور است. اگر این فرض درست باشد، نتیجه می گیریم که آقای هاشمی در تحولات سیاسی - انقلابی رویکردی رشد محور و توسعه محور داشته است و می خواسته این اهداف را جلو ببرد. برپایه این تحلیل وقوع جنگ مانعی جدی در جهت رشد و توسعه کشور بود. بنابراین باید این جنگ را هرچه زودتر تمام کرد. این جنگی است که به ما تحمیل شده و ادامه آن همراه با خسارت بیشتراست. از جهتی دیگر معتقدم بخشی از ایده «یک جایی را بگیریم و جنگ را تمام کنیم» به شم ذاتی آقای هاشمی برمی گردد. یک بار که برای گفت و گو به ملاقات حضوری ایشان رفته بودم، به ایشان گفتم: من معتقدم نظریه شما همان نظریه «کلاوزویتس» است. آنجا که می گوید: «هدف جنگ سیاست و بیرون از جنگ است». من مطمئن هستم شما اصلاً فرصت نکرده اید که کتاب های این نظریه پرداز را بخوانید ولی به شم ذاتی از این ایده پیروی کردید. همچنین معتقدم آقای هاشمی بخش مهمی از ایده خود را به تجربه آموخته بود.

ایشان وقتی که دید عراق یک سری از مناطق ما را گرفته و با گروهان گرفتن این مناطق می خواست ما را وادار به مذاکره کند و خواسته هایش را به ما تحمیل نماید، از عراقی ها الگو گرفت. در اصل این دکترین روس ها بود که به عنوان الگو مورد توجه عراق قرار گرفت و آقای هاشمی نیز آن را آموخت.

صدام بعد از ۷ روز که به گفته امیر موسوی قویدل، توانست ۱۵ هزار کیلومتر از سرزمین ایران را اشغال کند، به ایران پیشنهاد مذاکره داد. در مورد این درخواست صدام، شاید برخی فکر کنند که عراق از سراسر استیصال و سرخوردگی به دنبال اتمام جنگ بود. من معتقدم که این برداشت درست نیست. البته این درست است که به اهداف اولیه خود نرسید ولی به همان اندازه که دست یافته بود فکر می کرد می تواند اراده اش را بر ایران تحمیل کند. بر این اساس من معتقدم آقای هاشمی با شم سیاسی این تفکر را که، زمینی را از دشمن بگیریم و متکی بر آن اهداف سیاسی را تأمین کنیم، از رفتار عراقی ها آموخت.

66

دروند جنگ تا مقطع
 فتح خرمشهر، آرام آرام
 شکافی بین توانایی ها و
 امکانات ما ایجاد شد که
 این شکاف حاصل همین
 حمایت دنیا از صدام
 بود. دنیا دنبال جنگ
 بدون برنده بود.

99



بود که مایک جایی را بگیریم تا جنگ تمام شود و سقف آن هم این بود که اگر بشود صدام را ساقط کنیم. این سقف و کف با هم قابل انطباق بود به این معنی که اگر ما یک منطقه‌ای را می‌گرفتیم که اهمیت استراتژیک داشت، بعد از آن ادامه جنگ برای صدام و حامیانش امکان پذیر نبود و عملاً به سقوط رژیم بعث عراق منجر می‌شد. بنابراین این دو قابل تفکیک نبودند. منتهی در مجادلات گفتمانی گاهی این‌ها از یکدیگر تفکیک می‌شوند. در صورتی که آقای هاشمی به هردو گزینه فکر می‌کرد.

باتوجه به حمایت صدام از سوی شرق و غرب و همین‌طور برخی از کشورهای منطقه آیا این استراتژی قابل اجرا بود؟
من معتقدم در روند جنگ تا مقطع فتح خرمشهر، آرام آرام شکافی بین توانایی‌ها و امکانات ما ایجاد شد که این شکاف حاصل همین حمایت دنیا از صدام بود. دنیا دنبال جنگ بدون برنده بود. آقای هاشمی فرمانده جنگ است و این‌ها را مشاهده می‌کند و باخود می‌گوید اگر بخواهیم این اهداف را تأمین کنیم با این توان و با این استعداد نظامی آیا می‌شود یا نمی‌شود؟ او شرایط دنیا را می‌بیند و می‌سنجد. به همین دلیل بعد از عملیات خیبر می‌گوید: با این

از گفتمان حاکم در طول جنگ تحمیلی چنین برمی‌آید که استراتژی ایران با سقف و کف «دفع فتنه از عالم» و «سرنگونی حکومت بعث عراق» دنبال می‌شده و تنبیه متجاوز در مرکز خواسته‌های ایران قرار داشته است. در چنین فضایی ایده آقای هاشمی چگونه می‌توانسته به عنوان یک راهبرد مطرح شود؟ استراتژی امام سقوط صدام بود و قبل از وقوع جنگ هم شکل گرفته بود. امام نخستین بار در فروردین سال ۵۹ مردم عراق را دعوت به قیام علیه صدام می‌کند. یعنی ۵ ماه قبل از جنگ و آن زمانی است که شهید آیت الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی دستگیر می‌شوند. امام در یک موضعگیری علنی سقوط صدام را مطرح می‌کند. اساساً دلیلی که امام قائل به مذاکره با صدام نبود و اجازه مذاکره نمی‌داد نیز همین نکته بود. در مقطع بعد از فتح خرمشهر وقتی تنبیه متجاوز مطرح شد، مفهوم این همان سقوط رژیم بعث عراق بود. یعنی ما می‌خواستیم با متجاوزان جهان رفتار کنیم که الگویی شود برای سایر متجاوزان، یعنی ساقطش کنیم و گرنه تنبیه متجاوز معنا و مفهوم دیگری ندارد. جالب است که در طرح نظامی قبل از انقلاب هم در صورت حمله عراق، هدف ایران سقوط رژیم بعث عراق پیش‌بینی شده بود! من به نظرم یک سقف و کفی شکل گرفته بود که کف آن این

سمت بصره و مناطق بیشتری را تصرف می‌کردند که نکردند.» یک بار که با سردار غلامعلی رشید رفته بودیم خدمتشان، سردار رشید گفت، اهدافی که برای عملیات فاو تصویب شد همین بود، ایشان در آن جلسه پذیرفت. ولی با اینکه پذیرفت باز در صحبت دیگری دوباره اشاره کرد که آن پیروزی که من می‌خواستم، محقق نشد و باید بیشتر از این می‌شد و نتوانستند، یعنی در واقع آقای هاشمی عدم موفقیت استراتژی خود را به گردن نظامی‌ها می‌انداخت و می‌گفت: آنچه ما می‌خواستیم این‌ها نتوانستند به دست بیاورند تا من جنگ را تمام کنم.

آیا عملیات کربلای پنج نظر آقای هاشمی را تأمین کرد؟

به صورت نسبی می‌توان گفت تأمین کرد. چون به ما امکان داد تا جنگ را از طریق راه حل سیاسی تمام کنیم. قطعنامه ۵۹۸ در واقع یک راه حل سیاسی بود و ما را به نتیجه رساند. در ماه‌های پایان جنگ، مناطقی را که طی چند سال تصرف کرده بودیم، در عرض چهار ماه از دست دادیم. ماشین جنگی عراق دوباره به حرکت درآمد. هر جا که می‌رفت پیشروی می‌کرد. خطوط دفاعی سپاه و ارتش سقوط کرده بودند و قدرت دفاعی ما فروپاشیده بود. در این فرآیند آن عنصری که امام را متقاعد کرد که ما راهی غیر از پذیرش قطعنامه نداریم و گفتمانی را شکل داد که جامعه را متقاعد کرد تا وضعیت جدید را تاب بیاورد، نقش بی‌بدیل آقای هاشمی بود. یعنی آقای هاشمی در پایان دادن به جنگ نقش بی‌نظیری داشت. در آخرین لحظه هم برابر گزارش‌هایی که منتشر شده است در جلسه آخری که می‌روند خدمت امام، پذیرفتن قطعنامه برای امام سخت بوده و استدلال می‌کنند که تا حالا به مردم گفته ایم «جنگ، جنگ، تا پیروزی» حال برویم به مردم بگوییم که قطعنامه را پذیرفتیم! آقای هاشمی می‌گوید: من مسئولیت آن را می‌پذیرم، بعد من را محاکمه کنید. مرحوم آقای موسوی اردبیلی می‌گوید: «ما از منزل امام خارج شدیم رسیدیم به خانه‌هایمان زنگ زدند و خبر دادند که امام می‌گوید من خودم مسئولیت پذیرش قطعنامه را می‌پذیرم.» اگر امام نبود امکان خاتمه جنگ وجود نداشت. ولی کسی که مدیریت کرد و به این نقطه رساند آقای هاشمی بود. اما آن کسی که جنگ را تمام کرد و افکار عمومی را مدیریت کرد و نظامی‌ها را متقاعد ساخت تا شرایط جدید را بپذیرند امام بود.

وضع اقتصاد کشور، با این وسعت حملات دشمن به زیرساخت‌های اقتصادی و تأسیسات نفتی و با این وضع زندگی مردم نمی‌توانیم جنگ را اینگونه ادامه دهیم. پس باید یک پیروزی بزرگی به دست آوریم و جنگ را تمام کنیم و برای نخستین بار در جمع فرماندهان نظامی ایده خود را مطرح کرد و گفت: «شما منطقه عملیاتی خیبر را بگیرید بعد از آن بروید به خانه‌تان، بقیه‌اش با من...» این را در عملیات بدر هم گفت. همواره می‌گفت کشور نمی‌تواند معطل جنگ باشد. ما باید از این مرحله بگذریم. یعنی جنگ را تمام کنیم. چون آرام آرام به این نتیجه می‌رسید که عراق در حال توسعه دادن به جنگ است و با زدن منابع نفتی و شهرهایمان توان ما را دچار فرسایش می‌کند و اگر دیر تصمیم بگیریم امکان پیروزی با تصرف یک منطقه را هم از دست می‌دهیم.

عراق وقتی حمله کرد ۱۲ لشکر و چند تیپ بیشتر نداشت اما اواخر جنگ توان نظامی‌اش به ۵۰ لشکر رسیده بود. مهم‌تر از آن مسئول اطلاعات عراق می‌گوید: قبل از حمله به ایران تعداد کارکنان میز ایران کمتر از ۱۰ نفر بود و این تعداد در پایان جنگ به ۵ هزار نفر رسید. این آمار را نمی‌شود به راحتی باور کرد ولی واقعیت دارد و منتشر شده است. تمام تلکس‌ها و تلفن‌ها شنود می‌شده، به علاوه از سازمان سیا و همینطور از سایر منابع اطلاعاتی غرب هم کمک گرفته می‌شد. آقای هاشمی عمق این شکاف را احساس کرده بود لذا می‌گفت که ما باید هرچه زودتر جنگ را تمام کنیم و بیشتر راه حل سیاسی را مدنظر داشت.

آیا به این هدف رسید؟

من به نظر فتح فاو همان چیزی بود که آقای هاشمی می‌خواست. خود ایشان می‌گویند در نتیجه این عملیات، ارتباط عراق با شمال خلیج فارس قطع شد و ما موقعیت برتری در جنگ پیدا کردیم. چنانکه در جنگ نفتکش‌ها از همین رأس البیشه مقابله به مثل انجام می‌شد. پیروزی در عملیات فاو به ما قدرت فوق العاده‌ای داد ولی نتیجه‌اش چه شد؟! کشورهای بزرگ حمایت‌هایشان از رژیم عراق را افزایش دادند. بنابراین من معتقدم استراتژی آقای هاشمی با پیروزی فاو محک خورد و به بن بست رسید. یک بار این موضوع را به خود ایشان گفتم، ولی نپذیرفت و گفت: «آن پیروزی که من می‌خواستم این نبود. این‌ها باید عبور می‌کردند می‌آمدند به

روایت امیر سرتیپ «عبدالحسین مفید»
از فرماندهان قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) در دوران دفاع مقدس

فراز و فرودهای قرارگاه

داشت. ارتش عراق در ابتدای جنگ تحمیلی سه سپاه داشت که در روزهای پایانی جنگ به هفت سپاه افزایش پیدا کرد. ارتش عراق در ابتدا دوازده لشکر داشت که با سه سپاه می توانست آن ها را کنترل کند، اما وقتی تعداد لشکرهایش پنج برابر شد و افزایش چشمگیری یافت، به سپاه های بیشتری برای کنترل لشکرهایش نیاز پیدا کرد. البته ممکن است قرارگاه در هر سطحی تشکیل شود، اما می تواند عنوانش متفاوت باشد. در عملیات رمضان، لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) سپاه، حدود ۱۲ گردان داشت. شهید محمد ابراهیم همت فرمانده لشکر برای اینکه بتواند بهتر گردان هایش را هدایت کند، هر چند گردان را تحت امر یک محور قرار داد و چند نفر را هم به عنوان فرمانده و جانشین محور برگزید. در اینجا «محور» همان قرارگاه است. در عملیات بیت المقدس هم که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، گردان های لشکر ۲۷ تحت دو یا سه محور وارد عمل شدند.

برای اینکه بتوانیم عملکرد قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) در دوران دفاع مقدس را شرح دهیم، نخست باید به بیان تعریف «قرارگاه» بپردازیم. قرارگاه یعنی محل کنترل و فرماندهی. برای کنترل واحدها نیاز به قرارگاه فرماندهی و ستاد است. بنابراین زمانی قرارگاه تشکیل می شود که تعداد واحدهای عمل کننده دو یا بیش از دو واحد باشد. برای ایجاد هماهنگی بین این واحدها باید قرارگاه ایجاد شود. دلیل دوم ایجاد قرارگاه، گستره منطقه عملیاتی است. وقتی ستاد نمی تواند از تهران و مرکز، مناطق مرزی از شمال غرب تا جنوب غرب و از شمال شرق تا جنوب شرق را کنترل کند، اقدام به ایجاد قرارگاه هایی در هر منطقه می کند. از این رو در دوران دفاع مقدس در شمال غرب، غرب و جنوب غرب قرارگاه داشتیم. حال ممکن است برخی قرارگاه را با عنوان دیگری مانند «سپاه» معرفی کنند؛ کما اینکه نیروی زمینی ارتش پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برای کنترل مرزها چند سپاه داشت. ارتش بعث عراق نیز سپاه

از «مقدم» و «گلف» تا قرارگاه مرکزی

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) که پیش از اجرای عملیات خیبر و در سال ۶۲ تشکیل شد، بالاترین سطح قرارگاه در دوران دفاع مقدس بود که واحدهای تحت امر آن از یک منظر نیروی زمینی ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نیروهای مسلح (نیروی دریایی ارتش، نیروی هوایی ارتش، بسیج و...) بودند و از منظر دیگر قرارگاه نجف (به فرماندهی سپاه) و قرارگاه کربلا (به فرماندهی نیروی زمینی ارتش) بودند.

پیش از آن قرارگاه کربلا وجود داشت که به صورت مشترک توسط محسن رضایی فرمانده کل سپاه و سرهنگ صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش اداره می شد. این دو نفر به خوبی همدیگر را می شناختند و با فرهنگ هم آشنا بودند. فرماندهان ارتش و سپاه نیز آنس و بیضه های با هم داشتند و یکدیگر را با عنوان «برادر» خطاب می کردند. عملیات های فتح المبین، بیت المقدس و رمضان با فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا اجرا شد.

قرارگاه کربلا پس از انتصاب سرهنگ صیادشیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش و محسن رضایی به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چند روز پس از اجرای عملیات ثامن الائمه (شکست حصر آبادان) و سقوط هواپیمای c-۱۳۰ حامل فرماندهان ارشد نیروهای مسلح و در آخرین روزهای مهر سال ۶۰ به وجود آمد. قبل از آنکه قرارگاه کربلا ایجاد شود، سپاه و نیروی زمینی ارتش، هر کدام در جبهه جنوب یک قرارگاه داشتند. قرارگاه نیروی زمینی ارتش، قرارگاه مقدم بود و قرارگاه سپاه، ستاد عملیات جنوب بود که در پایگاه منتظران شهادت (پادگان گلف) مستقر بود. هر دو نیز در اهواز و در نزدیکی یکدیگر بودند.

فراز و فرود قرارگاه مرکزی

پس از ناکامی در عملیات رمضان اختلافات نظری بین طراحان و فرماندهان سپاه و ارتش به وجود آمد. (در ادامه توضیح خواهیم داد که ناکامی در عملیات رمضان به دلیل اختلافات نظری نبود) برای اینکه هماهنگی بین واحدها افزایش یابد و از مرحله طراحی تا عمل کنترل شود، تصمیم گرفته شد قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) ایجاد شود. تا پیش از آن سپاه و نیروی زمینی ارتش هر کدام

به صورت جداگانه شناسایی و طراحی انجام می دادند و در نتیجه هنگام اجرای عملیات هماهنگی های لازم ایجاد نمی شد. بنابراین تصمیم گرفته شد برای اینکه از مرحله شناسایی و طراحی، وحدت عمل به وجود آید، قرارگاه مرکزی خاتم ایجاد شود. قرارگاه خاتم در راس ارتش و سپاه بود تا فعالیت های این دو نهاد را هماهنگ کند. در ابتدا با دستور و نظارت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت، سرهنگ موسوی قویدل که افسر ستادی و عملیاتی بود و تجربه خوبی در این رابطه داشت، مسئول طی مراحل اداری و سازماندهی قرارگاه شد. محل این قرارگاه ابتدا در کاخ مرمر در نزدیکی ساختمان ریاست جمهوری بود و سپس به ستاد نیروی زمینی ارتش و معاونت اطلاعات عملیات آن ستاد منتقل شد. از ارتش بنده و سرهنگ سیروس لطفی و از سپاه آقایان رحیم صفوی و حسین علایی در شکل گیری آن قرارگاه و تهیه طرح های عملیاتی نقش داشتند. اولین دستور کار مربوط به عملیات خیبر بود. تمامی دستورالعمل ها و نقشه های مورد نیاز آماده شد و برای فراهم سازی مقدمات عملیات به منطقه رفتیم، اما همین که به منطقه رسیدیم، هرکس به واحد خود رفت و آن هماهنگی که دنبالش بودیم، محقق نشد. من و سرهنگ لطفی به ارتش رفتیم و آقایان رحیم صفوی و علایی به سپاه رفتند.

«اطلاعات» و «عملیات» دو رکن مهم قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) بودند. بنده و آقای محمد باقری در واحد اطلاعات و سرهنگ لطفی و آقایان رحیم صفوی و حسین علایی در واحد عملیات بودند. پیش از اجرای عملیات خیبر آیت الله هاشمی رفسنجانی به فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) برگزیده شد، تلاش شد آن اتفاق دیگر تکرار نشود و در صحنه عمل نیز آن هماهنگی وجود داشته باشد و حفظ شود، اما پس از آن هم نشد آن هماهنگی را در عمل به وجود آورد. در نتیجه تصمیم گرفته شد، هر واحد به صورت جداگانه برنامه ارائه دهد و عمل کند، اما قرارگاه خاتم بر عمل هر واحد نظارت داشته باشد. اگر به خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی رجوع کنیم، خواهیم دید که محورهای گفتگو در قرارگاه در خصوص ارائه طرح های عملیاتی از سوی سپاه و ارتش و درخواست تامین تجهیزات از سوی فرماندهان بود.

این وضعیت تا ماه های پایانی جنگ ادامه داشت که در نهایت



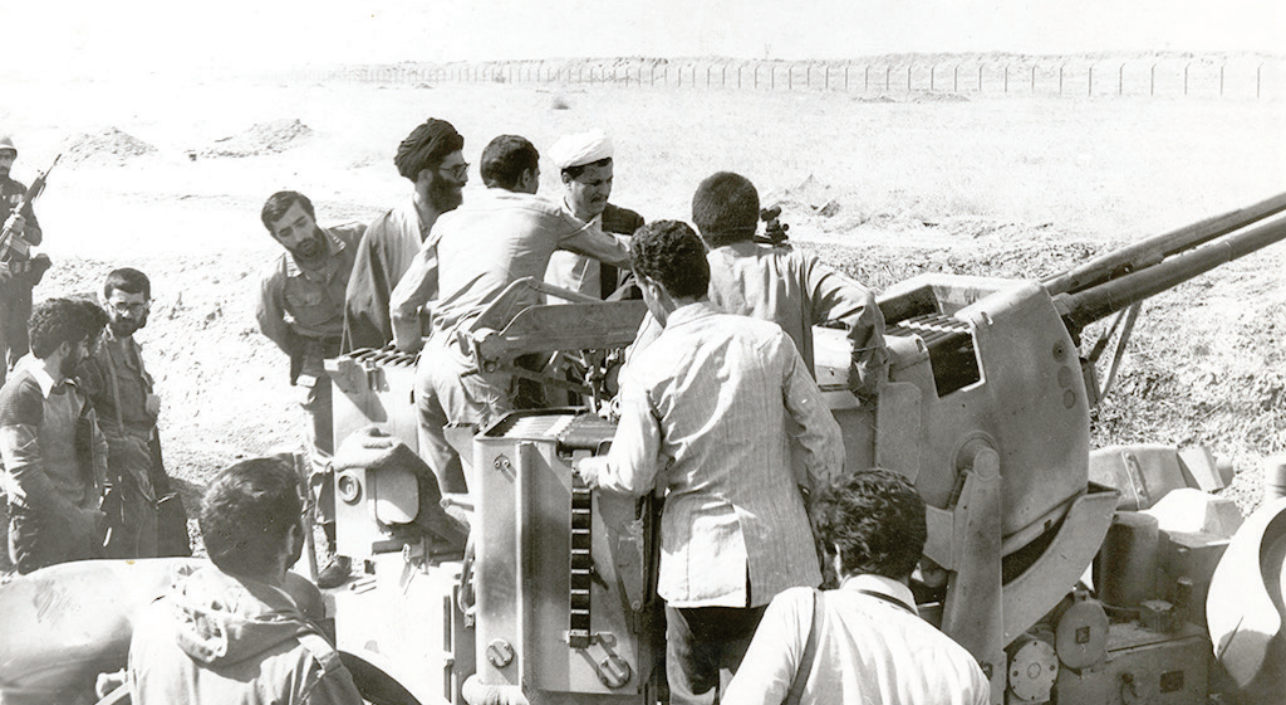
ایران را نوعی تهاجم به حساب می‌آوردند و توجیه منطقی برای جنگ در داخل ایران نداشتند، اما در خاک خودشان با انگیزه بیشتری می‌جنگیدند چرا که از کشورشان دفاع می‌کردند. این وضعیت در خصوص نیروهای ایرانی هم تا حدودی وجود داشت. این نکته را هم باید در نظر داشت که رزمندگان ایرانی پس از اجرای عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس خسته بودند و به دلیل تلفاتی که داده بودند، توان‌شان کاهش پیدا کرده بود. ارتش عراق پس از اینکه در جریان عملیات آزادسازی خرمشهر مجبور به عقب‌نشینی شد و به مرزهای خود بازگشت، بنا بر فرصتی که پیدا کرد اقدام به ایجاد یک خط دفاعی مستحکم شامل خاکریزهای مثلی شکل کرد. ارتش عراق در جریان آن عملیات و زمانی که دید نیروهایش در حال اسیر شدن هستند، به پشت مرزهای بین‌المللی برگشت و آرایش دفاعی گرفت. این خاکریزها در عمق هشت کیلومتری خاک عراق ایجاد شد و ارتش عراق خود را متکی بر این خاکریزها و کانال ماهی در جنوب آن خاکریزها کرد. در عملیات رمضان، رزمندگان ایرانی پس از شکستن خط بانیه‌روهای تامینی روبرو شدند که این نیروها ورزیده و توانمند بودند، مانع از پیشروی رزمندگان شدند، آرایش سازمان رزم ما را به هم ریختند و در نتیجه در تثبیت خطوط ناکام ماندیم. عراق از عملیات رمضان به صورت کلاسیک و پیچیده با ما رفتار کرد و در نتیجه جنگ با عراق بسیار سخت و دشوار شد. پس از عملیات رمضان، چند عملیات با ناکامی همراه شد. پیروزی‌هایی هم که به دست آمد، براساس انجام کارهای پیچیده شناسایی و اتخاذ تاکتیک‌های ویژه از سوی فرماندهان بود.

به منظور ایجاد هماهنگی بیشترین سپاه و ارتش، امام خمینی (ره) دستور تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا صادر کرد و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا شد. این ستاد بعدها به ستاد کل نیروهای مسلح تغییر نام داد که ابتدا سرلشکر فیروزآبادی و اکنون سرلشکر محمد باقری رئیس آن است. اما اتفاقی که در برهه کنونی رخ داده، این است که همزمان با انتصاب سرلشکر باقری به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز احیا و سرلشکر غلامعلی رشید فرمانده آن شد. بنا بر اطلاعاتی که اکنون از فعالیت‌های این قرارگاه دارم، این قرارگاه همان چیزی است که مادر دوران دفاع مقدس می‌خواستیم، اما محقق نشد.

علل ناکامی در رمضان چه بود؟

نکته‌ای که باید در بخش پایانی بدان اشاره کنم، این است که ناکامی در عملیات رمضان به دلیل عدم هماهنگی بین ارتش و سپاه نبود. ارتش عراق از زمانی که به پشت مرزهای خود بازگشت، قدرتش بیشتر شد. عراق تا وقتی که در ایران بود به دلیل اینکه گستره خطوطش زیاد بود و در هورالعظیم، کرخه‌کور، غرب اهواز، غرب کارون، خرمشهر و... خط داشت، قدرتش شکننده بود، اما وقتی به داخل عراق رفت، خطوطش به طلائیه، کوشک و شلمچه کاهش پیدا کرد و به عبارتی زمین برای آن‌ها نصف شد. در نتیجه تمرکز نیروها در یک خط دو برابر و بلکه بیشتر شد. ضمن اینکه نیروهای عراقی در خاک خودشان انگیزه بیشتری برای جنگ و دفاع داشتند. برخی از نیروهای عراق حضور در خاک

+ بیشتر بخوانید



از ستادی در تهران تا قرارگاه در جنوب

در سال ۱۳۶۲ و پیش از آنکه قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) ایجاد شود، ستادی در تهران به وجود آمد که فرمانده آن آیت الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت بود. سرهنگ موسوی قویدل رئیس ستاد، رحیم صفوی جانشین رئیس ستاد، حسین علایی مسئول عملیات و سرهنگ سیروس لطفی جانشین مسئول عملیات بود. با تشکیل قرارگاه مرکزی این ستاد به قرارگاه در جبهه‌های جنگ منتقل شد، اما چندی بعد تغییراتی در کادر قرارگاه به وجود آمد که فرماندهان قرارگاه مرکزی و قرارگاه‌های خاتم ۱ (سپاه) و خاتم ۲ (ارتش) به شرح ذیل هستند:



سمانه پرهام



حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی
فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص)



ابراهیم سنجقی
دفتر رئیس جمهور در امور سپاه



محسن رضایی
فرمانده قرارگاه نجف اشرف



سرهنگ علی صیاد شیرازی
فرمانده قرارگاه کربلا



حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی
رئیس ستاد قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص)
وی همزمان رئیس کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی
و فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) بود.



حسین علایی



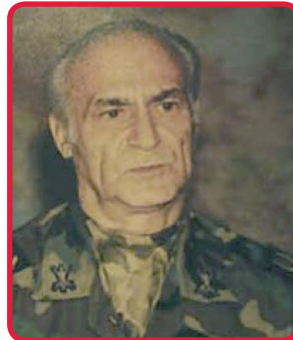
سیدیجی صفوی



سرهنک سید علی اکبر موسوی قویدل



حسن دانایی فرد



سرهنک سیروس لطفی



محمد باقری



سرهنک عبدالحسین مفید

معاونت اطلاعات



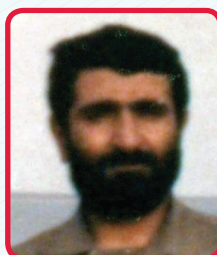
دفتر نمایندگی امام خمینی (ره)
شهید عبدالله میثمی



واحد زرهی
فتح‌الله جعفری



حفاظت اطلاعات
محسن تقوی



مهدی مبلغ



محمد فروزنده



علیرضا عندلیب



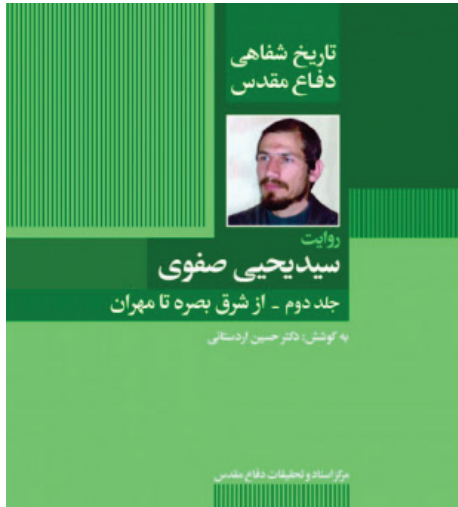
سید تقی رضوی

واحد مهندسی

یک ستادی در تهران

مرحوم امیر سید علی اکبر موسوی قویدل در گفتگویی که با محمد حسن محقق داشته و در کتاب اسرار مکتوم منتشر شده در خصوص قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) گفته است: «اینکه قرارگاه خاتم تشکیل شد و آقای هاشمی وارد شدند و فرماندهی جنگ را به عهده گرفتند، چون عملیات بدر - البته اول خیبر و بعد بدر - هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود بودند.





رئیس مجلس آن زمان یعنی آقای هاشمی خیلی بحث شد. بعضی‌ها طرفدار حضور آیت‌الله خامنه‌ای و بعضی‌ها طرفدار حضور آقای هاشمی رفسنجانی در سطح کلان جنگ بودند. برای ثبت در تاریخ عرض می‌کنم که من طرفدار فرماندهی آیت‌الله خامنه‌ای بودم. استدلالم این بود که ایشان ارتش و سپاه را خوب می‌شناسد و با کمال جدیت از ارتش و سپاه پشتیبانی می‌کند و وارد صحنه جنگ می‌شود.

استدلال دیگرم این بود که حضرت امام در حکمی در ۱۵ فروردین ماه سال ۶۲، فرمان تمشیت اموراتش و سپاه را به ایشان واگذار کرده بودند و ایشان در ساختمان ریاست جمهوری، ستاد کوچکی تشکیل داده بودند. البته آیت‌الله خامنه‌ای کمتر از یک سال این مسئولیت را به عهده داشتند. امام باتوجه به حادثه ترور ایشان و وضعیت جسمی شان و همچنین حساسیت سمت ریاست جمهوری، مخالف حضور آیت‌الله خامنه‌ای در جنگ بودند.

این بحث‌ها چند ماه قبل از تصمیم‌گیری نهایی حضرت امام و تعیین فرمانده جنگ بود. سرانجام محسن رضایی، فرمانده کل سپاه نامه‌ای به حضرت امام نوشت و آیت‌الله خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی را پیشنهاد داد. حضرت امام حکم فرماندهی جنگ را برای آقای هاشمی نوشتند و آقای هاشمی از ۳۰ بهمن ماه سال ۶۲ تا پایان جنگ، مسئولیت کامل جنگ را به عهده گرفت.

شاید اولین قلم را من خودم درباره عملیات خیبر به دست گرفتیم و به قول معروف اولین بای بسم‌الله را. چهار نفر روی آن کار می‌کردند: آقای علایی مسئول عملیات قرارگاه خاتم، آقای لطفی جانشین آقای علایی، خودم رئیس قرارگاه و آقای رحیم صفوی جانشین من. مهره چینی این چهار نفر، توسط خود حضرت آقا انجام گرفت و تا مرحله طرح‌ریزی، ایشان مسئول بودند. ما حتی در تهران، مکان زندگی هویدا را درست و به عنوان ستاد از آن استفاده کردیم. چیدن مهره‌ها در ستاد بر عهده من بود، به استثنای این چهار نفر که آقا فرموده بودند: جای این چهار نفر را خالی بگذار. روزی که قرار بود به منطقه برویم و وارد عمل شویم، فرمان حضرت امام صادر شد که فرماندهی جنگ را به آقای هاشمی محول کرده‌اند. از دفترشان با من تماس گرفته شد و گفتند که مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، مریض هستند و آسیب دیده‌اند. بعد از آن آقای هاشمی به منطقه آمدند.

... آقای هاشمی بعد از اینکه عملیات بدر انجام شد، فرماندهی جنگ را خودشان رسماً به عهده گرفتند و قرارگاه خاتم از آن شکل قبلی خود خارج شد؛ یعنی هم آقا رحیم و هم من از آنجا خارج شدیم و در واقع سیستم عوض شد.

دو. تغییر در فرماندهی

سردار سیدجیحی (رحیم) صفوی در جلد دوم کتاب خاطرات خود که با عنوان از شرق بصره تا مهران به کوشش مرحوم حسین اردستانی و توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به چاپ رسید، عنوان کرده است: «تا سال ۶۲ مسئولان بلندپایه سیاسی ایران کمتر به صورت جدی در مسئله جنگ ورود می‌کردند، ولی بعد از بروز و ظهور برخی اختلاف‌نظرها و همچنین عدم موفقیت در چند عملیات، سپاه و ارتش به این نتیجه رسیدند که یکی از مسئولان سیاسی باید فرماندهی جنگ را به عهده بگیرد. خاطرم است که در سپاه جلسات متعددی گذاشته شد. در جلسه‌ای که محسن رضایی، علی شمخانی، محسن رفیق دوست، غلامعلی رشید و حتی محمدزاده مسئول دفتر سیاسی سپاه حضور داشتند و من هم بودم، بحث شد که برای فرماندهی جنگ چه کسی را به حضرت امام پیشنهاد بدهیم. درباره رئیس‌جمهور وقت یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و

راهیان



۹۸

اقدامات بنیاد در جامعه
اثربخش است



۹۶

بنیاد، پرچمدار روایت
صحیح دفاع مقدس



۹۰

فعالیت‌ها باید معطوف به
جامعه جوان، نوجوان
و کودک باشد



۱۰۲

کار برای دفاع مقدس
باید جهادی باشد



۱۰۱

ضرورت همکاری برای
گردشگری دفاع مقدس



۱۰۰

شجاعت رزمندگان
بدون اغراق روایت شود

پرونده

همایش سالانه مدیران

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس



سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
خطاب به مدیران بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس:

فعالیت‌ها باید معطوف به جامعه جوان، نوجوان و کودک باشد

این مسئولیت، مسئولیت فوق العاده سنگینی است، آنچه که یک ملت را می سازد این روحیه و فرهنگ است و گر نه فناوری روز و اقتصاد شکوفا و چیزهای دیگر که در بخشی از جهان دیده می شود، به دلیل عدم وجود بنیان های فرهنگی قوی در خطر اضمحلال و اقدامات و رویکردهای قشری قرار می گیرد و عمقی را در درون خود نداشته و منجر به فساد و تباهی ملت ها می شود. اما آنچه که برای ملت ما وجود دارد اینست که چنین تاریخ پر شکوه و درخشانی که اگر درست به آن پرداخته بشود می تواند در تربیت نسل ها و ساختن کشور بزرگ مان نقشی اساسی را ایفا کند. از این جهت کاری که عزیزان ما در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس بر عهده دارند مسئولیتی فوق العاده سنگین و اساسی است و روز به روز بایستی این فعالیت از جهت کمی و کیفی توسعه پیدا کند و مخاطب بیشتری را جذب کند. خب بنده هم در حد توفیق و فرصتی که پیدا می کنم چه در تهران و سفرهای استانی دائماً تلاش می کنم تا در خدمت عزیزانم باشم و اخیراً توفیق شد از کار خوب عزیزانمان در استان فارس بازدید کردم، حقیقتاً در مدت کوتاهی کار زیبایی کرده بودند و بحمدالله مورد اشتیاق و مراجعه جوانان عزیز ما در شهر شیراز و استان فارس قرار خواهد گرفت، همینطور در سایر استان ها که ان شاء الله با تلاش عزیزان این موزه ها به به عنوان مراکز فرهنگی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس محل گردآمدن و تبادل اندیشه و نظرات و توشه چینی عزیزان ما قرار بگیرد و خاطرات و واقعیات دوران دفاع مقدس بیان شود. البته در این فرآیند ملاحظاتی وجود دارد که با آن مواجه هستیم و فکر می کنم که در این حوزه قبلاً با هم صحبت کردیم، بنده از این بابت خرسندم که پروژه های محتوایی که برای درک واقعیات دفاع مقدس تدوین شده است، جهت موزه آرایی و انتقال به موزه های سراسر کشور در حال آماده شدن است و امیدواریم با انتقال این دستاوردها و در معرض دید قرار گرفتن این موزه ها، بتواند مخاطبان تشنه عزیز کشور ما را سیراب کند و بیش از گذشته مفید فایده قرار گیرد.

اگر چنانچه انتظار داریم که روح مقاومت و آمادگی در سطح جامعه مان ارتقا یابد، اگر انتظار داریم گفتمان انقلاب اسلامی پویایی داشته باشد و دشمن ستیزی در نسل های ما باقی بماند، اگر انتظار داریم که وحدت و یکپارچگی ملی در کشورمان عمق

بنده به همه کارکنان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس خدا قوت عرض می کنم؛ عزیزی که در بخش های مختلف بنیاد چه در مرکز و چه در استان ها که حقیقتاً با رویکردی جهادی و فعالیتی در شأن دفاع مقدس و انقلاب اسلامی مشغول انجام فعالیت هستند و مسئولیت های سنگین را دنبال می کنند و کشور را از عطر شهدا و تاریخ پر عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس آکنده می کنند.

ان شاء الله با ابداعات، ابتکارات و تلاش های جهادی هر چه بیشتر و به برکت خون شهیدان و دعای حضرت ولی عصر (عج) و دعای حضرت آقا روز به روز موفق تر از گذشته در این عرصه عمل کنید. به هم میزانی که در این رابطه بکوشیم، باز هم نخواهیم توانست اهمیت و جایگاه دفاع مقدس را در تاریخ کشور، جهان اسلام، منطقه و سراسر جهان بیان کنیم.

ملت ها بر اساس اتفاقات بزرگ تاریخی شان رشد می کنند، ساخته می شوند و افق های بزرگی برایشان ایجاد می شود و بالعکس، چنانچه نتوانند از تاریخ خود بهره لازم را ببرند و نقش خود را به خوبی ایفا کنند طبیعتاً آینده ای تاریک برای شان رقم خواهد خورد. ملت ایران پس از سال ها، دهه ها و قرن ها حقارت توانستند با لطف خداوند و با رهبری روحانیت معظم به ویژه رهبری حضرت امام (ره)، انقلاب اسلامی را شکل دهند و بعد از آن با توطئه های متعدد و جنگ تحمیلی هشت ساله مواجه شدند که در آن دوران، ملت بزرگ ایران توانست در هشت سال با دست خالی در برابر دشمن بایستد و چنین افتخار بزرگی را رقم بزند.

طبیعتاً با گذر زمان و شکل گیری نسل های بعدی می تواند بستر فراموشی، غبار گرفتگی و زنگار زدگی نسبت به اتفاق بزرگ (دفاع مقدس) ایجاد شود و از طرفی توطئه ها و دروغ پراکنی دشمنان نیز می تواند واقعیت درخشان دفاع مقدس را به شکل دیگری برای نسل های بعدی به نمایش بگذارد.

آنچه که می تواند از این خطرات جلوگیری کند، این است که بتوانیم واقعیات دفاع مقدس را بدون تحریف، اغراق و دروغ، عین واقعیت را با زبان های متعدد و متنوع هنری و با جذابیت های هنری برای نسل های آتی بیان کنیم که این موجب کنار رفتن تمام زنگارها و غبارها و نقش برآب شدن توطئه های دشمنان می شود و خود به خود نسلی با همان روحیات را می تواند در سطوحی تربیت کند.

هستید که راجع به این عملیات هاچقدر حرف های گوناگونی زده شد که البته در این زمینه قدری خود ما مقصر بودیم که سخنان نسنجیده و فکر نشده و بعضاً نادرست را بیان کردیم و بخش زیادی از آن سخنان نیز مطالبی بود که ناآگاهان و مغرضان با دمیدن در اغراق، دروغ و تحریف بر زبان جاری کردند که این موجب ایجاد ابهام در نسل جوان، خانواده های معظم شهدا و نسل آتی مامی شود. کار سنگینی است و باید واقعیات دفاع مقدس عیناً و بدون تحریف و بازبان مناسب به مشتاقانش ارائه شود واقعیات گفته شود تا مشخص شود که ابهامی در واقعیات دفاع مقدس وجود ندارد. ما در ابتدای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هستیم، با این بیانیه ارزشمند که رهبر انقلاب اسلامی تبیین کردند قرار است که یک نسل بزرگی در ۴۰ سال آینده راه پرشکوهِ گذشته را آرمانی تر و با پیشرفت بهتری طی کنند؛ درک و بیان همسانی ها و ویژگی هایی که از دهه ابتدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و همچنین ۴۰ سال نخست می تواند برای ۴۰ سال دوم قابل استفاده باشد و توشه راه باشد از جمله مسئولیت هایی است که با کارتان می توانید آینده مورد انتظار در این عرصه را ایجاد کنید و تأثیرگذار باشید. محور مقاومت نقش آفرینی بی نظیری را در امنیت منطقه ایفا کرد که توجه به این موضوع از جمله موارد اساسی است و باید به آن پرداخته شود.

بحمدالله امروز بخش ارزشمندی از موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به موضوع «محور مقاومت» اختصاص یافته و آثاری از تلاش های سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و همزمانش در این محل به نمایش گذاشته شده است؛ طبیعتاً بخش هایی از این مطالب باید تکثیر و در استان ها ارائه شود، تا مردم، خانواده های شهدای مدافع حرم و نسل های فعلی و آتی از آن استفاده کنند و مطلع باشند که اگر این فعالیت ها نبود، نه تنها کشورهایی از منطقه اکنون در اختیار حکومت هایی از جنس داعش و مانند آن بود بلکه امنیت مرزها استان های مرزی و حتی سراسر کشور عزیزمان هم دچار خدشه و تهدید اساسی واقع می شد. اینها موضوعات اساسی است که باید به آنها پرداخته شود، یکی از مشکلاتی که دشمنان تلاش می کنند در کشور ما ایجاد کنند ایجاد تفرقه و آسیب زدن به وحدت و انسجام ملی با بهره گیری از نعمت تنوع قومی، و ویژگی های مذهبی کشور ما است.

بیشتری پیدا کند، اگر انتظار داریم که مردم و جوانان ما به صدق وعده های الهی و قدرت لایزال خداوند اعتقاد قلبی داشته باشند، اگر انتظار داریم که امید به آینده امید به توان ملی و خوداتکایی در مردم ما تقویت شود، اگر انتظار داریم که اراده و انگیزه و تاب آوری در برابر سختی ها و مشکلات در جوانان و مردم ما توسعه یابد و هراس و ترس دشمن از ملت و قدرت بازدارندگی ما پابرجا باشد، یکی از راه ها همین است که واقعیتهایی را که در مقاطع تاریخی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس محقق شده است به خوبی به نسل حاضر و آتی منتقل شود و در جان و روح جوانان ما بنشیند و ابهامات و سوالاتشان به خوبی پاسخ داده شود و عمیقاً درک کنند که چگونه یک ملت با همه فشارها و تحریم ها و با تهاجمات سنگین همه قدرت های جهان و بدون یار و یاور توانسته اند اینگونه ایستادگی کنند و سربلند از دفاع مقدس بیرون یابند و خاک کشورش، ایمان، اعتقاد و ارزش هایشان را حفظ کند و آن را به عنوان یک ارمغان به دست آیندگان برسانند.

مراقبت نسبت به تحریف، دروغ و اغراق فوق العاده حائز اهمیت است. ما در ایام عملیات های کربلای ۴ و کربلای ۵ هستیم شاهد

۶۶

**باید واقعیات دفاع
مقدس را بدون تحریف
اغراق و دروغ، بازبان های
متعدد و متنوع هنری
برای نسل های آتی بیان
کنیم که این امر موجب
کنار رفتن تمام زنگارها و
غبارهای شود.**

۹۹



مانند موربانه می‌تواند بنیان‌های فکری و فرهنگی نسل آینده را دچار سستی کند بایستی با استحکامی که شما و سایر اقشار مسئول در ساخت فرهنگ آینده کشور بتوانید آن استحکام را در فرهنگ و جان جوانان و نوجوانان و عزیزان ما ایجاد بکنند که بتوانند راه سخت و پرفراز و نشیب آینده را طی کنند. شکل دهی بخش‌های خاص کودکان و نوجوانان در موزه‌های استان‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و هر روش جذابی که بتواند نوجوانان جوانان و کودکان ما را جذب کند از جمله مهمترین مسأله‌ای است که بایستی مورد توجه عزیزان ما باشد.

رویکرد خوبی در بنیاد برای هم‌افزایی و استفاده از ظرفیت‌های کشور و نیروهای مسلح وجود دارد که باید این رویکرد ارزشمند روزبه‌روز تقویت شود و بنیاد حفظ آثار قرار نیست که رنگ یک سازمان را داشته باشد و قرار نیست که رنگ یک قوم یا یک بخش و یا یک ویژگی خاص استان خاص و بخش خاصی را به خود بگیرد. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس باید در تمام سطوح

دفاع مقدس از این جهت هم کارنامه درخشانی دارد و یگان‌های نیروهای مسلح و رزمندگان در سرتاسر دوران هشت سال دفاع مقدس از همه اقوام، مذاهب و همه زبان‌ها و آداب و رسوم در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافتند و دفاع مقدس در واقع آئینه تمام‌نمای عملی برای وحدت تمامی بخش‌های این ملت بزرگ در مسیر آرمان و هدف مقدسش یعنی دفاع مقدس است، اینها واقعیاتی است که باید به خوبی به آنها بپردازیم و از آنها بهره ببریم.

من لازم می‌دانم در اینجا تاکید کنم که برنامه و فعالیت‌های ما باید بیش از همه، جامعه جوان، نوجوان و کودک را در معرض مخاطب قرار دهد؛ زیرا جوانان نوجوانان و کودکان ما هم دوران پر افتخار دفاع مقدس را درک نکرده‌اند و هم در معرض شدیدترین تهاجمات فرهنگی در فضای مجازی و سایر ابعاد قرار دارند. و طبیعتاً سازندگان آینده جامعه و کشورمان و مهمترین نیروی محرکه برای پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی هستند و طبیعتاً این تهاجم فرهنگی که



مطالبه دارند؛ همه ما موظف هستیم که در این رابطه تلاش کنیم. همچنین اسناد ارزشمندی به عنوان اسناد بالادستی در اختیار داریم که به عنوان اساسنامه بنیاد، سند راهبردی بنیاد و مصوبات هیئت‌های امنای که می‌توانند شما را کمک کنند و طبیعتی است که مشکلاتتان را بایستی برای طرح در هیئت‌مدیره و هیئت‌امنا مطرح کنید تا راجع به آنها تصمیم‌گیری شود، مسئله مشارکت مردم در فعالیت‌ها فوق‌العاده حائز اهمیت است.

خدا را شکر می‌کنم نسبت به تشییع کم‌نظیر بانی نظیر پیکر مطهر شهدای والامقام مان که در سالروز شهادت حضرت زهرا (س) اتفاق افتاد؛ همه چیز تقریباً مردمی بود و این رویکرد ارزشمند است چرا که انقلاب و دفاع مقدس را مردم به ثمر رساندند و گرامیداشت و نكوداشت واقعی، آثار و تبعات و واقعیات دفاع مقدس نیز باید با فعالیت مردمی پیش رود و بر این مسئله تاکید می‌کنم.

روز به روز واقعیت و جایگاه فضای مجازی بیش از گذشته نمایان می‌شود، اما متأسفانه در کل کشور وضعیت مناسبی از این جهت وجود ندارد، مقام معظم رهبری هم در فرصت‌ها و مجال‌های متعددی گلایه خود را در این رابطه مطرح کرده‌اند.

امروز ما باید در این رابطه کار ایجابی کنیم و فعالیت‌های خود را در حوزه فرهنگ‌آیار و مقاومت و تبیین واقعیات دفاع مقدس و انقلاب

نماد نگرش‌های ملی، فراسازمانی و فرابخشی باشد و بتواند از همه امکانات و توانمندی‌های کشور و بخش‌های مختلف نیروهای مسلح استفاده کند. به طور خاص بنده تاکید دارم بر اینکه نمادها و عملکرد سازمان‌های مختلف نیروهای مسلح در دوران دفاع مقدس اعم از ارتش، سپاه، نیروهای شکل‌دهنده انتظامی کشور، جهاد سازندگی، همچنین یکایک ارگان‌ها، نهادها و بخش‌هایی که در دفاع مقدس نقش آفرینی کردند، روحانیت، زنان و سایر بخش‌ها باید با تمام ابعاد ضروری‌اش در موزه‌ها دیده شود و به طور خاص بر ضرورت همکاری و هم‌افزایی با بسیج در سراسر کشور تأکید دارم؛ بسیج شجره طیبه و باعظمتی است که امام راحل آن را غرس کردند و به حمدالله امروز رشد کرده و تنومند شده است و دسترسی و توانمندی فوق‌العاده بالایی دارد و قرار نیست که ما با همدیگر و با بسیج در استان‌ها خدایی نکرده به رقابت بیفتیم، اینکه این متعلق به من است، آن متعلق به اوست شکل بگیرد و باید با حداکثر رفاقت و برادری و هم‌افزایی کار را دنبال کنیم.

به حمدالله در مسیر کار شهادت‌آبیر و رهنمودهای نورانی و ارزشمند فرمانده معظم کل قوا وجود دارد که سرلوحه کار بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس است و ملاحظه کرده‌اید که معظم‌له چگونه و با چه عمق و حرارت و دلسوزی نسبت به این موضوع نگاه و

و باید با ابداع و ابتکار هر سال و هر دو سال فعالیت جدیدی به این حوزه‌ها اضافه شود و بر روی آن کار شود که طبیعتاً با تلاش شما عزیزان حتماً امکان پذیر خواهد بود.

تجلیل کار ارزشمندی است؛ من قدردانی می‌کنم از این اقداماتی که به سرعت توسعه پیدا کرده است، قدردانی می‌کنیم و امیدواریم که این تجلیل‌ها تداوم یابد؛ چرا که در پی آن، پیشکسوتان احساس می‌کنند که نهادها و دستگاه‌ها و مسئولینی که در راس امور هستند به فکر آنها هستند و از تلاش آنها قدردانی می‌کنند، این اقدام فوق‌العاده در روحیه آن‌ها و عملکرد آن‌ها مؤثر است.

پیشکسوتان محل رجوع جوانانی از خانواده و محله و قومشان هستند و طبیعتاً در توسعه فرهنگ دفاع مقدس و انقلاب نقش اساسی دارند. من لازم می‌دانم مجدداً از تلاش‌های رئیس محترم، معاونین و مدیران و مسئولان استانی بنیاد قدردانی کنم. ما در نیروهای مسلح و حتی در دولت در برنامه‌ها و عملکرد، نمی‌توانیم اعتبارات و پشتیبانی‌های اساسی از بنیاد داشته باشیم، تلاش بنیاد و یکایک شما برای جذب کمک‌ها از مجموعه‌ها، سازمان‌ها و نهادها، مردم و خیرین موجب توسعه فعالیت‌ها شده است و می‌تواند ادامه پیدا کند و همچنین سایر فعالیت‌هایی که با این مجموعه نسبتاً کوچک به لحاظ سرمایه انسانی دارید کار می‌کنید و طبیعتاً با تلاش و پیکاری خودتان دارید کمبودها را جبران می‌کنید جای قدردانی دارد، انشالله که در این مسیر روز به روز خداوند توفیقات بیشتر را نصیبتان کند.

روحیه تعاملی سردار کارگر هم فوق‌العاده مؤثر است، ما فعالیت‌های مشابهی ممکن است در حوزه پژوهش یا سایر ابعاد در سایر نهادها، در نیروهای مسلح داشته باشیم و شما هم در استان ممکن است که با نهادهایی، با اقدامات نسبتاً مشابه مواجه باشید، روحیه ما باید روحیه تعامل، هم‌افزایی و همکاری باشد. نمونه کار مشترک در دانشنامه استانی و دایره المعارف ملی دفاع مقدس که توسط دو مجموعه دارد انجام می‌شود نمونه موفقی است؛ عده‌ای یک کار ملی تحقیقاتی را برای دایره المعارف ملی انجام دهند و شما عزیزان دایره المعارف استانی را تهیه بکنید که می‌تواند یک کار هم‌افزا و مؤثر و موفق قلمداد شود. این روحیه همکاری و هم‌افزایی بسیار ارزشمند است که باید از آن مراقبت کرد و آن را عمق و توسعه داد، چرا که برکت نیز در کار جمعی نهفته است.

اسلامی و بیان آن با شکل زیبا و جذاب در فضای مجازی توسعه دهیم، اگر انتظار صد برابر شدن کتاب‌ها وجود دارد، حتماً انتظار صد برابر شدن فعالیت‌ها در فضای مجازی هم وجود دارد زیرا که این فضا اهمیتش فوق‌العاده بالا است و تأثیرگذار بر نسل جوان، نوجوان و کودک ماست که باید به آن توجه اساسی داشته باشیم. خدا را شاکر هستیم که امروز موزه‌های ارزشمندی ساخته شده است و قدردانی می‌کنیم از همه کسانی که در ایجاد بنای فیزیکی این موزه‌ها تلاش کردند، اما شکر این نعمت بر این است که حداکثر بهره‌برداری از این فضاها انجام شود. بعضی وقت‌ها یک فضای بزرگ و زیبایی برای انجام یک ماموریتی ساخته می‌شود اما میزان بهره‌برداری از آن در شأن آن فضا و ماموریت نیست؛ باید در موزه‌های دفاع مقدس و مراکز فرهنگی استان‌ها به این موضوع توجه داشته باشیم، جدول شما باید آنقدر پر باشد که اگر کسی از این فضا می‌خواهد استفاده بکند در نوبت قرار بگیرد، و این منوط بر این است که شما دائماً تلاش کنید تا این فضا فعال باشد و مراجعه مردم و اقشار مختلف در آن اتفاق بیفتد و در کنار فعالیت‌های فرهنگی که در آنجا صورت می‌گیرد ماموریت اصلی شما هم شکل می‌گیرد و پیش می‌رود، مسئله یادمان‌های دفاع مقدس در سرتاسر کشور به ویژه مناطق عملیاتی فوق‌العاده مهم است، راهیان نور در این دو سال به علت شیوع بیماری دچار خدشه شد. امیدواریم که ان‌شاءالله با لطف خداوند و با تلاش عزیزان در جبهه سلامت راهیان نور امسال بتواند با شکوه، با عظمت و گسترده و با رعایت همه دستورالعمل‌های بهداشتی برگزار شود آنچه که جوانان ما می‌توانند با چشمان خود در صحنه واقعی دفاع مقدس ببینند و لمس کنند طبیعتاً تأثیرش چندین برابر بیان یک سخنرانی و یا حضور در یک موزه بعداً ساخته شده است. همچنین مسئله یادمان‌های شهدای سراسر کشور؛ موزه‌ها در مراکز استان‌ها هستند و همه به آن دسترسی ندارند اما یادمان‌های شهدا در جای جای کشور برکت عطر افشانی شهدا و دفاع مقدس را به همراه دارند که باید به آن توجه شود و برنامه‌های فرهنگی متنوع و متعدد در این یادمان‌ها برای مردم سرتاسر کشور برگزار شود. ما همواره مسئله توجه به هنر و رسانه را تأکید کرده‌ایم و به حمدالله فعالیت‌های متنوعی که در ابتدای جلسه گزارش اجمالی آنرا شنیدیم نمونه‌هایی از اقداماتی است که داریم انجام می‌دهیم



امیر سرلشکر موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران:

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، پرچمدار روایت صحیح دفاع مقدس

آن است بدانند برای موفقیت هیچ چالشی نمی تواند در برابر آن ایستادگی کند.

نسل امروز باید بدانند برای حل مشکلات هیچ بن بستى وجود ندارد چرا که ما در دفاع مقدس صدها بار راه شکست بن بست ها را آموختیم و هیچ چیز نمی تواند باعث توقف در حرکت به سمت آرمان های انقلاب اسلامی شود. دشمنان ما امروز کوچکترین مشکلات ما را بزرگ جلوه می دهند، دفاع مقدس و ظرفیت های آن سدی در برابر دشمنان است و ما باید با هم افزایش این سرمایه عظیم را هنرمندانه به جوانان منتقل کنیم. دفاع مقدس نعمت بزرگی است که در اختیار ما قرار دارد و مسئولیت حفظ و نشر آن بر دوش شما قرار دارد. نباید اجازه دهیم دشمن با جنگ شناختی و تاثیرگذاری بر ذهن جوانان ما موفقیتی به دست بیاورد، دفاع مقدس سرمایه عظیمی است و نباید اجازه دهیم دشمنان در این حوزه ایجاد شبهات کنند. باید با روایت صحیح و درست از دفاع مقدس که می تواند باعث سربلندی کشورمان شود سوءنیت ها و شبهات را از بین ببریم. امروز ذائقه جوانان ما تغییر کرده است و ما باید با ابزار و روش های مختلف بتوانیم معارف دفاع مقدس را به آنها منتقل کنیم.

دفاع مقدس یکی از مهمترین نمادهای وحدت ملی و قدرت اراده ملت برای دفاع از آرمان های انقلاب است و تقلیل این دانشگاه بزرگ به جناحی خاص یک خطای بزرگ راهبردی است. کاملاً بدیهی است که سال ها طول بکشد تا همه ابعاد دفاع مقدس را تبیین و تشریح کنیم، باید رخدادها، حوادث و نقاط مهم را تثبیت کنیم تا دشمنان نتوانند آن را دچار تحریف کنند. امروز دشمنان ما از مراسمی همچون تشییع باشکوه شهدای گمنام در روز شهادت حضرت زهرا (س) ترس دارند.

تلاش های خالصانه ای برای حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس صورت گرفته و شما پرچمداران روایت مقطع بی نظیر دفاع مقدس هستید. رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرآزهایی از بیانیه گام دوم فرمودند «برای برداشتن گام های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه ها درس گرفت، اگر از آنها به درستی استفاده نشود دشمنان آنها را تحریف خواهند کرد، از همه ابزارها برای تحریف آن بهره گیری می کنند و حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید.»

انقلاب اسلامی در طول ۴۳ سال عمر پرپرکت خود، دستاوردهای عظیمی کسب کرده که مهمترین آن مقطع درس آموز دفاع مقدس است، که مقاومت و جبهه مقاومت شاخه برکشیده آن است. دفاع مقدس در امتداد عاشورا است و اگر در حوزه دفاع مقدس کاری هم نکنیم راه خود را ادامه خواهد داد، چرا که این راه حق است. یکی از ثمرات بسیار مهم دفاع مقدس خانواده شهدا و فرزندان شان هستند که مایه سربلندی و تضامین موفقیت کشور هستند؛ خانواده شهدا و فرزندان آنها از آثار و ارزش های دفاع مقدس است و ما در حفظ و نشر این آثار هم مسئولیت داریم. آموزه های دفاع مقدس مورد نیاز امروز و فردای کشور است، دفاع مقدس نشان داد اگر ملتی به خود متکی باشد و از رهبری تبعیت کند می تواند در مقابل دنیای شرک از حق دفاع کند و پیروز و موفق شود. روز به روز و دقیقه به دقیقه ی دفاع مقدس جای کار دارد و درس آموز است.

خوردستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان خودشان یک موزه هستند، باید کاری صورت گیرد که وقتی مردم وارد این شهرها می شوند احساس کنند وارد موزه ای از ارزش ها و مقطع بی نظیری از انقلاب اسلامی می شوند. امروز نسلی که دفاع مقدس را درک نکرده نیازمند





سردار اشتری فرمانده کل انتظامی کشور:

اقدامات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در جامعه اثربخش است

همکاری که در چند سال گذشته بین انتظامی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در خصوص اعزام کاروان های راهیان نور صورت گرفت باعث شد تا از بروز حوادث جاده های پیشگیری شود و حادثه ای طی چند سال گذشته روی ندهد، لذا امسال نیز انتظامی کشور آمادگی کامل برای این همکاری دارد. همکاری که می توانیم با بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در خصوص راهیان نور داشته باشیم در دو موضوع تردد خودروها و کاروان ها به منظور جلوگیری از بروز حوادث جاده ای و برقراری امنیت کاروان ها در مسیر و محل های اسکان خواهد بود برای اساس، امسال نیز تلاش می کنیم تا بهترین دوره را داشته باشیم. ما خدمات رسانی در راهپیمایی عظیم اربعین و راهیان نور را برکت کار خود می دانیم، انتظامی کشور آمادگی دارد در حوزه برگزاری راهیان نور اقدامات لازم را انجام دهد و خوشحال می شویم که در این دو حرکت عظیم مسئولیت هایی به انتظامی سپرده می شود چرا که حضور کاروان های دفاع مقدس در یادمان های دفاع مقدس شور و حال زیادی در کشور ایجاد می کند.

موضوع بعدی هم این است که بتوانیم نشر ارزش های دفاع مقدس در جامعه داشته باشیم و از آسیب های اجتماعی پیشگیری کرده و تهدیدات را هم خنثی کنیم و باعث رشد و ارتقا کشور در حوزه های مختلف شویم؛ به عبارت دیگر اگر بتوانیم روحیه انقلابی و جهادی که رزمندگان مادر دفاع مقدس داشتند را در جامعه ارتقا دهیم به طور قطع باعث ارتقا بیشتر جامعه در حوزه های مختلف خواهد شد. انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا با تاسی از شهدای دفاع مقدس و شهدای پس از آن و نیز تاکیدات فرمانده معظم کل قوا، روحیه انقلابی و غیرت دینی را در مجموعه ناجا ارتقا دهد؛ لذا امروز با ورود جوانان با انگیزه و انقلابی و نیز با توان های خوب و حرفه ای در راستای منویات امامین انقلاب و اهداف رزمندگان دوران دفاع مقدس امیدواریم بتوانیم برای امنیت و آسایش بیشتر مردم خدمت بیشتری را انجام دهیم. ساختار جدید هم که با ابلاغ فرمانده معظم کل قوا به ناجا صورت گرفت، موجب تحول بزرگی خواهد شد و اثرات آن را در ناجا و کشور در ماه ها و سال های آینده مشاهده خواهیم کرد تا بتوانیم مأموریت های محوله را با قدرت، قوت و تجهیزات و نیز توانمندی و حرفه ای گری بیشتری انجام دهیم و البته در خدمت رسانی به مردم هم گام های بلندتری را برداریم.

یاد و خاطره شهدای عملیات کربلای چهار و پنج را گرامی می دارم و در ابتدا باید عنوان کنم پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مراسم تشییع پیکرهای مطهر شهدا عظمت بخشید، این مراسم کم نظیر بود، این حرکت، یک حرکت مردمی بود که واقعا قابل تقدیر و تحسین است. نشر ارزش های دفاع مقدس هم جامعه را از آسیب ها و تهدیدها مصون می کند و هم موجب رشد و شکوفایی کشور می شود. فرهنگ دفاع مقدس، فرهنگ غنی و ارزشمندی است که سال های زیادی می توان از آن استفاده کرد و هر چقدر از این گنج استخراج کنیم کم نخواهد شد. مسئولیت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، مسئولیت خطیری است که اثر بخشی زیادی در جامعه دارد.

ما مصداق غیرت دینی را در دفاع مقدس به عینه درک کردیم؛ رزمندگان ما اعم از اترشی ها، سپاهی ها، بسیجی ها، انتظامی ها و عموم مردم کسانی بودند که با غیرت دینی در مقابل دشمن تابان دندان مسلح مقاومت کردند و پیروز شدند. غیرت دینی دوران دفاع مقدس باید به نسل آینده به نحو احسن منتقل شود. دفاع مقدس بزرگترین افتخار ایران اسلامی چه بعد از انقلاب و چه قبل از انقلاب است و البته در حوزه هایی همچون پزشکی، دفاعی، هسته ای، افتخاراتی کسب شده است، اما دفاع مقدس بی نظیر است و قابل قیاس نیست. این افتخار باید به صورت کامل منسجم منعکس شود.

دشمن به دنبال ایجاد ابهام در ارزش های دوران دفاع مقدس است و قصد دارد این افتخار را از ما بگیرد، دوران دفاع مقدس همانند تابلویی است که هر چقدر به این تابلو نزدیک می شویم به زوایای پنهان آن پی می بریم. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس باید این تابلو را برای نسل جوان و آینده به زیبایی ترسیم کند. مسئولان و جوانان مادر هر عرصه ای به تاسی از دوران دفاع مقدس ورود پیدا کردند، موفق شدند. موفقیت های مادر حوزه دفاعی علاوه بر هدایت های امام خامنه ای به تاسی از شهدایی هم چون باکری، همت، خرازی، سلیمانی، طهرانی مقدم و... صورت گرفته است. موفقیت های امروز جبهه مقاومت برگرفته از دوران دفاع مقدس است، شهید ابومهدی المهندس می گفت، مادر جبهه مقاومت هر کاری که انجام می دهیم به فرماندهان شهید دوران دفاع مقدس اقتدای کنیم. فضای مجازی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نقش بسیار با اهمیتی دارد، تولید محتوا در حوزه فرهنگ ایثار و شهادت در این فضا می تواند بسیاری از آسیب هایی که امروزه در جامعه گرفتار آن هستیم را خنثی کند.



دکتر محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

شجاعت رزمندگان بدون اغراق روایت شود

مرقد شهدای گمنام محل مراجعه عموم مردم شده است، شجاعت رزمندگان باید بدون اغراق روایت شود، چون هر چه در مورد دفاع مقدس بگوییم، تمام نمی شود. دفاع مقدس انقلاب اسلامی را بیمه کرد و در این دوران بود که ما حقانیت انقلاب اسلامی را به جهان مخابره کردیم.

موضوع گسترش فرهنگ ایثار و شهادت یکی از سرفصل های اصلی کاری ما است، ما به عنوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دولت انقلابی در کنار شما هستیم. ما امروز درگیر یک شبیخون فرهنگی هستیم و دشمن از طریق فضای مجازی هر اطلاعاتی در اختیار جوانان ما قرار می دهد، امروز نباید غفلت کنیم چرا که درگیر جنگ واقعی در حوزه روایت گیری هستیم راهیان نور مهمترین کارآفرندی در مقابل این تهاجمات است. راهیان نور بچه های ما را بیمه می کند، امروز می توانیم با زبان هنر و تصویررشدات ها و ایثارگری ها را به نسل جوان انتقال دهیم و نسل امروز و آینده را با دفاع مقدس آشنا کنیم.

نظام اسلامی محصول خون پاک شهداست؛ لذا در این نظام کسی که در دوران دفاع مقدس بی تفاوت بود، نمی تواند در مسئولیت های حساس منصوب شود. دوران دفاع مقدس دوره طلایی تاریخ کشور است. هیچکس به اندازه رهبر معظم انقلاب اسلامی نمی توانست، گنج عظیم دفاع مقدس را زنده نگه دارد. غیرت و ایستادگی معظم له بود که این گنج غنی برای نسل های آینده زنده نگاه داشته شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی با وجود شرایط کرونایی جلسات کنگره شهدا را حضوری برگزار می کنند. پدران و مادران شهدا گنج های واقعی دوران دفاع مقدس هستند که باید خاطرات آن ها از فرزندان شهیدشان ثبت و ضبط شود. امیدوارم بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس حماسه بزرگ دفاع مقدس را روایت کند. برکت و معنویت شهدا ناخودآگاه نسل جدید را درگیر می کند، تشییع شهدای گمنام هر وقت در کشور صورت می گیرد، انقلاب اسلامی جان تازه ای می گیرد؛ چرا که در شرایط بد معیشتی و شرایط کرونایی مردم پرشکوه تر از قبل در مراسم تشییع شهدا حضور پیدا می کنند.



مهندس عزت الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی:

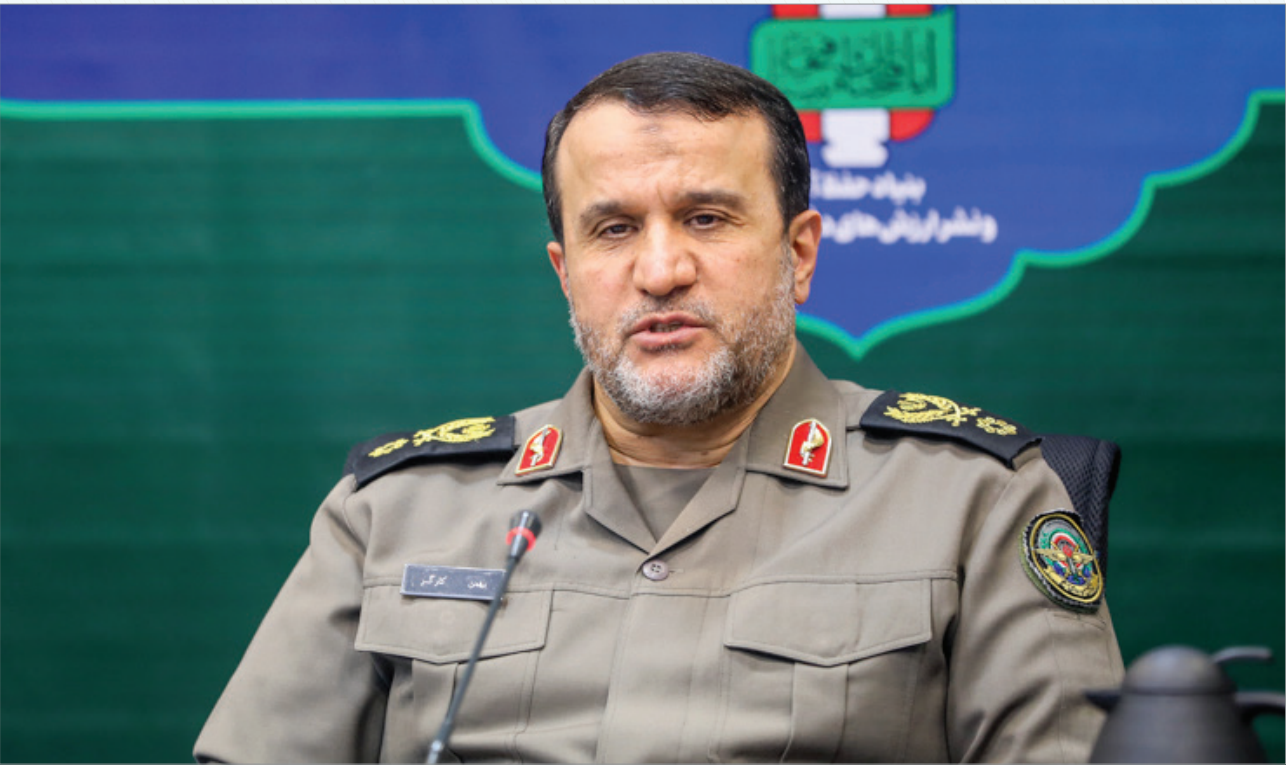
ضرورت همکاری برای گردشگری دفاع مقدس

آورد که هیچ‌گاه نخواهیم دید و تشییع این شهید والامقام یک فرایند تاریخی بود. ما اگر داریم ارزش‌های دفاع مقدس را حفظ می‌کنیم اولاً باید بدانیم ارزش دفاع مقدس همین وحدت و انسجام است و به نام دفاع مقدس بعضی‌ها نیايند جامعه را دچار تفرقه کنند بازديد جوانان و نوجوانان از يادمان‌های دفاع مقدس در قالب کاروان‌های راهیان نور اتفاقی بزرگ است. کجای دنیا دیدید که هفت میلیون نفر می‌روند از بیابان‌ها بازديد کنند و دچار تحول شوند؛ این حقیقت دفاع مقدس است.

وزارت میراث فرهنگی و بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس می‌توانند با یکدیگر در قالب گردشگری دفاع مقدس، گردشگری جنگ و... همکاری داشته باشند. اگر بتوانیم به درستی در حوزه بوم‌گردی عمل کنیم می‌توانیم به ترویج فرهنگ دفاع مقدس کمک کنیم. نیروهای انقلابی و بسیجیان می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌هایی که هست، ماهیت بوم‌گردی را تغییر دهند و باید در این حوزه فعال شویم. زمینه‌های همکاری احصاء شده و جلساتی در این خصوص با حضور سردار کارگر برگزار شده و در سفرهای استانی حتماً در خدمت شما خواهیم بود.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مصداق کامل میراث فرهنگی است. ما آثار تاریخی ملموس و غیرملموس داریم، ۵۳ هزار اثر تاریخی ملموس ثبت شده است؛ البته ما در سطح جهان ۲۶ اثر ثبت شده داریم. دو هزار اثر ناملموس فرهنگی در کشور ثبت شده است، با ثبت خوشنوسی در جهان تا کنون ۱۷ اثر تاریخی ناملموس در جهان ثبت شده است. آنچه مهم است میراث ناملموس است چرا که با فرهنگ، اعتقاد، ارزش‌ها و آئین‌های ما سروکار دارد و از هر چیزی قیمتی‌تر است.

دفاع مقدس حادثه‌ای در ابعاد بزرگ است. دفاع مقدس یک پدیده ویژه، استثنائی و بی‌بدیل است که خروجی و دستاوردهای زیادی دارد که یکی از این دستاوردها وحدت و انسجام ملی است. هرگاه شکاف عمیقی در کشور رخ داده، دفاع مقدس آمده و آن را ترمیم کرده است؛ به عنوان مثال پس از جریان دوم خرداد و موضع‌گیری‌های مختلف شهادت سپهبد صیاد شیرازی و تشییع پیکر آن شهید والامقام توانست ورق را برگرداند. در واقع می‌توان گفت تشییع پیکر شهید صیاد شیرازی یک عملیات ثامن الائمه (ع) دیگر است. تشییع پیکر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تصاویری به وجود



سردار بسیجی بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس:

کار برای دفاع مقدس باید جهادی باشد

جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه دفاع مقدس (رسم) از ابتدا در استان خوزستان برگزار شده است و تا کنون دو دوره خود را پشت سر گذاشته است؛ در دوره سوم این جشنواره تا کنون یک هزار و ۳۴۸ اثر از داخل و خارج دریافت شده است و در اسفند ماه اختتامیه آن برگزار خواهد شد.

جشنواره داستان کوتاه یوسف که به داستان‌های کوتاه دفاع مقدس می‌پردازد نیز هر سال برگزار می‌شود و سه هزار و ۴۰۰ اثر تا کنون به این جشنواره ارسال شده است.

ان‌شاءالله مراسم انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس اسفند سال جاری برگزار خواهد شد و تا کنون سه هزار اثر دریافت شده است؛ این کتاب مورد استقبال قرار می‌گیرد و تنها جشنواره‌ای است که بهترین کتاب سال دفاع مقدس را معرفی می‌کند.

کنگره شعر دفاع مقدس در بهمن سال ۱۴۰۰ در استان فارس برگزار خواهد شد و تا کنون هفت هزار و ۷۰۰ اثر به دبیرخانه آن رسیده است. همایش تاریخ شفاهی دفاع مقدس در حال برگزاری است و نهم و دهم بهمن اختتامیه آن برگزار خواهد شد که تا کنون ۱۰۰ مقاله به دبیرخانه آن ارسال شده است؛ همچنین «جشنواره اسوه‌های سرو» که در بخش زنان است امروز در سطح بین‌الملل و در لبنان و سوریه برگزار می‌شود.

جشنواره «پرچم داران انقلاب» توسط روحانیون برگزار می‌شود و با توجه اینکه سپاه پاسداران برنامه‌ای برای روحانیت دارد، این جشنواره در خرداد سال ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد و تا کنون یک هزار و ۵۰۰ مقاله به این جشنواره رسیده است.

در سال ۱۳۹۶ که در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بودیم، ایشان بر این موضوع تاکید داشتند لذا کاری انقلابی و جهادی در این حوزه انجام شد و امسال از یک میلیون پیشکسوت تقدیر شد و همه دستگاه‌های لشکری و کشوری در این خصوص وارد میدان شدند.

هم اکنون ۲۰ موزه در سراسر کشور طی هشت سال گذشته افتتاح شده و در هم اکنون سه موزه آماده افتتاح در کشور داریم. موزه «استکبارستیزی طبس» سال ۱۴۰۲ آماده افتتاح می‌شود و طبق چشم‌اندازی که برنامه‌ریزی شده، طراحی و ساخت ۹ موزه دفاع مقدس انجام خواهد شد. موزه دفاع مقدس بوشهر در حال طراحی و سه موزه نیز در خوزستان در حال ساخت است. موزه دفاع مقدس

مراسم تشییع شهدای گمنام بی‌نظیر بود و تا کنون سابقه نداشته در ۲۵ استان به صورت همزمان چنین مراسمی برگزار شود، مراسم تشییع ۱۵۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس در تهران و ۱۰۹ شهید دیگر در ۲۴ استان با عظمت و شکوه برگزار شد. هفت هزار و ۱۳۱ برنامه در سراسر کشور در خصوص تشییع شهدای گمنام برگزار شد و پیکرهای مطهر شهدای گمنام از ابتدای دی برای برگزاری برنامه‌های مختلف به استان‌ها و اگذار شدند که در این میان، دو هزار و ۶۹۳ شهر و روستا میزبان پیکرهای مطهر شهدای گمنام بودند. مراسم تشییع شهدای گمنام در تهران بی‌نظیر بود، این مراسم از ساعت ۸ صبح در تهران شروع و تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داشت. پیکرهای مطهر شهدای گمنام در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمانشاه، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی و هرمزگان تشییع شدند که بیشترین شهدا در استان‌های اصفهان، خراسان رضوی، فارس، قزوین، قم و مازندران تشییع و خاکسپاری شده است. در استان‌ها استانداران و نمایندگان ولی فقیه مسئولیت این مراسم را بر عهده داشتند و اقدامات نیروهای نظامی و انتظامی نیز در باشکوه برگزار شدن این مراسم قابل تقدیر است.

از سال ۱۳۹۲ تا کنون ۹ جلسه با حضور اعضای هیات امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس برگزار شده و تا کنون شورای عالی هماهنگی بنیاد حفظ آثار نشر ارزش‌های دفاع مقدس ۲۰ جلسه و شورای راهبری این بنیاد نیز تا کنون ۸۰ جلسه داشته‌اند. شورای هماهنگی استان‌ها که با مسئولیت استانداران برگزار می‌شود، تا کنون ۷۵۰ جلسه داشته و تا کنون هشت جلسه آن با حضور هیئت امنای موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شده است. هیات مدیره موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تا کنون ۷۸ جلسه و شورای سیاست‌گذاری راهیان نور نیز تا کنون ۹۹ جلسه برگزار کرده‌اند.

جشنواره ملی فانوس بیست و چهارم آذر در خراسان رضوی برگزار شد و چهار هزار و ۹۴۳ اثر به این جشنواره ارسال شد؛ این جشنواره اول در سطح استانی برگزار می‌شود و پس از آن آثار برگزیده به جشنواره ملی راه پیدا می‌کنند.

دهد به ساعت و به روز می تواند در این سامانه فعالیتش را ثبت کند، نه تنها دستگاه های کشوری و لشکری بلکه یک کارخانه و شرکت هم می تواند فعالیت خود را ثبت کند.

برای گرامی داشت چهل و یکمین سالگرد دفاع مقدس سه هزار و ۲۰۰ برنامه برای سال ۱۴۰۰ پیش بینی شده است؛ عمده برنامه ها تجلیل از یک میلیون پیشکسوت دفاع مقدس و افتتاح نمایشگاه «در لباس سربازی» بود که برگزار شد.

اگر بخواهیم برای دفاع مقدس کاری انجام دهیم باید جهادی باشد و راه و روش شهدای دفاع مقدس را پی بگیریم. در این راستا به بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس می توان به عنوان یک سازمان نمونه نگاه کرد چرا که ماکمترین نیروی انسانی را در استان ها داریم که کارهای بزرگی انجام می دهند.

زنجان، خراسان جنوبی، طبس، قزوین، کردستان، کرمانشاه نیز در حال ساخت هستند، همچنین موزه های گلستان، گیلان و لرستان آماده افتتاح هستند.

یکی از اقداماتی که در ۴۰ سالگی دفاع مقدس صورت گرفت این بود که همه برنامه ها از ابتدای سال تا پایان سال هفته به هفته مشخص شد که در این راستا در چهل و یکمین سالگرد دفاع مقدس ۴۷۷ ستاد تشکیل شد.

سردار کارگر افزود: در نیروهای مسلح ۱۸ ستاد، وزارتخانه ها و دستگاه های کشور ۲۸ ستاد استان ها ۳۱ ستا و در شهرستان ها ۴۰۰ ستاد تشکیل شده است.

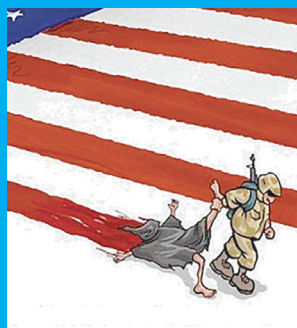
همه کشور خوشبختانه پای کار هستند و سامانه ای راه اندازی شده که هر دستگاهی که فعالیتی در حوزه دفاع مقدس انجام



ترجمان



۱۱۱
لبخند خدا حافظی



۱۰۶
جنایت زیر سایه دموکراسی



۱۱۵
بهانه ای برای جنگ

توضیح نشریه: مطالب بخش ترجمان منعکس کننده بخشی از نگاه رسمی غرب به ایران پس از انقلاب است، نگاهی همراه با حیرت، دشمنی و صداقتی از روی ناچاری، **سرو** با هدف تکمیل پارادایم های درگیری تاریخی بین انقلاب اسلامی و استکبار جهانی، با حفظ ساختار اصلی متن اقدام به انتشار این گونه مطالب کرده است.



۱۰۰ سال مداخله نظامی آمریکا از زبان گروسمن؛ استاد دانشگاه های آمریکا

جنایت زیر سایه دموکراسی

«زولتان گروسمن» استاد دانشگاه های آمریکا، در ارتباط با سوابق جنگ های این کشور از سال ۱۸۹۰ تا سال ۲۰۱۰ مطالعات گسترده ای را انجام داده است و تاکنون مقالات وی به زبان های مختلف ترجمه شده است. مطلب ذیل بخشی از مقاله نویسنده درباره ۱۰۰ سال مداخلات ارتش آمریکا است. در ترجمه، جداول طولانی جنگ های ایالات متحده حذف و بقیه مطلب نیز با اندکی تعدیل، برگردان شده است.

نویسنده: زولتان گروسمن

مترجم: سبحان محقق

منبع: academie-evergreen.edu

می‌گیرند. بسیاری از مورخان موافق این مسئله هستند که تاثیر بمب‌های آتش‌زاد دقیقاً برعکس است - (به اعتقاد آنها این بمباران) شهروندان دولت‌های محور را به دفاع از سرزمین مادری‌شان برمی‌انگیزاند و آنهایی که در تلاش برای انجام کودتا هستند را نیز دلسرد و بی‌انگیزه می‌کند. بمباران اتمی ژاپن در پایان جنگ، بدون هرگونه اخطار قبلی صورت گرفت، اخطاری که می‌توانست از مرگ صدها هزار نفر از شهروندان بی‌گناه جلوگیری کند.

جنگ (شبه جزیره) کره (۵۳-۱۹۵۰)، به عنوان جنگی که با شرارت‌های گسترده از هر دو جانب - نیروهای کره شمالی و چین از یک طرف و نیروهای کره جنوبی و آمریکا از طرف دیگر - همراه بود، مشهور است. نظامیان آمریکایی تنها به خاطر ترس از عوامل نفوذی کره شمالی، غیرنظامیان آواره‌ای که از شمال وارد کره جنوبی می‌شدند را می‌کشتند. بمب افکن‌ها، شهرهای کره شمالی را مورد حمله قرار می‌دادند و آمریکا دوبار تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای کرد. در کره شمالی، همان حکومت کمونیستی برمسند قدرت است که در آن زمان بود.

تفنگداران (آمریکایی) در خلال بحران خاورمیانه در سال ۱۹۵۸، در لبنان مستقر شدند تا یک شورش را سرکوب کنند. عراق نیز تهدید شد اگر به کویت حمله کند، مورد حمله هسته‌ای قرار خواهد گرفت. این بحران‌های کمتر شناخته شده، باعث شدند که سیاست خارجی آمریکا، اغلب به خاطر حمایت از رژیم‌های سلطنتی منطقه (خاورمیانه)، با ناسیونالیست‌های عرب، تصادم پیدا کند. ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۶۰ با هدایت تبعیدشدگان در سال ۱۹۶۱ به کوبا در خلیج خوک‌ها و در سال ۱۹۶۵ با بمباران و حمله نیروی دریایی (آمریکا) به جمهوری دومینیکن در خلال یک مبارزه انتخاباتی، به نقش مداخله‌جویانه قبل از جنگ جهانی دوم خود بازگشت. سیاه‌پوستان تبعیدی کوبایی در میامی را آموزش و مورد حمایت قرار داد، گروه‌هایی که (بعداً) در کوبا دست به حملات تروریستی زدند، که از جمله آنها می‌توان به سرنوشتی یک هواپیمای جت غیرنظامی کوبا در سال ۱۹۷۶ در نزدیکی باربادوس اشاره کرد. در دوران جنگ سرد نیز سیاه‌پوستان دیکتاتوری‌های طرفدار آمریکا در ایران، شیلی، گواتمالا، اندونزی و بسیاری از کشورهای دیگر در اطراف واکتاف جهان، حمایت و حتی در برخی موارد آنها را ایجاد کرد. واشنگتن در جنگ هندوچین (۷۵-۱۹۶۰) نیروهای آمریکایی را

پس از حمله ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) در آمریکا، بسیاری از مردم جهان موافق این مسئله بودند که مرتکبان (این جنایت) باید محاکمه شوند، نه اینکه به این بهانه، هزاران غیرنظامی کشته شوند. اما متأسفانه، ارتش آمریکا همیشه کشتار گسترده غیرنظامیان را به عنوان بخشی از هزینه‌های جنگ پذیرفته است. اکنون نیز ارتش هزاران شهروند خارجی را می‌کشد، تا ثابت کند که کشتن شهروندان آمریکایی، اقدامی نادرست بوده است.

رسانه‌ها به ما گفته‌اند که فقط برخی از مردم خاورمیانه از آمریکا متنفرند، آن هم تنها به این خاطر که ما «آزادی» و «شادکامی» را نصیب خود کرده‌ایم. چیزی که در این گزاره وجود ندارد، سابقه تاریخی نقش آمریکا در خاورمیانه و همینطور، در بقیه جهان است. ابتدا ضرورت دارد توضیحاتی داده شود برای مخاطبان که با دقت تاریخ مسایل خارجی و نظامی آمریکا را پی‌گیری نکرده‌اند، و شاید از سابقه مداخلات نظامی آمریکا در خارج آگاه نباشند و در همان حال، در مورد جهت‌گیری کشورمان به سمت یک جنگ تازه تحت نام «آزادی» و «حمایت از شهروندان»، نگران هستند. مدت‌هاست که ارتش ایالات متحده در دیگر کشورها مداخله می‌کند. این کشور در سال ۱۸۹۸ کشورهای فیلیپین، کوبا و پورتوریکو را از چنگ اسپانیا درآورد و تصرف کرد و در سال‌های ۱۸-۱۹۱۷ وارد جنگ جهانی اول در اروپا شد. آمریکایی نیمه نخست قرن بیستم مرتباً تفنگداران خود را به کشورهای چون نیکاراگوئه، هندوراس، پاناما، هائیتی و جمهوری دومینیکن می‌فرستاد تا این کشورها را «تحت الحمایه» خود کند. همه این مداخلات مستقیماً در راستای منافع شرکت‌های بزرگ انجام می‌گرفت، و بیشتر حملات با کشتار گسترده غیرنظامیان، شورشیان و سربازان همراه می‌شد. بسیاری از مواردی که آمریکا از نیروهای رزمی استفاده کرد، در کتاب «تاریخ مداخلات نظامی آمریکا از سال ۱۸۹۰» آمده است.

ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم (۴۵-۱۹۴۱) با حمله غافلگیرانه (ژاپن) به (پرل هاربر)، و به خاطر ترس از هجوم (دولت‌های) محور به آمریکای شمالی آغاز شد. بمب افکن‌های متفقین نه تنها اهداف نظامی فاشیست‌ها را مورد حمله قرار دادند، بلکه شهرهای آلمان و ژاپن مثل «درسدن» و «توکیو» را نیز با بمب‌های آتش‌زا بمباران کردند. با این فرض که نابودی شهروندان همسایه، اراده آنهایی که نجات یافته‌اند را تضعیف خواهد کرد و آنها مقابل رژیم‌هایشان قرار



پژواک‌های ویتنام، در خلال دهه ۱۹۸۰ در آمریکای مرکزی نیز انعکاس یافت؛ زمانی که دولت «رونالد ریگان» قویا از رژیم طرفدار ایالات متحده در السالوادور حمایت کرد و طرف نیروهای تبعیدی جناح راست در حال جنگ با دولت چپ‌گرای ساندنیست در نیکاراگوئه را گرفت. جوخه‌های مرگ راست‌گرا، غیرنظامیان السالوادوری را که به تمرکز قدرت و ثروت در دستان تعداد معدودی معترض بودند، قتل عام می‌کردند.

شورشیان نیکاراگوئه‌ای «کنترا» که دست به حملات تروریستی علیه مراکز درمانی غیرنظامی و مدارس تحت حاکمیت ساندنیست‌ها می‌زدند، و بنادر نیکاراگوئه را مین‌گذاری می‌کردند، تحت آموزش سیا بوده‌اند. نظامیان آمریکایی همچنین، کشور جزیره‌ای «گرانادا» را در سال ۱۹۸۳ مورد هجوم قرار دادند، تا یک رژیم نظامی به تازگی شکل گرفته را برانازند، و علی‌رغم اینکه قبلا دولت چپ‌گرای مورد حمایت کوبا به وسیله کودتا سقوط کرده بود، به کارگران غیرنظامی

علیه ویتنام شمالی و شورشیان کمونیست که برای سرنگون کردن دیکتاتوری‌های طرفدار آمریکا در ویتنام جنوبی، لائوس و کامبوج می‌جنگیدند، به کار گرفت. طراحان جنگ آمریکا در حملات خود، میان غیرنظامیان و چریک‌ها در مناطق تحت سیطره شورشیان، کمتر فرق می‌گذاشتند و یا اصلا بدان توجه نمی‌کردند. آمریکا مناطق دورافتاده و شهرهایی که در برآورد نهایی در زمره مکان‌های انقلابی پیروز قرار می‌گرفتند، را «به طور خیلی فشرده» بمباران می‌کرد. در این جنگ (هندوچین) بیش از دو میلیون نفر کشته شده‌اند که ۵۵ هزار نفر آنها، نظامیان آمریکایی بوده‌اند. چند نفری هم از شهروندان آمریکایی در خاک ایالات متحده بر اثر تیراندازی گارد ملی و یا انفجارهایی که بخاطر مخالفت با جنگ صورت می‌گرفت، کشته شده‌اند. در کامبوج این بمباران، شورشیان خشن «خم» را متوجه رهبران بخش مالی کرد، و آنها وقتی که در سال ۱۹۷۵ به قدرت رسیدند، وحشی‌گری‌های خونینی را به راه انداختند.

در سال‌های بعد و پس از حمله عراق به «کویت» که باعث شد واشنگتن مقابل متحد عراقی سابقش «صدام» قرار گیرد، آمریکا نیروهایش را در «خلیج فارس» مستقر کرد. ایالات متحده از رژیم سلطنتی کویت و سلطنت بنیادگرای مسلمان در همسایگی آن، «عربستان سعودی»، مقابل رژیم ملی‌گرا و سکولار عراق حمایت کرد. در ژانویه سال ۱۹۹۱ آمریکا و متحدانش در یورش علیه اهداف دولتی و نظامی عراق، بمب‌های زیادی را ره‌آورد کردند که از لحاظ شدت، از زمان جنگ جهانی دوم و جنگ ویتنام تا آن زمان سابقه نداشت. در این جنگ و شورش‌ها و بیماری‌های بلافاصله پس از آن، بیش از ۲۰۰ هزار عراقی کشته شده‌اند و این تعداد شامل بسیاری از غیرنظامیانی می‌شود که در روستاها، مناطق مجاور (اهداف نظامی و دولتی) و پناهگاه‌ها به سر می‌برده‌اند. آمریکا تحریم‌های اقتصادی را تا آنجا ادامه داد که بهداشت و انرژی از غیرنظامیان عراقی دریغ شد و طبق گزارش آژانس‌های سازمان ملل، صدها هزار نفر از مردم جان خود را از دست دادند. علاوه بر آن، ایالات متحده طرح مناطق «پرواز ممنوع» را برقرار کرد و

کوبایی حمله، و تصادفاً نیز یک بیمارستان را بمباران کردند. در سال ۱۹۸۰ پس از انقلاب اسلامی ایران علیه دیکتاتوری شاه پهلوی طرفدار آمریکا، ایالات متحده دوباره در خاورمیانه به زور متوسل شد.

یک حمله نظامی و بمباران برای آزاد کردن گروگان‌های سفارت که در مرکز شهر تهران نگه داشته می‌شدند، در بیابان‌های ایران (طیس) نافرجام ماند. پس از اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲، تفنگداران آمریکایی در چارچوب عملیات «حافظ صلح» بی‌طرف، در این کشور مستقر شدند. اما، آنها در عوض، در مقابل شورشیان مسلمان، جانب دولت مسیحی طرفدار اسرائیل لبنان را گرفته‌اند، و کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا، بارانی از گلوله را متوجه روستاهای مسلمان نشین کردند. شورشیان مسلمان شیعه (زمندگان مقاومت) که در وضعیت ناگواری بودند، با بمب گذاری انتحاری (استشهادی) در محل استقرار تفنگداران آمریکایی، واکنش نشان دادند و تعدادی از آمریکایی‌ها را طی سال‌ها در این کشور به گروگان گرفتند. سیاه تلافی این اقدامات، دست به یک سری حملات با خودروهای بمب‌گذاری شده برای ترور رهبران مسلمان شیعه زد. (اما، نهایتاً) سوریه و شورشیان مسلمان به عنوان طرف پیروز، در (عرصه) لبنان ظاهر شدند.

آمریکا در جای دیگر خاورمیانه، در سال ۱۹۸۶ به «لیبی» حمله کرد. این کشور متهم به حمایت از یک بمب‌گذاری تروریستی شد. البته، بعداً این بمب‌گذاری به سوریه نسبت داده شد. در این بمباران، غیرنظامیان کشته شدند. احتمالاً همین کشتار به انتقام‌گیری بعدی در ماجرای بمب‌گذاری یک هواپیمای جت آمریکایی بر فراز اسکاتلند انجامید. «معمّر قذافی» رهبر ناسیونالیست‌های عرب لیبی، در قدرت ماند.

نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۸۹ برای برانداختن رژیم ملی‌گرای «مانوئل نوریه‌گا»، پاناما را مورد حمله قرار دادند. آمریکا این متحد سابق خود را متهم به انتقال مواد مخدر در این کشور کرد؛ هرچند که پس از دستگیری وی، تجارت مواد مخدر عملاً افزایش یافت. بمباران شهر پاناما توسط آمریکا، آتش‌سوزی بزرگی را در مناطق غیرنظامی به وجود آورد و انفجار مخازن گاز شهری این آتش‌سوزی را تشدید کرد. برای دستگیری فقط یک رهبر در این یورش، بیش از ۲۰۰ پانامایی کشته شدند.

۶۶

پس از حمله ۱۱ سپتامبر
(۲۰۰۱) در آمریکا، بسیاری
از مردم جهان موافق این
مسئله بودند که مرتکبان
(این جنایت) باید محاکمه
شوند، نه اینکه به این
بهانه، هزاران غیرنظامی
کشته شوند.

۹۹



بمباران کرد تا «اسلو بودان میلوسویچ»، رئیس جمهور را مجبور کند نیروها را از ایالت آلبانیایی تبار «کوزوو» که دچار یک جنگ قومی وحشیانه شده بود، عقب بکشد. این بمباران صرب‌ها را واداشت غیرنظامیان آلبانی تبار را از «کوزوو» بیرون کنند و بکشند، و این بمباران باعث مرگ هزاران نفر از غیرنظامیان صرب حتی در شهرهایی شد که به طور گسترده‌ای علیه میلوسویچ رای داده بودند. وقتی که بخشی از نیروهای اشغالگر ناتو، آلبانی تبارها را قادر ساختند که برگردند، نیروهای آمریکایی تلاش ناچیزی را جهت ممانعت از وقوع شرارت‌های مشابه علیه غیرنظامیان صرب و دیگر مردم غیرآلبانیایی تبار انجام داده اند و با اصلاح در این خصوص اقدامی نکرده‌اند. حتی از نگاه اپوزیسیون دموکراتیک صرب که سال بعد میلوسویچ را برانداختند، آمریکا به عنوان یک بازیگر مغرض دانسته می‌شد.

ارتش آمریکا حتی زمانی که در ظاهر، انگیزه‌های دفاعی داشت، حملاتش را با (بمباران) اهداف اشتباهی به پایان رساند. پس از بمب‌گذاری‌های سال ۱۹۹۸ در دو سفارت آمریکا در شرق آفریقا، آمریکانه تنها اردوگاه‌های آموزشی «اسامه بن لادن» را در «افغانستان» مورد حملات «تلافی جویانه» قرار داد، بلکه یک کارخانه داروسازی که به اشتباه گفته می‌شد کارخانه جنگ افزار شیمیایی است، را نیز بمباران کرد. بن لادن هم این حملات را در سال ۲۰۰۰ با حمله به یک کشتی نیروی دریایی آمریکا که در «یمن» لنگر گرفته بود، تلافی کرد. پس از حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ در ایالات متحده، ارتش آمریکا آماده بمباران دوباره افغانستان می‌شود، و در صدد برمی‌آید که احتمالاً علیه دیگر حکومت‌هایی که واشنگتن آنها را متهم به تقویت «تروریسم» ضد آمریکایی می‌کند، مثل «عراق» و «سودان» اقدام کند. چنین مبارزه‌ای مسلماً به یک چرخه خشونت و به بالا رفتن یک سری از اقدامات تلافی جویانه می‌انجامد؛ نشانه آن درگیری‌های خاورمیانه است. افغانستان نیز مثل یوگسلاوی، یک کشور چند قومیتی است و به راحتی می‌تواند در یک جنگ فاجعه آمیز منطقه‌ای (داخلی)، از هم تجزیه شود.

در این جنگ تلافی جویانه علیه «تروریسم» و در مقابل ۳۰۰۰ غیرنظامی‌ای که در ۱۱ سپتامبر مردند، به طور قریب به یقین، بسیاری از غیرنظامیان (در افغانستان) جان خود را از دست دادند.

علاوه بر حملات و بمباران ادامه داد؛ در این شرایط صدام از لحاظ سیاسی تقویت و در همان حال، از لحاظ نظامی ضعیف می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ ارتش آمریکا با ادعای اینکه می‌خواهد غیرنظامیان را مورد حمایت قرار دهد، یک سری اقداماتی را تحت نام «مداخلات انسان دوستانه» انجام داد. مهمترین این مداخلات که در سال ۱۹۹۲ با استقرار در کشور آفریقایی «سومالی» انجام گرفت، به قحطی و جنگ قومی میان جنگ سالاران قبیله‌ای انجامید. نظامیان آمریکایی به جای آنکه بی طرف بمانند، طرف یک جناح را مقابل جناح دیگر گرفتند و منطقه‌ای را در حومه «موگادیشو» بمباران کردند. گروه‌های خشمگین که توسط مزدوران عرب خارجی حمایت می‌شدند، ۱۸ سرباز آمریکایی را کشته، و آنها را مجبور کرده‌اند که از این کشور عقب‌نشینی کنند.

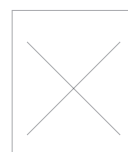
مورد دیگر این به اصطلاح «مداخلات انسان دوستانه» در منطقه بالکان اروپا صورت گرفت، و این پس از آن بود که فدراسیون چند ملیتی یوگسلاوی در سال ۱۹۹۲ تجزیه شد. آمریکا قبل از آنکه در سال ۱۹۹۵ یوگسلاوی را شدیداً بمباران کند، به مدت سه سال شاهد کشتار غیرنظامیان مسلمان توسط نیروهای صرب در «بوسنی» بود. حتی در آن موقع (سال ۱۹۹۵) نیز آمریکا هرگز در صدد برنجامد جلوی شرارت‌های نیروهای کروات را علیه غیرنظامیان مسلمان و صرب بگیرد و این نیروها حتی توسط ایالات متحده کمک هم می‌شدند. در سال ۱۹۹۹، آمریکا صربستان را



لبخند خدا حافظی

بمباران شیمیایی حلبچه هزاران کشته بر جای گذاشت که بیشتر آنها زن و کودک بودند.

چند دقیقه برای نوشتن زندگی جدید زانا احمد کافی بود، برخلاف آنچه برای پدر و برادر بزرگترش رخ داد و آنها در گودالی بزرگ دفن شدند که به گور دسته جمعی تبدیل شد و جای دقیق آن هنوز هم مشخص نیست. این مکان حاوی بقایای اجساد ۱۵۰۰ پیرمرد و زنان و کودکانی است که در ساعت ۱۱:۲۰ صبح روز ۱۶ مارس ۱۹۸۸ در شهر حلبچه در اقلیم کردستان عراق توسط بمب‌های شیمیایی رژیم عراق خاموش شدند.



نویسنده: صلاح حسن بابان

مترجم: مجتبی آذرشب

منبع: الجزیره

در جریان محاکمه ارائه کرد. از جمله حکم سال ۱۹۸۷ از سوی اطلاعات نظامی که در آن از دفتر رئیس جمهور برای استفاده از گاز خردل و سارین علیه کردها مجوز گرفته بود.

و سند دوم در پاسخ به آن، اینکه صدام به اطلاعات نظامی دستور داده است تا امکان حمله غافلگیرانه با استفاده از این سلاح‌ها علیه نیروهای ایرانی و گرد را بررسی کند و یک یادداشت داخلی توسط اطلاعات نظامی نوشته شده بود که اجازه دفتر ریاست جمهوری را برای حمله با مهمات ویژه گرفته است و تاکید می‌کند که نباید بدون اطلاع صدام شلیک شود.

علی حسن المجید پس از محکوم شدن به طراحی قتل عام حلبچه، در ژانویه ۲۰۱۰ توسط دادگاهی در عراق به اعدام با چوبه دار محکوم شد. مجید برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ به دلیل نقش داشتن در عملیات نظامی سال ۱۹۸۸ علیه کردها به نام "عملیات انفال" به اعدام محکوم شد.

او همچنین در سال ۲۰۰۸ دوباره به دلیل جنایات علیه عراقی‌ها در جنوب عراق، از جمله قیام سال ۱۹۹۱ و شرکت در کشتار سال ۱۹۹۹ در شهر الثوره (الصدر فعلی) در بغداد به اعدام محکوم شد و سرانجام در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۰ اعدام شد.

صدام در اواخر سال ۲۰۰۶ پس از محکومیت در مورد کشتار موسوم به دجیل که در آن ۱۴۸ نفر کشته شدند، اعدام شد. به این ترتیب پیگرد قانونی علیه او در آنچه به عنوان پرونده انفال شناخته می‌شود، پایان یافت. جایی که او به اتهام نسل‌کشی علیه کردها محاکمه می‌شد.

زخم عمیق

نجیروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق در سخنانی به مناسبت سی و چهارمین سالگرد بمباران حلبچه از دولت عراق خواست تا وظایف قانونی و اخلاقی خود را در قبال حلبچه اجرا کند و از جامعه جهانی درخواست کرد تلاش کند تا مانع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی شود. مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر وقت عراق نیز در مصاحبه‌ای به مناسبت سالگرد حمله، اتفاقات حلبچه را «زخم عمیق، ظلم شدید و بی‌عدالتی» نامید. در ماه‌های پایانی جنگ، نیروهای ایرانی موفق شدند به مرز

زنان قبل از بمباران شهر آن جا را ترک کرد و همراه با خاله‌اش به سمت سلیمانیه رفت، اما نمی‌دانست که لبخند پدرش آخرین لبخند او خواهد بود و فقط خاطراتی از برادرش که روی پشت بام بازی می‌کرد، از او به جا خواهد ماند. «شنیده‌ام که پدرم احمد علی ۴۶ ساله و برادر بزرگترم جواد احمد ۱۶ ساله در داخل جاله بزرگی که توسط یکی از موشک‌ها در یکی از مناطق سقوط کرده است همراه با جسد ۱۵۰۰ نفر از سالخوردگان، زنان و کودکان، توسط شبه نظامیان گرد دفن شده‌اند، اما هنوز گورستان را پیدا نکرده‌ایم.»

بمباران شیمیایی در آخرین ماه‌های جنگ ایران و عراق بیش از ۵۰۰۰ نفر از ساکنان شهر را که بیشتر آنها سالخورده، زن و کودک بودند از بین برد و هفت تا ده هزار نفر دیگر را مجروح کرد. هزاران غیرنظامی سال‌ها بعد از بمباران در نتیجه عوارض بمباران شیمیایی و بیماری‌ها و نقایص مادرزادی جان خود را از دست دادند. بسیاری از خانواده‌های قربانیان همچنان در تلاش برای یافتن اجساد فرزندان و سالخوردگان و مردانی هستند که در جریان بمباران مفقود شده‌اند. این حمله شیمیایی بزرگترین جنایت علیه غیرنظامیان از یک نژاد تا به امروز ثبت شده و با توصیف نسل‌کشی در قوانین بین‌المللی که باید علیه یک گروه یا نژاد خاص به قصد انتقام یا مجازات انجام شود مطابقت دارد.

قتل عام

در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵، یک دادگاه هلندی، فرانس وان، تاجری که مواد شیمیایی را از بازار جهانی خریده و به رژیم صدام، رئیس جمهور سابق عراق می‌فروخت را به ۱۵ سال زندان محکوم کرد. دادگاه هلند رأی داد که صدام علیه ساکنان حلبچه مرتکب نسل‌کشی شده و این اولین بار بود که یک دادگاه حمله حلبچه را اقدام نسل‌کشی توصیف کرد. دادگاه ویژه عراق صدام و پسر عمویش علی حسن المجید را که در آن زمان فرماندهی نیروهای ارتش عراق در کردستان را برعهده داشت، به جرم جنایت علیه بشریت مرتبط با حوادث حلبچه متهم کرد. دادستان عراق بیش از ۵۰۰ سند جنایات دوران رژیم صدام را



هزاران مرد در بمباران حلبچه کشته شدند.

تصمیمات اشتباه

زاننا احمد تأیید می‌کند که نیروهای ایرانی واقعاً در جریان بمباران شیمیایی در حلبچه حضور داشته‌اند، اما ماسک‌هایی به صورت داشتند و روایتی را تأیید می‌کند که نیروهای عراقی را مسئول بمباران می‌داند، زیرا مادرش شاهد این حادثه بوده است. او یکی از بازماندگانی است که زندگی خود را بر خلاف شوهر و پسر بزرگش نوشت.

عبدالله ریشاوی، تحلیلگر سیاسی معتقد است که صدام در صدور تصمیم بمباران با سلاح شیمیایی بسیار عجله کرده است، زیرا او به تصمیمات نظامی اشتباه خود شهرت داشت. او در معرض یک واقعیت قرار داشت و اعتقاد کامل داشت که ارتش عراق در آن دوره، در زمانی که تعداد ارتش ایران چندین برابر بیشتر نیروهای عراقی بود، قادر به بیرون راندن نیروهای ایرانی با روش‌های کلاسیک در جنگ‌ها نبود.

عراق یورش برده و خود را به حلبچه برساند تا رژیم صدام حسین ساکنان شهر را به تسهیل ورود ایرانیان متهم کند. این اتهامات هنوز قسمتی از بحث‌های حال حاضر در مورد ماهیت واقعی آن است و یا اینکه اگر حضور نیروهای ایرانی در آنجا ثابت شود، باز هم برای استفاده رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی توجیه پذیر می‌شود یا خیر.

به دلیل این جنجال، روایت‌های متعددی درباره اینکه چه کسی مسئول این بمباران است، منتشر شده است. یکی از این روایت‌ها این است که نیروهای عراقی بمباران شیمیایی را در تلاش برای بازپس‌گیری شهر پس از ورود نیروهای ایرانی انجام داده‌اند. در حالی که روایت دیگری طرف ایرانی را مقصر دانسته است. به این بهانه که پس از آن که تحت فشار نیروهای عراقی مجبور به عقب‌نشینی شدند، با سلاح‌های شیمیایی به سربازان عراقی جراحت وارد شده است.



این کشور در دادگاه‌های بین‌المللی به جرم استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه حلبچه شکایت نکرده است؟!

الکنانی - که دارای درجه سرتیپی در گارد جمهوری رژیم صدام بود - باریش‌اوی موافق است. او تصمیمات صدام را احساساتی و فوری اما اغلب عجولانه می‌داند. به ویژه تصمیم بمباران حلبچه با سلاح‌های شیمیایی را با علامت سوال و تعجب‌های فراوان توصیف می‌کند.

در مقابل، ادریس ملانته، تحلیلگر سیاسی - یکی از کادرهای رسانه‌ای که با حزب منحل به‌عث کار می‌کرد - معتقد است که تمرکز بر رژیم صدام و اتهام او در حمله به شهر حلبچه با اهداف آمریکا در مارس ۱۹۸۸ قابل توجیه است.

گفتگوی ملانته با الجزیره نت حاکی از آن است که پیگیری اطلاعات پرونده حلبچه پس از افشای اسناد محرمانه در آمریکا که با مواضع یا گزارش‌های آن زمان درباره حلبچه و کشتار وحشتناک غیرنظامیان صلح‌آمیز مغایرت دارد، به سرگیجه مبتلا شده و تأکید می‌کند که عراق توانایی ساخت گازهای سمی استفاده شده در حلبچه را نداشته است.

وی در پاسخ به سوال الجزیره نت که آیا حضور ایران در حلبچه دلیل اصلی تصمیم صدام برای بمباران آن با سلاح شیمیایی بوده است یا خیر پاسخ داد: «حضور نیروهای ایرانی در داخل شهر، ارتش عراق را پس از عقب‌نشینی از نبرد در مرز به شدت ترسانده بود و این امر باعث استفاده از سلاح‌های شیمیایی برای توقف پیشروی ایران و جلوگیری از آن شد.»

ریش‌اوی از این متعجب است که صدام به جای گزینه‌های نظامی آشکار، مانند درخواست کمک نظامی و لجستیکی از کشورهای عربی مانند گذشته، به این گزینه متوسل شده است.

بحث مسئولیت

عدنان الکنانی، کارشناس نظامی، روایتی تعریف می‌کند که صدام را مسئول بمباران شیمیایی حلبچه می‌داند که توسط پسرعموی او علی حسن المجید انجام شد، و تأکید می‌کند که سلاح‌های شیمیایی منحصراً تحت دستور صدام که در بحث نظامی به نام «بخش شیمیایی» نامیده می‌شود قرار داشت. به نظری اگر ایران واقعاً این حمله را انجام داده است چرا رژیم سابق عراق از



بهانه‌ای برای جنگ

نگاهی به قرارداد تقسیم اروندرود بین ایران و عراق که در سال ۱۹۷۵ منعقد شد.

ایران و عراق ۴۷ سال پیش براساس قرارداد مرزی، باهم توافق کردند که توسط صدام، معاون وقت رئیس‌جمهور عراق و شاه ایران محمدرضا پهلوی تحت نظارت هواری بومدین، رئیس‌جمهور سابق الجزایر امضا شد. توافق‌نامه امضا شده در ۶ مارس ۱۹۷۵ شامل مجموعه‌ای از بندها بود که مهمترین آنها تقسیم اروندرود بین دو کشور به طور مساوی بود و هدف بغداد از این قرارداد سرکوب شورش مسلحانه کردها در شمال عراق بود که در آن زمان مورد حمایت ایران قرار داشتند.

اما این قرارداد دیری نپایید، زیرا در سال ۱۹۸۰ با شروع جنگ ایران و عراق این قرارداد لغو شد و مشکل مرزی بین دو کشور یکی از اصلی‌ترین علل درگیری دو طرف به حساب آمد. صدام بعداً اعتراف کرد که به اجبار توافق‌نامه مشترک اروندرود را با ایران منعقد کرده، زیرا به واسطه حمایت‌های تهران با شورش‌هایی در شمال کشور مواجه بوده است.



نویسنده: طه العائنی

مترجم: مقصوده نوحی

منبع: الجزيرة

پیشینه تاریخی

وی ادامه می دهد: «در سال ۱۹۶۹، ایران بدون ارائه هیچ چیز واقعی، توافق را به طور کامل پس گرفت، تا اینکه زمان قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ فرارسید.»

فراس الیاس، پژوهشگر متخصص سیاست خارجی ایران، معتقد است که روند امضای قرارداد الجزایر بین عراق و ایران در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ در شرایط استثنایی که روابط دو کشور در آن زمان تجربه کرد، رخ داد.

به گفته الیاس، شرایط سیاسی داخلی دو کشور انگیزه ای برای امضای این قرارداد برای آنها ایجاد کرد و با اشاره به اینکه نیازهای عراق به دلیل شورش مسلحانه کردها که در شمال کشور فعال و مؤثر بودند، بیشتر بود و عراق را بر آن داشت تا در این قرارداد امتیازات مؤثری به طرف ایرانی بدهد.

طارق حرب، کارشناس حقوقی خاطرنشان می کند که «این توافق شامل واگذاری برخی از اراضی عراق به ایران در ازای توقف حمایت از جنبش های کرد در شمال کشور بود و چنین امتیازی در تاریخ عراق رخ نداده است.

حرب در گفتگو با الجزیره نت می گوید که ایران از قبل، حمایت از

به گفته استاد سیاست راهبردی دکتر قحطان الخفاجی مشکلات مرزی بین عراق و ایران در طول تاریخ گسترش یافته و از آغاز مداخله ایران در امور عراق در روزگار بابلی ها، مادریحان ها محسوب می شود.

وی - به الجزیره نت - توضیح می دهد که دلیل عدم تعیین مرزهای دو کشور، طبق شواهد تاریخی، به دلیل عدم تمایل واقعی ایران به این کار است. الخفاجی به قراردادهایی اشاره می کند که قبل از قرارداد الجزیره شکل گرفته بود. از جمله قرارداد ۱۹۱۳ که شامل عراق، ایران، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و برخی مناطق دیگر بود. در این قرارداد عمیق ترین نقطه ارون درود به عنوان مرز بین دو کشور تعیین گردید اما هیچ وقت اجرایی نشد.

تا این که قرارداد ۱۹۳۷ شکل گرفت. در این قرارداد تمام ارون درود به عراق تعلق گرفت. به گفته الخفاجی در آن زمان نشانه هایی از صلح وجود داشت طوری که این قرارداد به توافق خاورمیانه مشهور شد.



یومئین بین صدام و شاه ایران برای انعقاد قرارداد در سال ۱۹۷۵ میانجیگری کرد.

پروتکل قسطنطنیه در سال ۱۹۱۳ و صورت جلسه کمیته تعیین مرز در سال ۱۹۱۴ بود همچنین شامل تعیین مرزهای رودخانه بر اساس خط تالوگ (عمیق ترین نقاط دراروند رود)، بازگرداندن امنیت و اعتماد متقابل در امتداد مرزهای مشترک و متعهد به انجام کنترل دقیق و مؤثر بر این مرزها به منظور پایان دادن به عملیات نفوذ با ماهیت خرابکارانه بود. الیاسری امضای این توافقنامه توسط صدام را نقض ماده (۳) قانون اساسی موقت عراق در سال ۱۹۷۰ دانست که می‌گوید حاکمیت و سرزمین عراق یک واحد تجزیه‌ناپذیر است و هیچ بخشی از آن قابل چشم‌پوشی نیست.

استاد روابط راهبردی، دکتر محمد میسرفتحی خاطرنشان می‌کند که این توافق به ایران مناطق مرزی وسیعی را اعطا کرد که در معاهدات قبلی به آن دست نیافته بود، زیرا پس از لازم الاجرا شدن توافق، ایران به دستاوردهای بزرگی دست یافت. او - به الجزیره نت - توضیح داد که وضعیت ایران دراروند رود، بر اساس بازتعریف مرزها بر اساس خط تالوگ، این کشور را شریک حاکمیت بر بخش بزرگی از آن کرده است.

فروپاشی توافق

القره داغی تصریح کرد: جدی‌ترین مفاد این توافقنامه برنامه‌ریزی نهایی مرزهای زمینی، تاکید بر تمامیت ارضی و احترام به مرزها، عدم مداخله در امور داخلی، اجرای دقیق و کنترل مؤثر مرزها و پایان دادن به نفوذهای خرابکارانه است. وی افزود: «این توافق شامل به رسمیت شناختن حق ایران ازاروند رود، توسط عراق در قبال کنار گذاشتن حمایت ایران از شورش‌گردها به رهبری ملا مصطفی بارزانی در اقلیم کردستان عراق بود که منجر به فروپاشی جنبش کرد و فرار برجسته‌ترین رهبران آن از کشور شد.

به گفته الیاس، دلیل اصلی لغو این توافق از سوی عراق پس از سوء قصد به طارک عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق در «آوریل ۱۹۸۰» در مقابل درب اصلی دانشگاه المستنصریه در بغداد صورت گرفت.

الیاس توضیح می‌دهد که تلاش برای ترور عزیز که در آن انگشت اتهام به سمت یکی از احزاب اپوزیسیون عراقی نزدیک به تهران

کردها را متوقف کرده بود تا عراق در نبرد خود در برابر جنبش‌های شورشی پیروز شود.

شاهو القره داغی، محقق سیاسی عراقی نیز به نوبه خود توضیح می‌دهد که مشکلات مرزی ایران و عراق به زمان امپراتوری عثمانی برمی‌گردد و این مشکلات حتی در زمان قیمومیت بریتانیا نیز ادامه داشت.

القره داغی در سخنان خود به الجزیره نت می‌افزاید که به دلیل عدم تعیین مرزهای مشخص و به رسمیت شناختن دو طرف مرزها، مشکلات امنیتی بین دو کشور رخ داد. این امر باعث امضای معاهده مرزهای بین‌المللی و حسن همجواری و همچنین ۳ پروتکل پیوست در مورد مرزهای زمینی و رودخانه‌ای و امنیت مرزها در سال ۱۹۷۵ شد که به کاهش تنش بین ایران و عراق کمک کرد.

شرایط امضا

دکتر حسین قاسم الیاسری، استاد جغرافیای سیاسی، درباره شرایط امضای قرارداد الجزایر می‌گوید که صدام در سال ۱۹۸۰ اعتراف کرد که مجبور به انعقاد این قرارداد و واگذاری نیمی ازاروند رود به ایران شده است زیرا به دلیل حمایت ایران از مصطفی بارزانی که رهبری شورش کردها علیه دولت عراق را برعهده داشت. ارتش عراق در آن زمان نمی‌توانست به جنگ در شمال این کشور بپردازد. الیاسری معتقد است صدام در آن زمان نمی‌خواست با کردها درباره رسمیت شناختن کرکوک کردستان مذاکره کند، بنابراین ترجیح داد نیمی ازاروند رود را به ایران واگذار کند. به گفته الیاسری دلیل انتخاب الجزایر، برگزاری کنفرانس سران کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در این کشور و ابتکار بومدین رئیس جمهور وقت الجزایر بود و دیدارهایی بین محمد رضا پهلوی و صدام صورت گرفت که در این دیدار در خصوص روابط دو جانبه دو کشور گفتگو شد.

محتوای توافقنامه

به گفته الیاسری، یکی از برجسته‌ترین مفاد این قرارداد، برنامه‌ریزی نهایی برای مرزهای زمینی دو کشور بر اساس



بین آنها شد و این توافق را کانون انتقادات دائمی دو طرف تا این لحظه قرار داد. به نوبه خود، حرب معتقد است که صدام در آغاز جنگ با ایران فرصتی برای رهایی خود از قرارداد ۱۹۷۵ یافت، زیرا این قرارداد به رژیم ایران حقوقی داد که از آن برخوردار نبود، از جمله نیمی از اروندرود، بخش‌هایی از خاقلین و اجازه ورود بدون قید و شرط کشتی‌های ایرانی به اروندرود.

حرب معتقد است لغو معاهده الجزایر توسط عراق هیچ ارزش حقوقی ندارد زیرا این توافق توسط سازمان ملل ثبت شده است. بنابراین پس از پایان جنگ ایران و عراق و حوادث حمله به کویت، عراق دوباره آن را به رسمیت شناخت.

القره داغی دلایل لغو معاهده الجزایر توسط عراق را سیاست ایران در قبال روابط حسن همجواری، مداخله در امور داخلی عراق و خودداری از بازگرداندن اراضی عراق و همچنین بازگشت جنبش کردها در اقلیم کردستان بیان می‌کند.

به گفته قره داغی، عدم احترام به مرزهای دو کشوری یکی از دلایل اصلی لغو قرارداد الجزایر توسط عراق بود، زیرا او متوجه شد که دلایل قانع کننده‌ای که وی را به این توافق سوق داده بود، کاملاً از بین رفته است. بنابراین نیازی به ادامه وجود آن نیست.

نشانه رفته بود، همراه با شعار صدور انقلاب، از همان روزهای اولیه موفقیت انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران که از سوی آیت الله خمینی رهبر ایران اعلام شد، همه‌ی این اتفاقات باعث شد که صدام به عنوان توجیه عملی برای رد معاهده ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ الجزایر داشته باشد. فراس الیاس پژوهشگر متخصص سیاست خارجی ایران معتقد است که اشتباه رهبری عراق امضای یک توافقنامه سیاسی و نه راهبردی با ایران بود که باعث شد صدام متوجه شود که این توافق بیش از آنکه منافع هر دو طرف را دربر داشته باشد بیشتر به نفع ایران است. وی - به الجزیره نت - می‌گوید که رهبری عراق در آن زمان برای انعقاد توافق عجله کرد و موفق به درک شرایط در حال تغییر در داخل ایران نشد. تمایل به پایان دادن تنش‌ها در داخل عراق، رهبری عراق را بر آن داشت که برای حفظ نظام سیاسی، امتیازات قابل توجهی را به طرف ایرانی این توافقنامه بدهد.

الیاس خاطر نشان می‌کند که امضای قرارداد الجزایر در شرایط سیاسی دشواری که دو طرف از سرگردانده بودند، رخ داد و شاید همین شرایط بود که بعدها باعث ایجاد وضعیت جنگی



جرقه جنگ

به گفته الیاس، «عراق یادداشت‌های اعتراضی متعددی به سازمان ملل، سازمان کشورهای غیرمتعهد و سازمان کنفرانس اسلامی ارسال کرده است تا گزارشی از نقض مرزهای ایران، به ویژه از ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ ارائه کنند.»

وی خاطرنشان کرد: «تلاش‌های عراق هیچ پاسخی دریافت نکرد و این امر باعث شد عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران اعلان جنگ کند و این امر با اعزام جنگنده‌های هوایی به عمق ایران و هدف قرار دادن فرودگاه‌های نظامی تعدادی از شهرهای بزرگ ایران مانند تهران و اصفهان همراه بود.» الیاس می‌افزاید: «علی‌رغم شرایط اعلام شده از سوی عراق برای توقف جنگ، که برجسته‌ترین آن به رسمیت شناختن حاکمیت عراق بر خاک ملی و مرزهای رودخانه‌ای و دریایی آن از سوی ایران بود، تهران از به رسمیت شناختن این امر خودداری کرد، به ویژه که عراق را به عنوان یک پایگاهی برای به صدور

انقلاب خود علیه بقیه کشورهای منطقه در نظر می‌گرفت.» الیاس ادامه می‌دهد که «علی‌رغم موفقیت‌هایی که نیروهای عراقی در آغاز جنگ به دست آوردند، ایران نیز موفق شد معادله نظامی را برهم بزند و توانست کنترل خود را بر کل سرزمین‌های تحت کنترل ارتش عراق بازگرداند. جنگی فرسایشی که ۸ سال به طول انجامید و صدها هزار کشته و زخمی برجای گذاشت.»

سرنوشت توافق

نجم القصاب، تحلیلگر سیاسی معتقد است لغو توافق الجزایر به نفع ایران بود، به ویژه پس از ورود عراق به کویت، این کشور در سطح منطقه و بین‌المللی، ضعیف‌تر و شکننده شد. القصاب در مصاحبه خود با الجزیره نت می‌افزاید که پس از سال ۲۰۰۳، ایران اروند رود را تحت کنترل خود درآورد و این امر به دلیل ضعف رهبران سیاسی عراق بود و باعث شد که کشتی‌های ایرانی آزادانه بتوانند حمل و نقل داشته باشند.

iranhdm.ir

جامعه‌دانشگاهی

جامعه‌موشیارها
وزبان‌دارهاست.
شهرید بهشتی